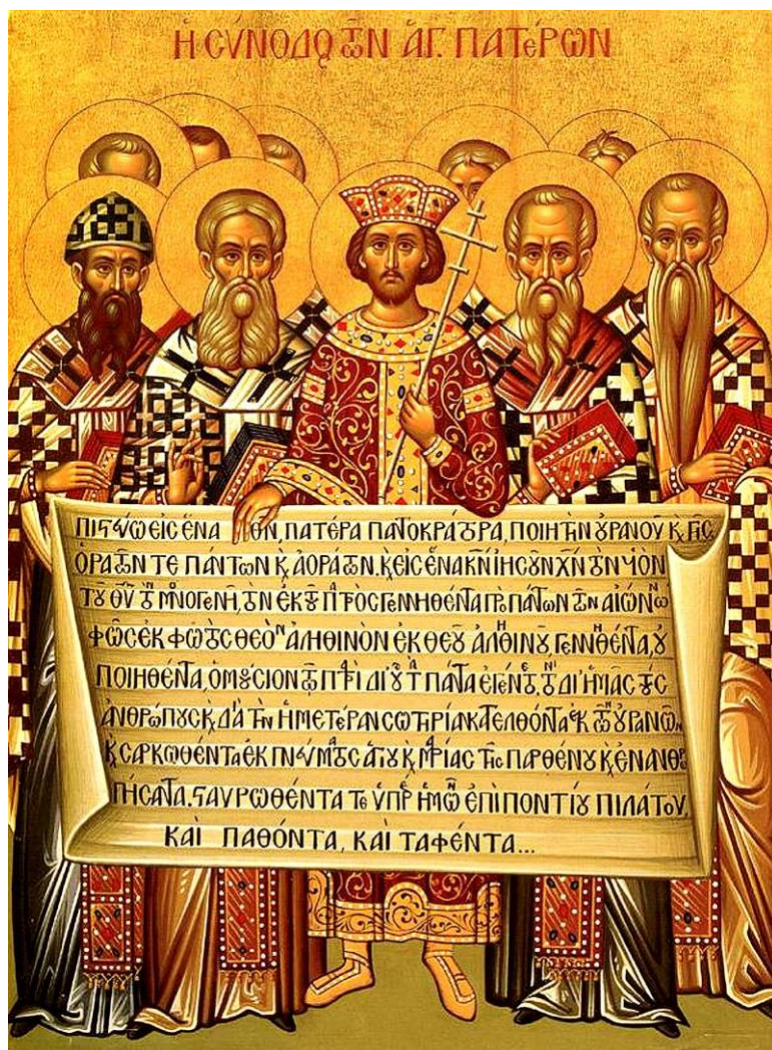


# سیری در ایمان



بخش ۳

تکوین تعالیم مسیحیت

## فهرست مطالب

|    |                                            |           |
|----|--------------------------------------------|-----------|
| ۳  | پیشگفتار                                   | بخش ۳     |
| ۴  | کتاب‌شناسی                                 | بخش ۳     |
| ۵  | تکالیف                                     | بخش ۳     |
| ۷  | آماده‌سازی                                 | جلسه ۱    |
| ۱۰ | ما یک خدا را در تثلیث می‌پرستیم            | جلسه ۱    |
| ۱۲ | کار آماده‌سازی برای جلسه ۲                 | جلسه ۲    |
| ۱۵ | مسیح آمده است                              | جلسه ۲    |
| ۱۹ | کار آماده‌سازی برای جلسه ۳                 | جلسه ۳    |
| ۲۴ | مسیح مرده است                              | جلسه ۳    |
| ۳۲ | کار آماده‌سازی برای جلسه ۴                 | جلسه ۴    |
| ۳۴ | مسیح برخاسته است                           | جلسه ۴    |
| ۳۸ | کار آماده‌سازی برای جلسه ۵                 | جلسه ۵    |
| ۴۱ | مسیح باز خواهد آمد                         | جلسه ۵    |
| ۴۴ | کار آماده‌سازی برای جلسه ۶                 | جلسه ۶    |
| ۴۷ | ما به روح‌القدس ایمان داریم                | جلسه ۶    |
| ۵۰ | کار آماده‌سازی برای جلسه ۷                 | جلسه ۷    |
| ۵۵ | شهادت یوحنا                                | جلسه ۷    |
| ۵۸ | کار آماده‌سازی برای جلسه ۸                 | جلسه ۸    |
| ۶۳ | رشد کلیسای اولیه                           | جلسه ۸    |
| ۶۶ | کار آماده‌سازی برای جلسه ۹                 | جلسه ۹    |
| ۶۸ | پولس، انجیل زنده                           | جلسه ۹    |
| ۷۲ | کار آماده‌سازی برای جلسه ۱۰                | جلسه ۱۰   |
| ۷۶ | ایمان، کلیسا و جهان                        | جلسه ۱۰   |
| ۷۹ | تصاویر تثلیث                               | پیوست ۱   |
| ۸۱ | شمایل روبلف و مراقبه                       | پیوست ۲   |
| ۸۴ | برگرفته از «مقدمه‌ای بر عهد جدید» اثر درین | پیوست ۳   |
| ۸۷ | استیون تراویس درباره «نامه‌های پولس»       | پیوست ۴   |
| ۹۰ | والتر هولن‌وگر درباره «کشمکش در قرن‌تس»    | پیوست ۵   |
| ۹۲ | سه اعتقادنامه                              | پیوست ۶   |
| ۹۵ | یواخیم یرمیا و ر.ت. فرانس درباره «آبا»     | پیوست ۷   |
| ۹۷ |                                            | واژه‌نامه |

## بخش سه: تکوین تعالیم مسیحیت

### پیشگفتار

اکنون به عهد جدید می‌پردازیم بی آنکه عهد عتیق رها کنیم. اولاً، کتب عهد عتیق برای عیسی و سه نسل اول پیروانش در حکم کتب مقدس بودند. شایان ذکر است عهد جدید در سال ۳۹۷ میلادی پس از کش و قوس فراوان در شورای قرطاج<sup>۱</sup> به عنوان کتاب مقدس مورد تایید نهایی قرار گرفت. ثانیاً، عهد عتیق و عهد جدید داستان‌های جدا از همی نیستند بلکه به صورت به هم پیوسته داستان خدا و قومش را بازگو می‌کنند.

### اهداف بخش ۳:

- کسب بینش درباره تاریخ عهد جدید
- معرفی مضامین کلیدی الهیاتی موجود در عهد جدید
- درک عمیق‌تر از تعالیم اساسی مسیحیت
- ایجاد پیوند میان عهد جدید و دوران معاصر و و به کارگیری آموخته‌ها در شاگردی، خدمت و پرستش

### نتایج مورد انتظار

در پایان این بخش از شرکت‌کنندگان انتظار می‌رود به موارد ذیل دست یابند:

- فهم مضمون الهیاتی «پادشاهی» در عهد جدید
- فهم شیوه‌های متفاوت مطالعه عهد جدید – از جمله رویکردهای خلاقانه
- فهم اصطلاحات مرتبط با مطالعه عهد جدید
- فهم تعالیم بنیادی مسیحیت درباره تثلیث
- فهم نحوه تأثیر همه این موارد بر شنیدن صدای خدا در جهان امروز

### در پایان این بخش شرکت‌کنندگان قادر خواهند بود:

- منابع عهد جدید را در متن جامعه امروز و در رشد شخصی خود در زمینه شاگردی، خدمت و پرستش به کار گیرند.
- درک کنند که چگونه عهد جدید با تکوین تعالیم مسیحیت مرتبط است.

امیدواریم تا به اینجای کار این حس در شما پدید آمده باشد که می‌توانید بخشی از هدایت گروه را بر عهده بگیرید؛ مثلاً رهبری نیایش آغازین یا پایانی را عهده‌دار شوید، برای گروه پژوهش کنید، یا بحثی را بر اساس طرح درس پیش ببرید. شاید بد نباشد که بر نحوه همکاری اعضای گروه با یکدیگر نیز تجدید نظر کنید. هر مطلبی که می‌خواهید مرییان آن را با برگزارکنندگان این دوره در میان بگذارند در همین جا یادداشت کنید.

<sup>1</sup> Synod of Carthage

## بخش سه: فهرست کتب

### منابع پیشنهادی برای انجام تکالیف:

- آدام، پ.، «زیستن تثلیث»، ویرایش دوم (کمبریج: Grove Books، ۲۰۰۰)
- بارو، س.، بارتلی، ج. (ویراستاران) «اشتیاق سوزان: چرا کشتن عیسی واقعاً مهم است» (لندن، DLT: ۲۰۰۵)
- بلیث، م.، «تجلیل از تثلیث: ایمان، پرستش و مأموریت» (کمبریج: Grove Books، ۲۰۰۳)
- باکمیول، م. (ویراستار)، «پیش‌درآمدی بر عهد جدید: دلیل واقعی برای سال ۲۰۰۰» (کمبریج: Grove Books، ۱۹۹۹)
- درین، ج. «معرفی عهد جدید» (آکسفورد: Lion، ۱۹۸۶/۱۹۹۹)
- فی، ج.، استوارت، د. «چگونه کتاب مقدس را آنگونه که باید بخوانیم»، ویرایش دوم. (لندن: SU، ۱۹۹۴)
- مک‌گراث، ا.، «الهیات مسیحی: پیش‌درآمد» (چاپ چهارم؛ آکسفورد، Blackwell، ۲۰۰۷)
- روهر، ر.، «رقص الهی» (لندن، SPCK، ۲۰۱۶)
- ساندرز، ا. پ.، «پولس: مقدمه‌ای بسیار کوتاه» (آکسفورد: OUP)
- رایت، ن. ت.، «چالش عیسی» (لندن: SPCK، ۲۰۰۰)

### منابع پیشنهادی برای اندیشه‌ورزی در مورد دعوت الهی:

- مگدالن، م. «رسالت: کاوشی در دعوت و هویت» (کمبریج: Grove Books، ۲۰۰۸)
- توری، م.، «مواهب متنوع» (لندن: Canterbury Press، ۲۰۰۶) [همه]

### سایر منابع مفید:

- چارپنتر، ا.، «چگونه عهد جدید را بخوانیم» (لندن: SCM، ۱۹۸۱)
- بارتون، ج.، مودیم، ج. (ویراستاران)، «تفسیر کتاب مقدس» (آکسفورد: OUP، ۲۰۰۱)
- موریسی، ا.، «فراتر از سامری نیکوکار» (لندن: Continuum، ۱۹۸۱)

## بخش سه: تکالیف

برای بخش ۳ چند تکلیف اختیاری در نظر گرفته شده که شما بایستی تنها یکی از آن‌ها را انجام دهید.

**فراموش نکنید!** برای انجام این تکالیف لازم است که پیرامون موضوع مطالعه کافی داشته باشید و بتوانید از چندین کتاب نقل قول بیاورید (نه فقط، به عنوان مثال، از کتاب درین). مربیان می‌توانند به شما کمک کنند تا مناسب‌ترین کتاب را انتخاب کنید. به یاد داشته باشید که هدف از نوشتن، رسیدن به اهداف آموزشی این دوره می‌باشد.

### ۱. مقاله برای مجلهٔ کلیسا: چهار انجیل

برای مجلهٔ کلیسای محل مقاله‌ای بنویسید دربارهٔ چهار انجیل. امیدواریم که حداقل بخشی از آن در مجله چاپ بشود تا به این بهانه اعضای کلیسای با این دوره آشنا شوند!

الف) در مقاله خود، برای هر انجیل تصاویر بصری همراه با توضیح ارائه شود. (هر تصویر را برابر ۸۰ کلمه حساب کنید)

ب) به اختصار (۱) مشکلات و (۲) فواید داشتن چهار انجیل را بیان کنید.

لطفاً تأکید خاصی بر فواید داشتن ۴ انجیل داشته باشید و بگویید تفاوت‌های موجود بین این انجیل را چگونه تفسیر می‌کنید.

تعداد کل کلمات این تکلیف بایستی ۲۰۰ کلمه (۱۰٪ بیشتر یا کمتر) باشد. از این تعداد ۶۰۰ کلمه را به بخش الف و مابقی را به بخش ب اختصاص دهید.

### ۲. تمثیلی برای امروز

جان درین در فصل ۷ کتاب خود «مقدمه‌ای بر عهد جدید»<sup>۲</sup> بر این باور است که حکایات تمثیلی به طور خاصی برای تمامی اعصار آموزنده‌اند.

«حکایات تمثیلی عیسی بیشتر شبیه آثار هنری‌اند تا گفتارهایی دربارهٔ دین؛ و مانند هر هنر دیگری، شخصیت‌ها و موقعیت‌هایشان کیفیتی جهان‌شمول دارند که هر کسی می‌تواند آن‌ها را بفهمد، زیرا با شرط اساسی انسانیت سروکار دارند.»

یکی از حکایات تمثیلی عیسی را متناسب با موقعیت امروز بازنویسی کنید (یا در یک قالب مناسب ارائه دهید). این موقعیت می‌تواند کلیسای محلی باشد یا چیزی ورای آن در سطح کشور و یا حتی جهان. (تعداد کل کلمات تا ۵۰۰ کلمه باشد) (۱۰٪ بیشتر یا کمتر)

### ۳. پادشاهی

۲۰۰ کلمه (۱۰٪ بیشتر یا کمتر) با موضوع زیر بنویسید:

درک عیسی از پادشاهی چه بود و ارتباط آن با شاگردی و خدمت کشیشی چیست؟

<sup>2</sup> John Drane's Introducing the New Testament

#### ۴. تعالیم مسیحیت

نقل قول زیر از کتاب «پیروی از عیسی» اثر تام رایت<sup>۳</sup> را با دقت بخوانید:

«چگونه می‌خواهید این جهان را با انجیل عیسی خطاب قرار دهید؟ تعالیم حقیقی را جار زدن راه به جایی نخواهد بود، چرا که یا مردم را خرد و خفیف خواهید کرد یا از خود خواهید راند. واقعاً هم نباید این کار را کرد چرا که رسالت و بشارت هرگز به معنای پرت کردن تعالیم مسیح به صورت مردم نبوده است. باید شیوه‌ای بهتر برای آن برگزید: از طریق تمرین، سمبل و داستان... یاد دستورالعمل‌های فرانسیس قدیس به پیروانش می‌افتم هنگامی که آنان را رهسپار ماموریت تبلیغی‌شان می‌کرد: «انجیل را به هر نحو ممکن تعلیم دهید،» و چنین ادامه داد «و اگر واقعاً نیاز شد حتی می‌توانید از کلمات نیز استفاده کنید.» وقتی به یکی از بزرگ‌ترین بال‌رین‌های تاریخ فکر می‌کنم، به یاد قدرتی که عمل نمادین دارد می‌افتم که بسیار فراتر از واژه‌ها می‌رود. بعد از یکی از بهترین اجراهایش، شخصی به خود این جسارت را داد که معنای رقص را از وی بپرسد. پاسخ این بال‌رین ساده و شاهد گویایی بر امر رسالت در دنیای پسامدرن بود. او چنین جواب داد: «اگر می‌توانستم معنای آن را بگویم که دیگر نیازی نبود تا آن را برقصم.»

یکی از حوزه‌های تعالیم مسیحیت را انتخاب کنید و به شکل نقادانه‌ای بگویید که شما چگونه آن آموزه را در زندگی خود چه در مقام شاگردی و چه در مقام خدمت بروز و ظهور می‌دهید. دیدگاه تام رایت را چقدر مفید می‌دانید؟

#### ۵. مراقبه

برای گروهی از مسیحیان مهمانی که از بخش دیگر جهان تشریف آورده‌اند مراقبه‌ای تنظیم کنید با موضوع «مسیح بریتانیایی» و برای این کار از حداقل یکی از دو تصویر زیر استفاده کنید:

الف) تولد، زندگی یا خدمت او

ب) مرگ او

ج) رستاخیز و عروج او

این تصاویر لزوماً نبایستی کار هنرمندان بریتانیایی باشد اما بایستی بیانگر چیزی از مسیحیت و اعتقاد و پیروی از مسیح باشد که مختص بریتانیایی‌هاست.

آنچه ارائه می‌دهید هم شامل تصاویر فوق‌الذکر باشد و هم متن مراقبه (تعداد کل کلمات تا ۵۰۰ کلمه باشد ۱۰٪ بیشتر یا کمتر)

توضیحی درباره هر یک از تصاویر انتخابی بدهید و بگویید ربط آنها با «مسیح بریتانیایی» چیست (تعداد کل کلمات ۱۵۰۰ کلمه باشد ۱۰٪ بیشتر یا کمتر)

<sup>۳</sup> Tom Wright's Following Jesus

## بخش سه: تکوین تعالیم مسیحیت

### جلسه ۱    ما یک خدا را در تثلیث می‌پرستیم

#### آماده‌سازی

به بخش آخر دوره «سیری در ایمان» خوش آمدید. امیدواریم که از تعطیلات عید پاک لذت برده باشید. این ترم را با تأمل در تثلیث آغاز می‌کنیم. تثلیث محور اصلی الهیات، تعالیم و پرستش مسیحی است. وقتی مسیحیان از واژه «خدا» استفاده می‌کنند، مرادشان همیشه سه شخص تثلیث است.

توصیف تثلیث بسیار دشوار است چراکه ما بایستی با زبان و تخیل انسانی پی به راز الهی ببریم و بنابراین توصیفات ما همواره نارسا خواهد بود. شاید هم این مشکل از آنجا ناشی می‌شود که تثلیث بیش از آنکه یک «چیز» باشد، یک رابطه است و تعریف روابط همیشه به اندازه کافی دشوار است.

لحظاتی را به این فکر کنید که چگونه تثلیث را تجسم می‌کنید. چه استعاراتی در این زمینه شنیده‌اید؟ افکار یا تصورات ذهنی خود را در کادر زیر یادداشت کنید.



#### تصویرپردازی و تثلیث

به تصاویر تثلیث در پیوست ۱ نگاه کنید.

کدام یک را مفید می‌دانید و محدودیت‌های هر کدام چیست؟

## رقص دایره‌ای

نیاکان کلیسای باستانی، خداوند تثلیثی را «رقص دایره‌ای الهی» توصیف کرده‌اند یا آنچه در یونانی *perichoresis* می‌خوانند (از همان ریشه کلمه «کاریوگرافی» که در انگلیسی به معنی «طراحی رقص») ریچارد رور آن را چنین توصیف می‌کند:

«هرآنچه در ذات خداوند در حال وقوع است، یک جریان است، یک پیوند بنیادین، یک مشارکت کامل میان سه – یک رقص دایره‌ای عشق.» (رقص الهی نوشته رور و مورل<sup>4</sup> ص. ۷)

رور در ادامه به توصیف این نکته می‌پردازد که این رابطه در وجود خدا چگونه به امر خلقت ربط پیدا می‌کند. «هر سائقه حیات، هر نیروی رونده‌ای به سوی آینده، هر حرکت خلاقانه‌ای، هر فوران محبتی، هر تحرکی به سمت زیبایی، هر خیزی به سمت حقیقت، هر شور و شعفی در برابر خوبی... هر ذره تمنای برای بشریت و زمین، برای یکپارچگی و تقدس همان حیات همواره جاری و ساری خدای تثلیثی است... این خدای سه‌گانه به تو اجازه می‌دهد و تو را وامی‌دارد تا به سهولت با خدا در هر زمان و مکانی زندگی کنی.» (رقص الهی نوشته رور و مورل ص. ۳۸-۳۷)

زمانی را به فکر کردن درباره معنای تثلیث بکنید.

## تأمل در حرف اضافه «در»

آیات کوتاه زیر از انجیل یوحنا را بخوانید:

|                |                |
|----------------|----------------|
| یوحنا ۷:۳۷-۳۹  | یوحنا ۶:۵۴-۵۷  |
| یوحنا ۱۰:۳۷-۳۸ | یوحنا ۱۰:۳۰    |
| یوحنا ۱۵:۴     | یوحنا ۱۴:۲۰    |
| یوحنا ۱۷:۲۰-۲۶ | یوحنا ۱۶:۱۳-۱۵ |

- این آیات درباره رابطه پدر، پسر و روح القدس چه می‌گویند؟
- این آیات درباره رابطه ما با تثلیث چه می‌گویند؟

<sup>4</sup> The Divine Dance by Rohr and Morrell

## زبان و تجربه

درباره سیر در ایمان خودتان فکر کنید:

- ارتباط با کدام یک از سه شخص تثلیث برایتان آسان‌تر بوده است؟
- ارتباط با کدام یک دشوارتر بوده است؟
- دلیل آن را در چه می‌دانید؟

عیسی همواره از خدا به «پدر» یاد می‌کند که لفظ آرامی آن «آبا» می‌باشد (مرقس ۱۴:۳۶). [برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به پیوست ۱]. این شیوه خطاب کردن خدا در کلیسای اولیه نیز ادامه یافت (رومیان ۸:۱۵، غلاطیان ۴:۶). این لفظ، دربردارنده همان احترامی است که پسر با عطوفت نسبت به پدر خویش ابراز می‌دارد.

با این حال، این نوع خطاب باعث ایجاد دو مشکل شده است. یکی موضوع جنسیت خدا و دیگری لفظ «پدر» است که می‌تواند متأثر از تجربه ما انسان‌ها از پدر باشد. اندکی در این نکته درنگ کنید که شما چه پیش‌فرض‌هایی برای فهم خدا به مثابه پدر دارید. چه چیزی می‌تواند بی‌فایده باشد.

جنسیت – تأکید کلیسا همواره بر این بوده که خدا جنسیت «مرد» یا «زن» ندارد (کانینگهام، ۱۹۹۸)، اما ما در در زبان انگلیسی ضمیر شخصی مفرد بدون جنسیت نداریم، بنابراین ناگزیریم هنگام اشاره به خدا از ضمیر he (ضمیر شخصی مفرد مذکر) یا she (ضمیر شخصی مفرد مؤنث) یا they (ضمیر جمع که البته خودش مشکلات دیگری درباره «یگانگی» خدا ایجاد می‌کند). جان کلام اینکه در استفاده از زبان بایستی دقت لازم روا داشته شود و با دقت درباره صفات زنانه و تصاویر غیرجنسیتی خدا که در کتاب مقدس بیان شده تأمل شود.



## تثلیث در پرستش

به زندگی عبادی خود و نیز به مراسم آئینی کلیسای‌تان فکر کنید — آیا هر یک از اشخاص تثلیث به یک اندازه مورد توجه قرار می‌گیرند؟ متوجه چه نکاتی شده‌اید؟

## بخش سه: تکوین تعالیم مسیحیت

### جلسه ۱ ما یک خدا را در تثلیث می‌پرستیم

**اهداف:** بررسی رویکردهای مختلف در فهم تثلیث به مثابه پدر، پسر و روح القدس  
بحث درباره اینکه زندگی ما چگونه باور به خدای تثلیث را بازتاب می‌دهد  
درک بهتر از خدمت مشارکتی

#### مقدمه

۱۰ دقیقه

«لمحای از جلال» را که بعد از آخرین دیدارتان تجربه کرده‌اید با یکدیگر به اشتراک بگذارید.

#### نیایش آغازین

۱۵ دقیقه

تأمل بر اساس شمایل روبلف که در پیوست ۲ آمده است.

#### زمانی برای تأمل

۲۰ دقیقه

#### خلق شده بر تصویر خدای تثلیثی

۳۰ دقیقه

ما احتمالاً با ایده اینکه آدمیان بر تصویر خدا خلق شده‌اند آشنایی اجمالی داریم. اکنون بیایید معنای خلق بر تصویر تثلیثی خدا را بررسی کنیم.

دیوید س. کانینگهام در کتاب خود «این سه یکی هستند»<sup>۵</sup> نگاهی دارد به اینکه چگونه باور ما به تثلیث می‌تواند زندگی ما را شکل دهد. کانینگهام به توصیف رابطه میان اشخاص تثلیث به مثابه سکونت متقابل و مشارکت می‌پردازد. مشارکتی که مد نظر وی است، جایی است که ما نه در چیزی بلکه در کسی مشارکت می‌کنیم؛ برای مثال، مشارکت در مصائب شخصی دیگر و «شرکت کردن» در زندگی دیگری. سکونت به چنان اتحاد عمیقی اشاره دارد که افراد درگیر آن رابطه، به تعبیری، نمی‌توانند بدون دیگری زندگی کنند.

این نوع نگاه به تثلیث می‌تواند

«... برای شروع به تفکر درباره... جنس روابطمان کمک شایانی کند. به یاد داشته باشیم که چنین روابطی به خودی خود خوب نیستند؛ آنها می‌توانند پیش‌پا افتاده، ریاکارانه، توهین‌آمیز و حتی بدتر باشند. علی‌الخصوص در بستر زمانی معاصر افراد اغلب برای راحتی خود وارد رابطه می‌شوند. در مقابل، تعالیم تثلیث ما را تشویق می‌کند تا به درک متفاوتی از خود برسیم، نه به عنوان «افراد مجزا از هم» که تصمیم می‌گیرند وارد رابطه‌ای بشوند یا نشوند، بلکه افرادی که در هم سکونت دارند. در چنین سکونت متقابل سه شخص الهی هرگونه ادعای وجود کاملاً خودمختار [مستقل] از میان برداشته می‌شود.»  
دیوید س. کانینگهام، این سه یکی هستند: الهیات‌ورزی تثلیثی (لندن: بلک‌ول، ۱۹۹۹)

می‌توان چنین گفت که اگر بر فرض مثال یکی از اشخاص تثلیث از میان برداشته شود (یا به اندازه کافی جدی گرفته نشود)، آنگاه از آن دو شخص دیگر نیز چیزی بر جای نمی‌ماند. شما نمی‌توانید یکی را داشته باشید ولی دوتای دیگر را نداشته باشید!

<sup>۵</sup> David S. Cunningham's These Three Are One

### فعالیت گروهی

پیرامون پرسش‌های زیر بحث و تبادل نظر کنید:

- (۱) معانی ضمنی این ایده «سکونت متقابل و مشارکت» چیست؟
- (۲) دیوید کانینگهام فرهنگ غربی را «ضد-تثلیثی» می‌پندارد که مروج فردگرایی و این ایده است که ما بر زندگی و پیرامون خود کنترل داریم. چالش‌های آن برای ما چیست؟
- (۳) دیدگاه دیگر ادیان در مورد تثلیث چیست؟

## استراحت

نحوه زندگی ما با یکدیگر مهم است

۳۰ دقیقه

ما درباره ماهیت رابطه میان پدر، پسر و روح القدس و نیز رابطه افراد مسیحی با تثلیث فکر کرده‌ایم. با این وجود، از کل نظام آفرینش خواسته شده تا در ذات الهی تأمل کنند و از کلیسا خواسته شده تا مظهر و منادی تثلیث برای دنیای درهم‌شکسته باشد.

### فعالیت گروهی

زندگی تثلیث چه حرفی برای گفتن دارد؟

- (۱) ماهیت زندگی مشترک ما در جوامع عبادی
- (۲) رهبری در کلیسا
- (۳) پاسخ ما به «خوب زیستن» در حوزه‌های گوناگون زندگی

نیایش پایانی

۵ دقیقه

## بخش سه: تکوین تعالیم مسیحیت

### جلسه ۲ مسیح آمده است آماده‌سازی

اکنون در حال بررسی جهان «عهد جدید» هستیم؛ جهانی که عیسی در آن زاده شد. مکان رویدادها ممکن است همان مکان عهد عتیق باشد، اما تاریخ و فرهنگ دگرگون شده است. این منطقه تحت سلطه امپراتوری‌های بزرگ پارس، یونان و روم قرار گرفته است. اکنون در استان رومی فلسطین، این ناحیه منزلگاه جوامع گوناگونی است با پیشینه‌های قومی، فرهنگی و دینی متفاوت. بیشتر مردم برای کار و تجارت خود در این منطقه بایستی به چند زبان تسلط داشته باشند.

#### پیش‌درآمدی بر عهد جدید

نگاهی به عهد جدید بیندازید.

- کدام بخش برای‌تان آشناست؟ کدام یک برای‌تان کمتر آشناست؟

ویدیوی «پروژه کتاب مقدس» را تماشا کنید – شرح مختصر عهد جدید

#### مردم در عهد جدید

عیسی در جامعه یهودی مقیم در شمال منطقه جلیل چشم به جهان گشود، جایی در نزدیکی شهرهایی که یونانیان بنا نهاده بودند و در امتداد شهرها و روستاهایی که ساکنان غیریهودی در خود داشت. حد فاصل جلیل و اورشلیم، شهر سامریه واقع بود. سامریان<sup>۶</sup> از نسل کسانی بودند که آشوریان آنان را به زور در این منطقه سکنی داده بودند و نیز ساکنین یهودی بومی بعد از سقوط اسرائیل. آئین آنان آمیزه‌ای بود از یهودیت و برخی سنن دیگر ادیان. همسایگان یهودی‌شان آنها را مرتد می‌شمردند و هرگونه اختلاط با آنان را قدغن کرده بودند.

امپراتوری روم کنترل امور را در اختیار داشت و صاحبان قدرت در بسیاری مواقع نسبت به قوم یهود حدی از تساهل و تسامح را روا می‌داشتند و در برخی مواقع آئین‌های دیگر ادیان را غیرقانونی اعلام می‌کردند و یهودیان و بعدها عبادت‌کنندگان مسیحی را مورد ظلم و ستم قرار می‌دادند. در نهایت رومیان معبد اورشلیم را در سال ۷۰ میلادی تخریب کردند.

در خود جامعه یهود چندین گروه ذی‌نفوذ وجود داشت. فریسیان<sup>۷</sup> (که معنای تحت‌اللفظی آن «جداشدگان» است) بر این باور بودند که مشکلات و مصائبی که گریبان آنان را گرفته در نتیجه عدم پابندی‌شان به شریعت لاویان است و از این رو مصمم بودند تا با وسواسی بسیار به رعایت آن شریعت پردازند و مجموعه‌ای پیچیده از مقررات را برای حفظ آن از هر نوع تحریف تدوین کرده بودند. تلاش فریسیان بر این بود تا این برداشت سختگیرانه از شریعت را بر دیگران نیز تحمیل کنند.

معلمان شریعت / کاتبان<sup>۸</sup>، طبقه‌ای از دانشوران بودند که کمر به پاسداشت متون مقدس بسته بودند، آموزه‌های آن را بسط می‌دادند و آئین آن را به دیگران می‌آموختند. صدوقیان<sup>۹</sup> گروهی بودند عمدتاً متشکل از خانواده‌های قدرتمند. تمرکز آنان

<sup>۶</sup> Samaritans

<sup>۷</sup> Pharisees

<sup>۸</sup> Teachers of the Law/scribes

<sup>۹</sup> Sadducees

بیشتر بر حفظ قدرت سیاسی بود تا حفظ دین از تحریف. آنان گروهی متنفذ در سنهدرین<sup>10</sup> بودند — شورای ۷۱ نفره‌ای که که در حکم دیوان عالی یهودیان عمل می‌کرد.

**کاهنان / لاویان<sup>11</sup>** از نسلی هارون بودند و مسئولیت پرستش در معبد اورشلیم بر دوش آنان بود. کاهن اعظم هر سال منصوب می‌شد. **غیوران<sup>12</sup>** (زیلوت‌ها) گروهی بودند که سودای رهانیدن یهودیان از زیر یوغ فرمانروایان رومی را در سر داشتند، دست به نافرمانی مدنی و پس از آن شورش آشکار زدند.

### هنجارهای فرهنگی رایج در دوران عهد جدید

**جایگاه و هویت** - هویت هر فرد از جایگاه خانوادگی و نسب، پیشه، و وابستگی دینی‌اش نشأت می‌گرفت. اگر رسوایی دامن یک فرد در یک گروه خاص را لکه‌دار می‌کرد، جایگاه دیگر اعضای گروه را نیز زیر سوال می‌برد. در این جامعه طبقاتی، هویت فردی محلی از اعراب نداشت و فرد به ندرت می‌توانست طبقه اجتماعی خود را تغییر دهد.

**نقش‌های جنسیتی** - زندگی بیشتر زنان به چارچوب خانه محدود می‌شد و خروج از خانه معمولاً برای آوردن آب یا خرید خوراک بود. این کارها را زنان اغلب به صورت گروهی انجام می‌دادند چرا که زنان تنها در معرض خطر بیشتری قرار داشتند. زنان معمولاً در سنین پایین ازدواج می‌کردند و ملک طلق شوهران خود به‌شمار می‌آمدند. فرزندآوری برای حیثیت زن بسیار مهم بود، به‌ویژه اگر پسر می‌آورد. نازائی و بیوگی مایه ننگ بود. شمار اندکی از زنان استقلال اقتصادی داشتند، هرچند برخی زنان ثروتمند از خدمت عیسی و بعدها از خدمت پولس حمایت مالی کردند. مردان مجاز بودند به هر دلیلی همسران خود را طلاق دهند. زنان اجازه ایفای نقش در عرصه عمومی را نداشتند و شهادت آنان معتبر شمرده نمی‌شد. در این زمان، شمار کمی از زنان باسواد بودند. بیشتر مردان حرفه خانوادگی خود را دنبال می‌کردند — بسیاری از پسران یهودی سطحی از آموزش را در کنیسه تحصیل می‌کردند.

**برده‌داری** - برده‌داری در آن زمان واقعیتی پذیرفته‌شده بود. برخی افراد برده به دنیا می‌آمدند یا به‌عنوان غنیمت جنگی به بردگی گرفته می‌شدند. برخی دیگر، اگر راه دیگری برای تأمین معاش نداشتند، خود یا فرزندان‌شان را به بردگی می‌فروختند. رهایی از بردگی ممکن بود؛ این رهایی را یا ارباب به برده هدیه می‌داد یا برده آن را می‌خرید. برخی بردگان برای کار خود مزد می‌گرفتند، مشاغل پرمسئولیتی داشتند و بدین‌ترتیب تا حدی احترام به دست می‌آوردند، اما بسیاری دیگر در شرایط سخت به سر می‌بردند و از اهمیت یا ارزشی چندانی برخوردار نبودند.

### جغرافیای عهد جدید

فلسطین کشوری کوچک است؛ فاصله دریای جلیل تا اورشلیم حدود ۹۰ مایل است. نقشه نخستین کلیساها نشان می‌دهد که آن‌ها عمدتاً در جاهایی متمرکز بودند که یهودیان برای کار و تجارت یا به سبب آزار و جفا (که «دیسپورای یهودی» نامیده می‌شود) به آن‌جا سفر کرده بودند. بیشتر این سکونت‌گاه‌ها درون امپراتوری روم به سمت غرب قرار داشت؛ اما برخی به شرق، به سوی پارس و هند، و برخی دیگر به جنوب، به سوی آفریقا، پیش رفتند.

<sup>10</sup> Sanhedrin

<sup>11</sup> priests/Levites

<sup>12</sup> Zealots

### جهان آنان و جهان ما

بر اساس آنچه خوانده‌اید، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی که فکر می‌کنید بین جهان آنان و جهان ما وجود دارد را در کادر زیر یادداشت کنید.

| شباهت‌ها: | تفاوت‌ها: |
|-----------|-----------|
|           |           |



تماشا کنید تاریخ مسیحیت ۲۰۰۹ فصل ۱ اپیزود ۱ در یوتیوب

## بخش سه: تکوین تعالیم مسیحیت

### جلسه ۲ مسیح آمده است

**اهداف:** بررسی این باور مسیحی که عیسی خدا بود در کالبد انسانی تأمل بر آنچه این باور را به چالش می‌کشد، در پرتو ادعای اعتقادنامه‌ها درباره الوهیت عیسی

#### نیایش آغازین

۱۰ دقیقه

#### درنگ در کلام

- یوحنا ۱۸-۱:۱ را بخوانید.
- در سکوت ببینید که توجه‌تان به کجا جلب می‌شود، چه چیزهایی را می‌بینید، و این متن چه اندیشه و احساساتی در شما برمی‌انگیزد.
- افکار خود را با اطرافیان در میان بگذارید.
- چه مضامین مشترکی پدیدار شده است؟

#### دعا

ای خدای قادر مطلق، تو پسر خویش را به ما بخشیدی تا طبیعت انسانی ما را به خود بگیرد.  
عطا فرما که ما، که به فیض تو تولد تازه یافته‌ایم و فرزندان تو شده‌ایم،  
هر روز به واسطه روح القدس تازه گردیم؛ به واسطه عیسی مسیح، خداوند ما،  
که با تو در یگانگی روح القدس زنده است و سلطنت می‌کند، یک خدا، اکنون و تا ابد الابد. آمین.

#### زمانی برای تأمل

۱۵ دقیقه

#### عیسی کیست؟

۱۰ دقیقه

همانند نخستین مسیحیان، با این پرسش آغاز می‌کنیم: عیسی کیست؟

پاسخ‌های اولیه خود را روی فیلم چارت یادداشت کنید.

به آنچه نوشته شده نگاه کنید — با استفاده از دو مائیک رنگی متفاوت، مواردی را که به «عیسی تاریخی» مربوط است (آنچه گفته و انجام داده) را از مواردی که منعکس کننده «ماهیت عیسی» است (این که او کیست) مشخص کنید.

مطالعه هویت عیسی را «مسیح‌شناسی»<sup>13</sup> می‌نامند و این همان چیزی است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

## عیسی: انسانی و الهی

۲۰ دقیقه

پرسش دیگری که مطرح می‌شود این است: چگونه ممکن است عیسی هم‌زمان هم خدا باشد و هم انسان؟

### فعالیت گروهی

درباره دو پرسش زیر گفت‌وگو کنید:

- مشکل این دیدگاه چیست که عیسی فقط (یا عمدتاً) خدا باشد؟
- مشکل این دیدگاه چیست که عیسی فقط (یا عمدتاً) انسان باشد؟

پس از آن که کل گروه دوباره گرد هم می‌آیند، تأملات گروه‌های کوچک‌تر را با هم به اشتراک بگذارید.

## استراحت

### روایت داستان

۲۰ دقیقه

لوقا ۳۵-۱۳: ۲۴ را بخوانید.

اندیشه‌هایی که این حواریون درباره کیستی عیسی داشتند با رویدادهای هولناک جمعه پیش از آن، از بنیان دگرگون شده بود. پس آنان از عیسی چه انتظاری داشتند و عیسی چگونه در «راه Emmaus»<sup>14</sup> با پاسخ خود آنان را ناامید کرد؟

تام رایت در بخشی زیر از کتاب «چالش عیسی»<sup>15</sup> به تبیین این موضوع کمک می‌کند. این بخش را بخوانید و چند لحظه درباره آن تأمل کنید:

«پاسخ آن غریبه [عیسی] این است که داستان [کتاب مقدس] را به شکلی دیگر بازگو کند... آری، کتاب‌های مقدس واقعاً باید به عنوان روایتی خوانده می‌شدند که در نهایت به اوج خود می‌رسد. اما نه، داستان هرگز درباره این نبود که اسرائیل

<sup>13</sup> Christology

<sup>14</sup> Emmaus Road

<sup>15</sup> The Challenge of Jesus

دشمنانش را شکست دهد و به اربابانِ قدرتمندِ جهان بدل شود. این داستان همواره دربارهٔ این بود که چگونه خدای آفریننده، خدای میثاقِ اسرائیل، اهدافِ نجات‌بخشِ خود برای جهان را از طریقِ رنج و در نهایت اثباتِ حقانیتِ اسرائیل به ثمر می‌رساند... اسرائیل به‌عنوان حاملِ وعده‌های الهی برای جهان بر این بازمانده به‌عنوان حاملِ سرنوشتِ اسرائیل تمرکز کرد، و در نهایت بر پادشاهِ راستینِ اسرائیل تمرکز کرد، کسی که حتی وظیفهٔ آن بازمانده نیز سرانجام به وی محول شد. او [عیسی] خادمِ قومِ خادم بود. او برای اسرائیل و برای جهانیانِ کاری کرد که اسرائیل و جهانیانِ خود قادر به انجام آن نبودند.»

ن. ت. رایت، چالشِ عیسی، (لندن: SPCK، ۲۰۰۰)

برای گفت‌وگو:

- عیسی در اینجا در حال اصلاحِ تفسیرِ حواریون از عهدِ عتیق و برخی انتظاراتِ مربوط به «مسیحا» بود. درک آنان از وضعیتِ اسرائیل چگونه بود و چه نقشی را از عیسی انتظار داشتند؟
- عیسی چه تفسیر و درکی از «مسیحا» ارائه می‌دهد؟
- در داستان آمده است که هنگامِ شکستِ نان «در همان لحظه او را شناختند». به نظر شما در آن لحظه حواریون چه تصویری از عیسی داشتند؟

۲۰ دقیقه

پیش به سوی ایمان به الوهیتِ عیسی

آیا در این نقطه بود که حواریون دریافتند عیسی «خداست» - صرف نظر از اینکه این عبارت به چه معناست؟

تام رایت برخی ایده‌های تفکربرانگیزی مطرح می‌کند مبنی بر اینکه چگونه نسل اول مسیحیان رفته‌رفته عیسی را موجودی بیش از یک انسان دیدند:

«به کرات این مطلب بیان شده که رستاخیز به نوعی الوهیتِ عیسی را ثابت می‌کند... اما هیچ چیزی در متون یهودی مربوط به رستاخیز حاکی از این نیست که اگر کسی که بعد از مرگ دوباره زنده شود و نوع جدیدی از زندگی را در پیش بگیرد، ناگزیر آن کس به نحوی الهی است... خیر، مفهوم رستاخیز، چشم حواریون افسرده‌خاطر را به این حقیقت گشود که عیسی در واقع خود «مسیحا» بود؛ از این نتیجه گرفتند که... مرگ او، به جای آن که شکستی شرم‌آور باشد، در حقیقت پیروزی شگرف اما شکوهمندی بر همهٔ قوای شر بود؛ و از ترکیبِ این باورها، آنان به سوی ناشناخته‌ها پیش رفتند تا جایی که اعلام کردند که چون عیسی چنین عملِ عظیمِ نجات‌بخشی را به انجام رسانده است — عملی که فقط می‌توانست کارِ خود «یهوه»، خدای خروج، باشد — پس عیسی بایستی لاجرم به نوعی به‌عنوان تجلیِ جسمانی، و تجسمِ خدای یگانهٔ اسرائیل شناخته شود.»

## فعالیت گروهی

درباره پرسش‌های زیر با یکدیگر گفت‌وگو کنید:

- واکنش شما به این دیدگاه چیست که حواریون نخستین اینگونه به الوهیت عیسی ایمان آوردند؟
- عدم باور به اینکه عیسی هم‌زمان «کاملاً خدا» و «کاملاً انسان» است چه تغییری در پی دارد؟
- مسیح‌شناسی حوزه‌ای دشوار است و به آسانی می‌تواند به سمت «بدعت» فرو لغزد. وقتی به «خطوط کناری زمین» الهیات می‌رسیم چه اتفاقی می‌افتد؟ چه کسی سوت می‌زند (و حتی «کارت قرمز» نشان می‌دهد)؟ برخی از دیدگاه‌های ما ممکن است حتی در این دسته قرار بگیرند — در این صورت چه باید بکنیم؟

۱۵ دقیقه

تأمل درباره این سوال که «عیسی کیست؟»

فیلیپیان ۱۱-۵: ۲ را بخوانید.

مدتی را در سکوت صرف تأمل درباره پاسخ خود به «خدا، پسر» کنید که آمده تا در میان ما سکوی گزیند.

هر کدام، یک نکته کلیدی از این جلسه را با دیگران در میان بگذارید.

چهار داوطلب به نوبت یک آیه از عبرانیان ۱-۳: ۱ را بخوانند:

در گذشته، خداوند در دوره‌های متفاوت و به شیوه‌های گوناگون از طریق پیامبران با نیاکان ما سخن می‌گفت.

اما در این واپسین روزها، از طریق پسر خویش با ما سخن گفته است؛ پسر که او را وارث همه چیز قرار داد و به واسطه او جهان را آفرید.

پسر، فروغ جلال خدا و مظهر کامل ذات اوست و همه چیز را با کلام قدرتمند خود نگاه می‌دارد.

پس از آن که پاک‌سازی گناهان را به انجام رسانید، در سمت راست سلطنت آسمان نشست.

آمین.

۵ دقیقه

نگاهی به پیش‌رو: آماده‌سازی جلسه بعد

## بخش سوم: تکوین تعالیم مسیحیت

### جلسه ۳ مسیح مرده است

#### آماده‌سازی

##### مرگ عیسی و تفاسیر آن

راز مصلوب‌شدن و رستاخیز در قلب مسیحیت جای دارد. در آن زمان، به صلیب کشیدن شکل شرم‌آور و بسیار دردناکی از اعدام بود که رومیان برای مجرمانِ عادی، و به‌ویژه بردگان، به کار می‌بردند. تنها در پرتو رستاخیز بود که حواریون توانستند مرگ عیسی را چیزی فراتر از یک شکست تراژیک در نظر بگیرند.

در عهد جدید می‌بینیم که نخستین مسیحیان چگونه رفته‌رفته مرگ عیسی را به‌عنوان راه حل خدا برای مواجهه با مشکلات جهان — یعنی شر و مرگ — و راهی برای رستگاری قوم خود تفسیر کردند. برای فهم این توالی شگفت‌انگیز از رویدادها، حواریون از تصاویر، استعارات و نمادهای موجود در یهودیت و فرهنگِ معاصرِ خود استفاده کردند. در یهودیت قرن اول، آئین قربانی کردن در معابد بود که مردم را با خدا آشتی می‌داد. از این‌رو، عیسی همچون «بَرّه قربانی» دیده می‌شود که خونِ جان‌بخش او، رستگاری، آشتی و آمرزش گناهان را به ارمغان می‌آورد.

به ادعای عهد جدید، این مرگ عیسی است که آشتی — «یکی‌شدن دوباره» — با خدا را به ارمغان می‌آورد، اما دقیقاً روشن نیست چرا مسیح «باید» می‌مرد. همین راز است که مسیحیان در طول اعصار درباره آن غور و تفکر کرده‌اند و در نهایت منجر به شکل‌گیری «نظریه‌های گوناگون کفّاره» شده است.

شایان توجه است که هرگز شرح «رسمی» واحدی از راز مرگ نجات‌بخش مسیح وجود نداشته است. به همین روی، همواره تفاسیر گوناگونی وجود داشته که بی‌گمان ادامه نیز خواهد داشت.

۱. مدتی را صرف تأمل درباره معنای مصلوب‌شدن بکنید. از طرح صلیب در صفحهٔ روبه‌رو استفاده کنید تا افکار خود را به‌صورت بصری بیان کنید.

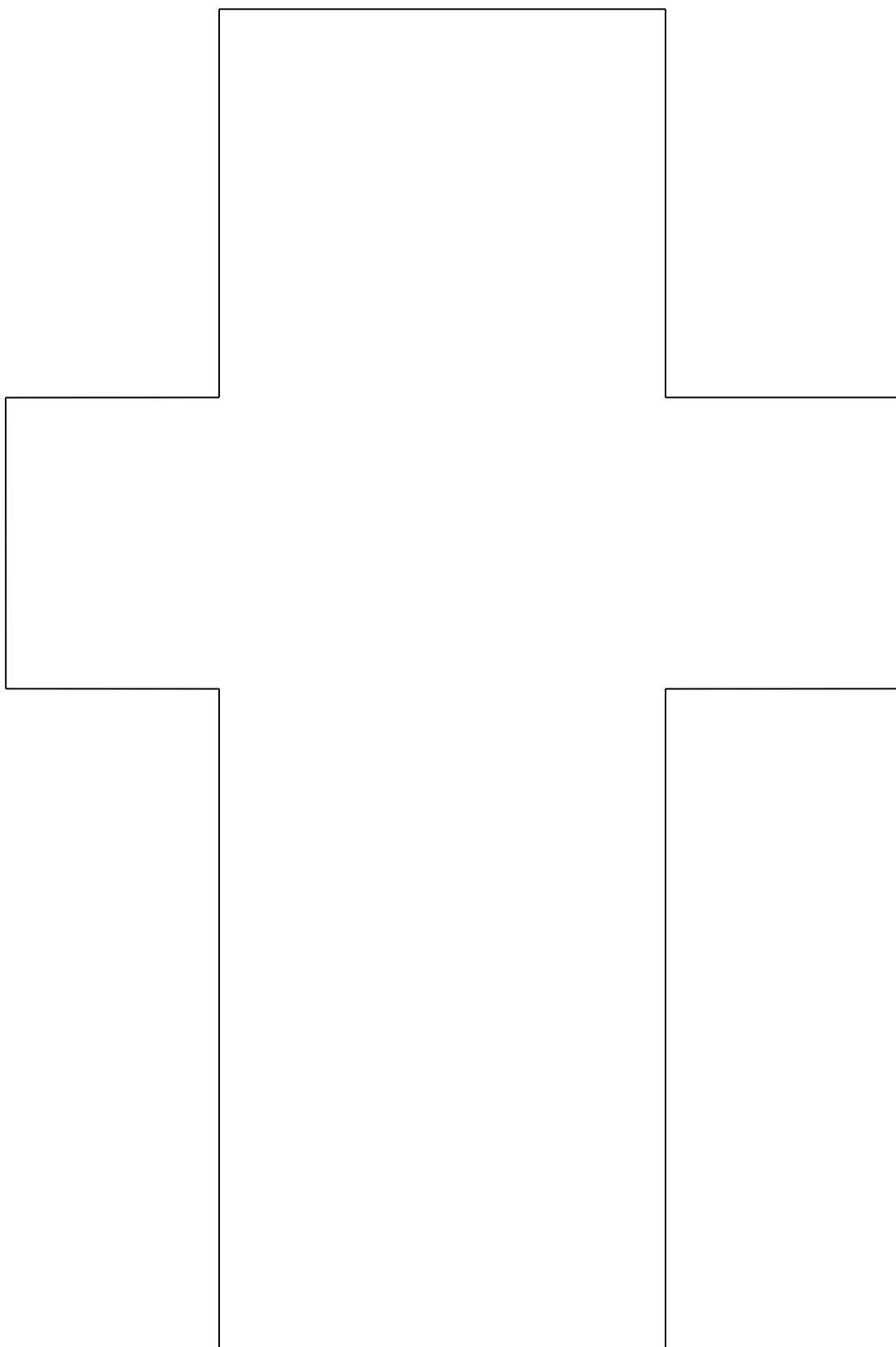
- می‌توانید نوعی کلاژ متشکل از متن یا تصاویر بسازید یا بر رنگ تمرکز کنید.
- آیا سرودِ محبوبی از «جمعهٔ نیک» سراغ دارید که حرف دل شما را بزند؟

انتخاب با شماست — هر آنچه زمان، ایده یا امکانات اجازه می‌دهد! با این حال، لازم است این‌ها را جلسهٔ بعد برای اشتراک گذاشتن با گروه همراه خود بیاورید.

۲. اگر تصویری از صلیب هست که برایتان معنای خاصی دارد، در صورت امکان آن را نیز با خود بیاورید.

۳. با نظریه‌های کفّاره که در صفحات ۲۰ و ۲۱ آمده آشنا شوید.

در پایان این کتابچه، واژه‌نامه‌ای مفید از برخی اصطلاحات الهیاتی به‌کاررفته در این بخش وجود دارد.



در زیر، تئوری‌های مختلفی ارائه شده که برای فهمِ مرگ و رستاخیزِ عیسی مطرح شده‌اند. این نظریه‌ها البته ناسازگار با یکدیگر نیستند اما عموماً هر یک بر «مسئله‌ای» متفاوت تمرکز دارند. همزمان که به این تئوری‌ها فکر می‌کنید، می‌توانید به این مطلب نیز بیندیشید: «چه مسئله‌ای قرار است حل شود؟»

برای نمونه، آیا مسئله «گناه شخصی» است که باید آموخته شود، یا «حضورِ شر» که باید بر آن غلبه کرد؟ آیا انسان‌ها عاملِ سقوط‌اند و نیازمندِ رحمت، یا قربانیانِ سقوط‌اند و نیازمندِ رهایی؟ آیا صلیب و رستاخیز فقط دربارهٔ نوع بشر است یا به کلّ آفرینش اطلاق می‌شود؟ آیا مرگِ عیسی برای آموزشِ ضروری است؟ اگر خواستید تجربهٔ آموزش در عهد عتیق را بررسی کنید، می‌توانید برای نمونه نگاهی به مزمور ۳۲ بیندازید.

همچنین می‌توانید به این فکر کنید که هنگامی که عیسی بر صلیب و در قبر بود، در عالم روحانی چه می‌گذشت. همچنین به این فکر کنید که در ذات تثلیث چه چیزی در جریان بود.

| نظریه        | صفت خدا   | هدف                | موضوع | منبع                        | طرفدار         |
|--------------|-----------|--------------------|-------|-----------------------------|----------------|
| جمع‌بندی     | قدرت مطلق | معکوس کردن هبوط    | شیطان | رومیان ۲۱-۱۵: ۵             | ایرنائوس       |
| فدیه         | حکمت      | شکست شیطان         | شیطان | مرقس ۴۵: ۱۰                 | اوریگن         |
| الگوی اخلاقی | محبت      | آشکار ساختن محبت   | بشریت | رومیان ۵                    | پلاگیوس، آبلار |
| کفّاره       | رحمت      | بازگرداندن گناهکار | بشریت | اول یوحنا ۱: ۲؛ لوقا ۱۹: ۱۰ | آکویناس        |
| جانشینی      | عدالت     | فرو نشانیدن خشم    | خدا   | اشعیا ۲۱: ۴۲                | کالون          |

### صلیبِ محبت

این دیدگاه توسط پطرس آپلار (۱۱۴۲-۱۰۷۹) مطرح شد و در قرن نوزدهم متاله آلمانی، فریدریش د. ا. شلاپرماخر آن را بسط داد.

مرگ مسیح، نمونه کامل عشق فداکارانه است. قدرت متحول کننده آن در تأثیری نهفته است که بر گناهکار می گذارد؛ گناهکاری که با تأمل در رویدادهای جُلجتا، به محبت و توبه برانگیخته می شود.

برایان هیلثویت چنین می نویسد: «محبت آمرزنده خدا وابسته به مرگ مسیح نیست، بلکه در آن آشکار و به انجام رسانده می شود.»

متن کلیدی: یوحنا ۱۳: ۱۵

### شفای شر

کالین گانتون در «واقعیت کفاره» (۱۹۸۸) و ورنون وایت در «کفاره و تجسد» (۱۹۹۱) استدلال می کنند که هرچند ممکن است نظریه های کلاسیک کفاره مشکلاتی داشته باشند که آن ها را برای فرهنگ پسامدرن ناپذیرفتنی جلوه دهد، با این حال ما به پاسخی قوی نیاز داریم که به نیاز عمیق انسان ها توجه داشته باشد؛ نیاز به این که «شر واقعی جهان ... شفا یابد ...» (به تعبیر گانتون). از این رو، زندگی، مرگ و رستخیز مسیح کاری انجام می دهد و تغییری واقعی در گیتی پدید می آورد.

### متن کلیدی:

اول یوحنا ۸: ۳

مقایسه کنید با: کولسیان ۱۵: ۲۳-۱۵: ۱

راز صلیب، تلاش های کلیسا برای فرموله کردن درکی از شخص و کار عیسی مسیح به تئوری های بسیاری درباره کفاره منتج شده است. این تئوری ها طیف وسیعی از مدل ها را شکل می دهد و به صورت کلی در چهار سرفصل خلاصه می شوند:

< عینی: صلیب مسیح، تغییری واقعی در خدا و بشریت ایجاد کرده است.

< ذهنی: الگوی مسیح، محبت و پارسایی را در انسان برمی انگیزد.

< سازنده: مسیح برای ما کاری کرده که رستگاری را میسر کرده است.

< روشنگر: صلیب چیزی را آشکار می کند که تا ابد درباره ذات خدا صدق می کند.

ناگفته پیداست که این دیدگاه ها با همدیگر هم پوشانی دارند و هیچ یک به تنهایی کلیت شهادت عهد جدید را در بر نمی گیرد.

### نظریه کفاره

این رویکرد در نوشته های قدیس آنسلم (۱۱۰۹-۱۰۸۲)، اسقف اعظم کانتربری، بسط یافت. تصویر «کفاره» از حقوق فئودالی گرفته شده بود که بر اساس آن، فرد می بایست برای جراحات یا توهین وارده، از طریق تاوان، غرامت یا مجازات، جبران خسارت کند. گناه، توهینی نسبت به خدا قلمداد می شد که نیازمند «کفاره» بود. هیچ انسانی قادر نبود چنین «کفاره ای» را به خدا عرضه دارد؛ بنابراین خود خدا بدهی بدهکار شده را پرداخت.

متألهان دوره اصلاحات دینی این نظریه را در جهتی خاص بسط دادند که بعدها به نام «جانشینی کیفری» شناخته شد. استدلال مارتین لوتر و ژان کالون این بود که عیسی گناهان بشریت را بر دوش گرفت و به جای ما مجازات را متحمل شد.

متون کلیدی عبارت اند از: مرقس ۱۴: ۲۴ «و به آنان گفت: این است

خون من، خون میثاق، که برای بسیاری ریخته می شود.» یوحنا ۱: ۲۹

«یوحنا ... گفت: بنگر به بزه خدا که گناه جهان را با خود می برد!»

همچنین نگاه کنید به: رومیان ۲۵-۲۳: ۲؛ اول قرن تیان ۵: ۷، ۳: ۱۵

### نظریه نبرد کیهانی

این دیدگاه در قرون دوم و سوم میلادی توسط برخی از پدران نخستین کلیسا (متألهانی که نوشته هایشان در شکل گیری آموزه مسیحی اهمیت دارد)، از جمله ایرنائوس، اوریگن و گریگوری کبیر، بسط یافت. گوستاو آئولن در قرن بیستم با کتاب خود «مسیح پیروز» (چاپ اول ۱۹۳۰ و چاپ SPCK، ۱۹۷۰) رویکردی تازه به این نظریه بخشید و آن را دوباره بر سر زبان ها انداخت. این دیدگاه سپس توسط رودولف بولتمان و پل تیلیش، در قالب مفاهیم وجودگرایانه، «بازاسطوره پردازی» شد و در سال های اخیر نیز پل فیدس آن را در کتاب «رویداد گذشته، نجات امروز» (۱۹۸۹) بازپردازی کرده است. وی چنین می نویسد: «... پیروزی مسیح در واقع در درون ما پیروزی می آفریند... عمل مسیح یکی از آن لحظات تاریخ انسانی است که فرصت های تازه ای برای زیستن می گشاید.»

در این دیدگاه، صلیب لحظه پیروزی در نبرد کیهانی میان خدا و شیطان تلقی می شود (در نسخه های مدرن، این نبرد به صورت تحت اللفظی برداشت نمی شود). بشریت از زمان هبوط در چنگال شیطان گرفتار بود و مرگ عیسی «فدیه ای» بود که برای آزادی ما پرداخت شد.

متون کلیدی عبارت اند از: متی ۲۸: ۲۰ «پسر انسان آمد ... تا جان

خود را همچون فدیه ای در راه بسیاری بدهد.» همچنین نگاه کنید به:

اول پطرس ۲۰-۱۷: ۱

برای خلاصه‌ای کامل‌تر از این بحث، بنگرید به: آلیستر مک‌گراث، «الهیات مسیحی، یک مقدمه»، چاپ چهارم، فصل ۱۳ با عنوان «آموزه رستگاری در مسیح»؛ یا کتاب دیگر او «الهیات تاریخی» (۱۹۹۸) صفحات ۲۸۲ به بعد، مطالعه‌ی موردی ۴.۲ با عنوان «مبنا و ماهیت رستگاری».

## بخش سوم: تکوین تعالیم مسیحیت

### جلسه ۳ مسیح مرده است

اهداف: ارزیابی تفاسیر گوناگون از مرگ مسیح

تأمل در اینکه صلیب چگونه در شاگردی و خدمت ما سخن می‌گوید

#### نیایش آغازین

۵ دقیقه

#### طرح موضوع

۱۰ دقیقه

صلیب‌هایی که با خود آورده‌اید را روی میز وسط بگذارید و مدتی را صرف دیدن آن‌ها کنید. هر چه به ذهنتان می‌رسد را در گروه مطرح کنید، این که آیا این تصاویر بسیار متفاوت هستند یا مضامین مشترکی را در بر دارند.

#### صلیب در هنر

۲۰ دقیقه

به صورت گروهی به کار خود ادامه دهید. آیا توصیف خاصی بود که توجه شما را به خود جلب کرده باشد؟ هر آنچه از تصاویر صلیب که با خود آورده‌اید با گروه به اشتراک بگذارید.

به تصویر «بره دست و پا بسته» اثر فرانسیسکو زورباران<sup>16</sup> که در سال ۱۶۳۰ کشیده شده نگاه کنید و درباره آن بحث کنید. به نظر شما چه ایده‌هایی درباره مرگ مسیح در این اثر آورده شده است؟ واکنش شخصی شما به این تصویر چیست؟

#### نظریه‌های سنتی درباره تاوان

۳۰ دقیقه

بیشتر باورهای معاصر درباره تاوان (که قبلاً در جدول آورده شد) از دورانی به قدمت «دوران حواریون» - یعنی بلافاصله بعد از دوره عهد جدید - با عبور از سده‌های مختلف به ما رسیده است. این باورها به تدریج جایگاهی مرکزی در الهیات مسیحی یافته‌اند و در زمره تئوری‌های کلاسیک یا سنتی به شمار می‌روند. این تئوری‌ها هر کدام نقاط ضعف و قوت خود را دارند.

#### فعالیت گروهی

- نقل قول‌های صفحه بعد را با دقت بخوانید و بگویید هر یک کدام تئوری کفار را به بهترین وجه توصیف می‌کند.
- نظر شما درباره نقاط ضعف و قوت هر کدام از تئوری‌های کفار ذکر شده در جدول پیشین چیست؟

<sup>16</sup> Fransisco Zurbaran's *Agnus Dei or Bound Lamb*

## اندیشه‌هایی دربارهٔ صلیب

«در این دیدگاه، زیباییِ دراماتیک و خارق‌العاده‌ای به چشم می‌خورد، و پاره‌ای از نیرویش در این حقیقت نهفته است که علی‌الظاهر با تجربه انسانی همخوانی دارد. زندگی در اغلب موارد شبیه نبرد است.» اسقف ریچارد هالووی

«به سرش، سپس دستانش، سپس پاهایش بنگرید  
اندوه و محبت درهم آمیخته فرو می‌ریزند؛  
آیا هرگز چنین محبت و اندوهی به هم رسیده‌اند،  
یا خارها تاجی چنین پُرشکوه ساخته‌اند؟»

ایزاک واتس

«رایج‌ترین نقد بر این نگاه آن است که کاملاً “ذهنی” است. تنها کاری که می‌کند برانگیختن واکنش انسان نسبت به عملِ محبت‌آمیز خدا است... اگر [مرگ عیسی] رابطه‌ای متفاوت میان خدا و انسان برقرار نکرده باشد، چه لزومی به وجود آن بود؟»  
فرانسیس یانگ

«آنچه صلیب نیست... پسر به جای من بایستد و مجازاتی را تحمل کند که سزاوار من است. چنین دیدگاهی غیراخلاقی است...»  
اسقف هیو مونتیووره

«وقتی شیطان مرا به یأس می‌کشاند  
و از گناه درونم با من سخن می‌گوید  
به بالا می‌نگرم و او را آنجا می‌بینم  
او که به همهٔ گناهانم پایان داد  
زیرا منجی بی‌گناه جان داد  
روح گناهکار من آزاد شمرده می‌شود  
زیرا خدای عادل خشنود است  
که به او بنگرد و مرا ببخشد  
که به او بنگرد و مرا ببخشد.»

چریتی لیس اسمیت

«تو را می‌شناسم، زیرا به شکلی وصف‌ناشدنی، دیدم — و تقریباً تک تک شما شدم — در آن سه ساعتی که همهٔ آن سال‌ها پیش، بر فراز آن تپه، در حال جان‌کندن بودم...»  
ایدرین پلاس

«دوگانه‌انگاری: این باور که نیروهای برابر و متضادِ خیر و شر در کار جهان‌اند. این بدعتی کهن است که هنگام سخن گفتن از شیطان، به سادگی ممکن است به دام آن بیفتیم.»  
تعریف ارائه شده در «مقدمه‌ای بر دین مسیحیت»<sup>17</sup>

«این درک از صلیب، قوی‌تر از آن چیزی است که بعضاً برای آن قائل می‌شوند. محبتی که در مرگ ریخته می‌شود، اثر اقلناعی حقیقی دارد. بهای محبت سنگین بود...»  
فرانسیس یانگ

«...این نظریه نیروی روان‌شناختی و بشارتی عظیمی داشته است، زیرا پاسخ‌دهنده به آن احساس می‌کند کاری عینی برای حل وضعیت آکنده از گناه خویش انجام گرفته است...»  
فرانسیس یانگ

## استراحت

۱۰ دقیقه

تفاسیر متأخر درباره مرگ مسیح

تصاویر به صلیب کشیده شدن عیسی که در قرن بیستم میلادی خلق شدند، به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم، نشان از نوعی دل‌مشغولی روزافزون نسبت به مفهوم رنج و تغییر نگاه نسبت به مرگ مسیح دارند. به تصاویر آورده شده در صفحات بعد نگاه کنید و داستان‌هایی که الهام‌بخش آن‌ها بوده را بخوانید.

در هر یک از این آثار چه نوع نگرش الهیاتی می‌بینید؟

۲۰ دقیقه

عیسی به سان «رنج‌بر»

در نیمه دوم قرن بیستم، مسیحیان تفسیری مجدد از مرگ عیسی کردند تا به بهانه آن به مسائلی چون رنج، بی‌عدالتی اجتماعی و ستم بپردازند. «الهیات»‌های نوین پدید آمده تا در سایه صلیب با چنین مسائلی گلاویز شوند.

متألهان رهایی‌بخش، مرگ مسیح را نمونه‌ای می‌دانند از پذیرش رنج محض خاطر هم‌نوعان، که مواردی چون به چالش کشیدن رژیم‌های سیاسی شرور را شامل می‌شود. دُم هِلدر کامارا<sup>18</sup>، اسقف اعظم کاتولیکِ اولیندا و رِسیف در برزیل، گفته مشهوری دارد:

«وقتی به فقرا غذا می‌دهم، مرا قدّیس می‌نامند. وقتی می‌پرسم چرا فقرا غذا ندارند، مرا کمونیست می‌خوانند.»

او در زمان جنگ ویتنام رساله‌ای نوشت و در آن جوانان جهان را دعوت به در هم شکستن «چرخه خشونت» کرد که زُعمایشان به آن خو کرده بودند.

اسقف (کاتولیک) دیگری به نام اسکار رومرو<sup>19</sup> از السالوادور موارد نقض حقوق بشر را به شدت محکوم کرد. او در سال ۱۹۸۰، در پایان موعظه‌اش در مراسم عشای ربانی در کلیسای جامع به دست یک گروه راست‌گرا ترور شد.

<sup>17</sup> An Introduction to the Christian Faith

<sup>18</sup> Dom Helder Camara

<sup>19</sup> Oscar Romero

متأله آلمانی، یورگن مولتمان<sup>20</sup>، می‌نویسد که تصلیبِ عیسی و رستاخیزش پیامی برای بشریت رنج‌کشیده دارد که خدا نیز رنج‌کشیده و بر مرگ پیروز شده است. در واقع، هم‌میهنِ او دیتریش بونهوفر<sup>21</sup> در زندانِ نازی‌ها نوشت که تنها خدایی که رنج می‌کشد می‌تواند نجات دهد.

متأله آلمانی، فرانسیس یانگ در کتابش «آیا این استخوان‌های خشکیده می‌توانند زندگی کنند؟» این تغییر رُف در نحوه نگاه به صلیب را چنین خلاصه می‌کند:

«یک چیز روشن شده است... و آن این است که معنای صلیب بایستی به نحوی نه تنها با گناه بلکه با همه رنج‌ها، همه دردها، همه فجایع، همه بی‌عدالتی‌ها، همه زوال و مرگ مرتبط باشد؛ در واقع بایستی با تمامی عیوب موجود در آفرینش، طبیعت انسانی و جامعه انسانی، آن‌گونه که می‌شناسیم، مرتبط باشد...»

فرانسیس یانگ، «آیا این استخوان‌های خشکیده می‌توانند زندگی کنند؟»، انتشارات اس‌سی‌ام، ۱۹۸۲.

### فعالیت گروهی

- به نظر شما چرا نگاه به مرگِ مسیح تغییر کرده است؟
- کدامیک از تفاسیر موجود دربارهٔ صلیب با مسائلی که شما با آن مواجهید بیشترین همخوانی را دارد؟
- آیا آنچه ما هر هفته در آئین‌های عبادی و اعتقادی بر زبان می‌رانیم ربطی با دنیای امروزی ما دارد؟

۵ دقیقه

### نیایش پایانی

#### منابع نقل‌قول‌ها

- ریچارد هالووی، «رقص بر لبه»<sup>22</sup>  
هیو مونتفیوره، «دفترچه مراسم پذیرش»<sup>23</sup>  
ایدرین پلاس، «ملاقات»<sup>24</sup>  
ایزاک واتس (۱۶۷۴-۱۷۴۸)، برگرفته از سرود «آنگاه که از نظر می‌گذاریم»<sup>25</sup>  
فرانسیس یانگ، «آیا این استخوان‌های خشکیده می‌توانند زندگی کنند؟»<sup>26</sup>

۵ دقیقه

### نگاهی به پیش‌رو: آماده‌سازی جلسه بعد

<sup>20</sup> Jurgen Moltmann

<sup>21</sup> Dietrich Bonhoeffer

<sup>22</sup> Richard Holloway, *Dancing On the Edge*, (Fount Paperbacks, 1997)

<sup>23</sup> Hugh Montefiore, *Confirmation Notebook*, (London: SPCK, 1984)

<sup>24</sup> Adrian Plass, *The Visit* (Harper Collins, 1999)

<sup>25</sup> Isaac Watts, 1674 – 1748, taken from the hymn 'When I Survey'

<sup>26</sup> Frances Young, *Can These Dry Bones Live?* (London: SCM, 1982)



«بَرّه دست و پا بسته» — فرانسیسکو زورباران (۱۶۶۴-۱۵۹۸)

بَرّه خدا

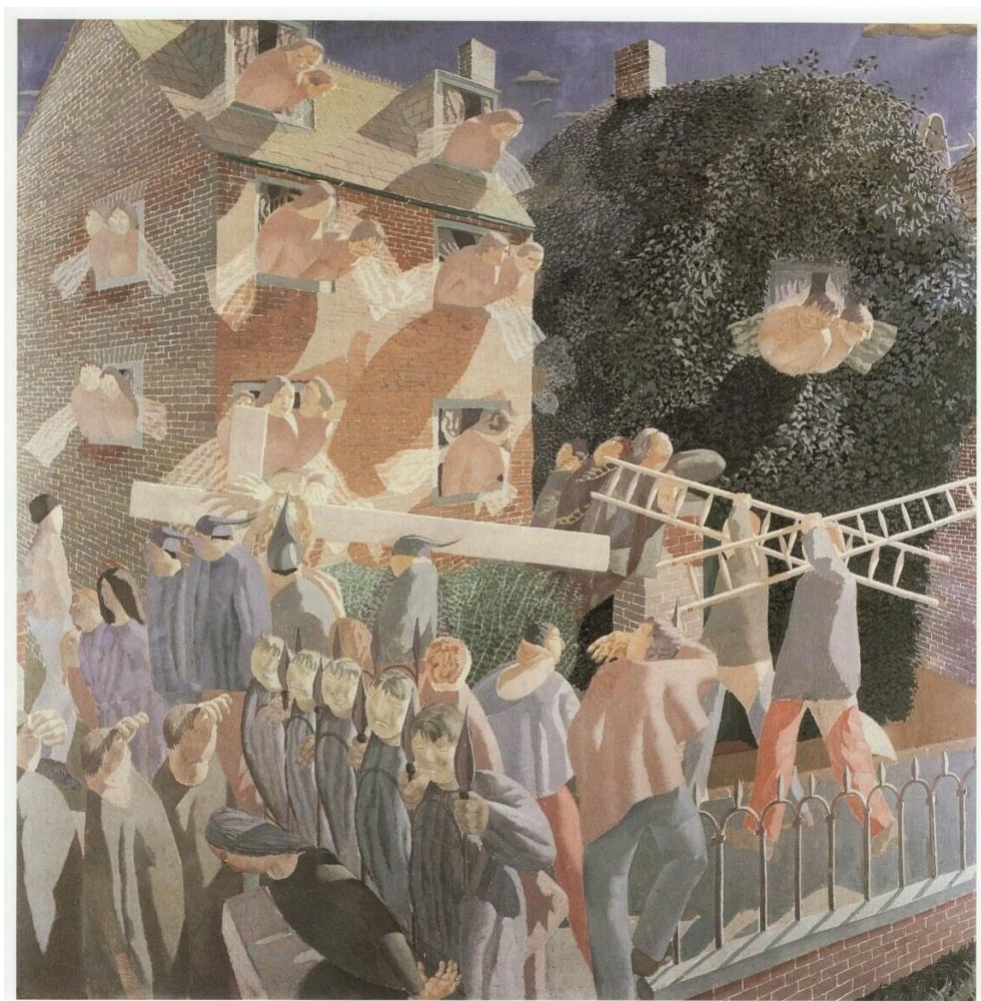
نقاشی‌های زورباران از بَرّه‌ها تحسین بسیاری را برانگیخته است. با قرار دادن بَرّه سفید در پس‌زمینه تاریک و ساده، هنرمند حسّ حضور جسمانی حیوان را دوچندان کرده است. مقصود بازنمایی قربانی مسیح است و در برخی از شش نقاشی خود، زورباران هاله‌ای محو را هم به کار اضافه کرده است.

قربانی‌های عهد عتیق که مشتمل بر پیشکش کردن بَرّه‌ای بی عیب و نقص بود، رفته‌رفته به صورت نمادی از مرگ مسیح درآمدند، قربانی جایگزین برای انسان گناهکار. پطرس این مقایسه را به‌صراحت در نامه‌های خود بیان می‌کند:

«شما با چیزهای فاسدشدنی رستگار نشدید... بلکه با خونِ گران‌بهای مسیح، همچون خونِ بَرّه‌ای بی‌عیب و بی‌لکه.»  
دوم پطرس ۱۹-۱۸: ۱

و یوحنا در انجیل خود نقل می‌کند که یحیای تعمیددهنده، هنگامی که دید عیسی به او نزدیک می‌شود، فریاد زد:

«بنگر به بَرّه خدا که گناه جهان را با خود می‌برد!» یوحنا ۱:۲۹



«مسیح در حال حمل صلیب» — استنلی اسپنسر ۱۹۲۰

این تصویر، «راه صلیب» را در خیابان اصلی کوکهام قرار می‌دهد. نور به نظر می‌رسد از بالای سمت راست تصویر می‌تابد. در پایین تصویر سمت چپ مردانی با دست صورت‌های خود را در برابر تابش آن نور می‌پوشانند. مردم از پنجره‌ها به بیرون نگاه می‌کنند و پرده‌های توری پنجره‌ها، هنگام نگاه کردن مردم، به بیرون می‌وزند؛ گویی بال‌های فرشتگان‌اند. حضور نردبان‌ها مُلهم از حادثه‌ای واقعی است، هنگامی که استنلی اسپنسر داشت بر روی این ترکیب‌بندی کار می‌کرد. او کارگرانی را دید که نردبان‌ها را در امتداد خانه‌ها حمل می‌کنند و این صحنه، به گفته خودش، «واقعیت زندگی روزمره» را برایش فراهم آورد. نردبان‌ها پڑوایی بصری از شکل صلیب هستند. زنانی با چهره‌هایی عروسک‌مانند کنار نرده‌ها ایستاده‌اند؛ نرده‌هایی که شکل نیزه‌های نوک تیز دارند و خشونت را تداعی می‌کنند. خود مسیح زیر صلیب پنهان شده است، در حالی که مردانی کلاه‌بر سر — شاید بَناهایی با سبدهای حملِ آجر — و نیز احساسی خفیف از تهدیدی شبیه به کلوکلاکس‌گن در فضا دیده می‌شود. در مجموع، حسن غالب این است که مردم مشغول رفت‌وآمد و کار روزمره‌اند و کاروان منتهی به تصلیب عیسی تقریباً به چشم نمی‌آید و در میان امور عادی و روزانه گم شده است.

گالری تیت در ابتدا این نقاشی را به اشتباه «مسیح در حال تحمل صلیب» نام‌گذاری کرده بود که آزرده‌گی شدید استنلی اسپنسر را به همراه داشت. به گفته او، این عنوان نادرست چنین القا می‌کرد:

«حسی از رنج که منظور نظر من نبود. من به طور خاص می‌خواستم رابطه میان نجارانی را نشان دهم که پشت سر او نردبان‌ها را حمل می‌کنند و در جلو مسیح که صلیب را بر دوش می‌کشد. هر یک کار خود را انجام می‌دهند و درست مانند کارگران کار می‌کنند... مسیح صرفاً «کاری» یا حتی «کار خودش» را انجام نمی‌داد، بلکه «آن کار اساسی» را انجام می‌داد.»



### «مسیح شکنجه‌شده» — گوئیدو روشا، برزیل

مجسمه‌ساز برزیلی، گوئیدو روشا، در این پیکره «مسیح شکنجه‌شده» تجربه شخصی خود و دیگران را از شکنجه به تصویر کشیده است. او در فریاد درد خود، مسیح را به یاد آورد که بارگناهان ما را بر صلیب به دوش کشید؛ و بدین‌سان، این فریاد جُلجتا برای او به وعده‌ای بزرگ بدل شد. این‌جا انسانی را می‌بینیم که با وجود تحمل سخت‌ترین شکنجه‌ها، تا واپسین لحظه حقیقت همچنان کاملاً انسان باقی ماند و بدین‌گونه مأموریت محبت را به انجام رساند... چهره آکنده از درد و رنج مسیح در حال مرگ، تصویری نفرت‌انگیز نیست، بلکه نشانه‌ای از امید است.



### «پیه‌تای کوانگجو» — تائکو تومی‌یاما

تائکو تومی‌یاما در استان منچوری چین بزرگ شد. او در جریانِ اعتصاب‌های کارگریِ سال ۱۹۶۰ با کارگرانِ معادن ارتباط پیدا کرد و به‌تدریج بیش از پیش درگیرِ مبارزاتِ جهانِ سوم شد... این «پیه‌تا» [تصویری از مریم که مسیح مرده را بر زانوان خود گرفته است] در زمانی نقاشی شد که اشغالِ مردمیِ شهرِ کره‌ایِ کوانگجو به‌طرزی بی‌رحمانه توسط نیروهای نظامی سرکوب گردید.

## بخش سه: تکوین تعالیم مسیحیت

### جلسه ۴ مسیح برخاسته است آماده‌سازی

ایده‌های مطرح شده در نقل قول زیر از کتاب «پیروی از عیسی»<sup>27</sup> نوشته تام رایت را بخوانید و درباره آن تأمل کنید:

«وقتی از «پیروی از مسیح» سخن می‌گوییم، منظورمان پیروی از مسیح مصلوب است. مرگ او صرفاً آن بخشی ناخوشایندی نیست که امکانِ آموزشِ گناهان را برایمان فراهم کرده باشد و بعد بتوان آن را به فراموشی سپرد. صلیب مطمئن‌ترین، درست‌ترین و ژرف‌ترین دریچه به سوی قلب و ذاتِ خودِ خداست؛ هرچه بیشتر دربارهٔ صلیب، در همهٔ ابعاد تاریخی و الهیاتی آن، می‌آموزیم، بیشتر راجع به آن کسی که به صورت او آفریده شده‌ایم خواهیم آموخت، و در نتیجه راجع به رسالتِ خودمان به عنوان قومِ صلیب‌به‌دوش — قومی که از رهگذر زندگی و خدمتش به خدای زنده شناخته می‌شود. از این رو، هنگامی که از شکل‌دادن به جهانِ خود سخن می‌گوییم، نباید — و جرأت هم نداریم — صلیب را صرفاً چیزی بدانیم که شخص ما را نجات می‌دهد و بعد از آن می‌توان آن را کنار گذاشت و به کار دیگر پرداخت. وظیفهٔ شکل‌دادن به جهان را شاید بتوان در قالبِ مأموریتیِ جهانیِ بخش فهم کرد: یعنی استفاده از دستاوردِ صلیب برای تأثیرگذاری بر جهان؛ و در این مأموریت، هم روش و هم پیام باید از ابتدا تا انتها صلیب‌گونه باشند.»

ن. ت. رایت، «تأملات انجیلی بر شاگردی» (لندن: اسپرینگی، ۱۹۹۴)

- به نظر شما منظور از جمله «دستاوردِ صلیب برای تأثیرگذاری بر جهان» چیست؟
- این امر مستلزم چه چیزی در زندگی و خدمت شما می‌باشد؟
- روش‌های صلیب‌گونه چه جور روش‌های هستند؟

برای به اشتراک گذاشتن تأملات خود در جلسه آتی آمادگی لازم را داشته باشید.

<sup>27</sup> Tom Wright's Following Jesus

به منظور آمادگی برای جلسه بعد درباره رستاخیز عیسی لطفا متن زیر را کامل بخوانید:

➤ اول قرن‌تیان ۱-۳۴: ۱۵

می‌توانید برای این منظور از ترجمه‌های مختلف کتاب مقدس استفاده کنید و در صورت امکان به یک زبان دیگر (ولو چندان بر آن زبان مسلط نباشید!)

حال به این دو سوال فکر کنید:

- وقتی عیسی دوباره برخاست، چه اتفاقی برایش افتاد؟
- این رستاخیز برای او به‌عنوان انسان و خدا چه معنایی داشت؟

برخی متألهان چنین استدلال کرده‌اند که رستاخیز را بایستی به عنوان یک رخداد «اسطوره‌ای» فهم کرد که نمی‌توان آن را به مانند یک رخداد تاریخی اثبات کرد. بنابراین، اگر استخوان‌های عیسی در فلسطین یافت می‌شد، از ایمان مسیحی چه باقی می‌ماند؟

چند روزنامه، مجله یا تصویر از اخبار روز را کنار بگذارید تا در جلسه بعد همراه خود بیاورید؛ مطالبی که مسائل کنونی جهان را نشان می‌دهند.



به جلوه‌های رستاخیزی عیسی در هر چهار انجیل نگاه کنید و ببینید چه نکاتی جلب توجه می‌کند.

## بخش سه: تکوین تعالیم مسیحیت

### جلسه ۴ مسیح برخاسته است

هدف: بررسی باور ما به رستاخیز عیسی و کاوش معانی ضمنی این باور در زندگی و خدمت ما.

#### نیایش آغازین و مرور

۱۰ دقیقه

هر بینش یا تأمل ادامه‌داری را که از جلسه گذشته باقی مانده در گروه با یکدیگر در میان بگذارید.

#### طرح موضوع

۱۰ دقیقه

#### فعالیت گروهی

➤ درباره این گفت‌وگو کنید که عید پاک در خانه، کلیسا و فرهنگ شما چگونه جشن گرفته می‌شود.

➤ این نحوه جشن گرفتن چه چیزی درباره باورهای شما به یک ناظر بیرونی می‌گوید؟

نسبت به ایده‌های یکدیگر در گروه نظر دهید و آن‌ها را بررسی کنید.

#### رستاخیز بدن یا جاودانگی روح؟

۲۵ دقیقه

باور مسیحی به رستاخیز — در وهله اول رستاخیز عیسی و در نهایت رستاخیز همه مؤمنان — از امیدی به زندگی پس از مرگ سخن می‌گوید. اما این ایده بسیار فراتر از آن است که صرفاً روح پس از پایان هستی جسمانی بدن به سوی خدا برود. روایت مسیحی از قدرت شفابخش، حیات‌بخش و بازآفرین خدا حکایت می‌کند که در جهان مرگ و زوال رخنه می‌کند. نقل قول زیر را بخوانید:

«ما از آن جمعه نیکی آگاهیم که مسیحیت آن را جمعه صلیب می‌داند. اما غیر مسیحی، خدا ناباور، نیز آن را می‌شناسد. یعنی او از بی‌عدالتی، از رنج بی‌پایان، از تباهی و از معمای خشن پایان آگاه است؛ چیزهایی که نه تنها بُعد تاریخی وضعیت انسانی، بلکه بافت روزمره زندگی شخصی ما را نیز شکل می‌دهند. ما آگاهیم... از درد، از شکست عشق، از تنهایی که تاریخ و سرنوشت شخصی ما هستند. ما همچنین درباره یکشنبه می‌دانیم. برای شخص مسیحی، آن روز نشانه‌ای است — هم مطمئن و هم شکننده، هم آشکار و هم ورای فهم — از رستاخیز، از عدالت و محبتی که بر مرگ پیروز شده‌اند... سیمای آن یکشنبه نام امید را بر خود دارد... اما سهم ما سفر طولانی روز شنبه است.»

جورج اشتاینر، «حضورهای واقعی»، دانشگاه شیکاگو، ۱۹۸۹.

به صورت گروهی، پاسخ‌های خود را به پرسش‌های زیر بررسی کنید:

- بسیاری از مردم بریتانیا همچنان به بقای روح یا جان پس از مرگ باور دارند. به نظر شما باور مسیحی ما به رستاخیز چه تفاوتی با این دیدگاه دارد؟
- برای عیسی چه رخ داد (به بخش آماده‌سازی رجوع کنید) و آیا همان چیز برای ما نیز رخ خواهد داد؟
- بار دیگر، مسئله «بدعت» ممکن است چندان دور نباشد — ایده‌های بسیاری درباره زندگی پس از مرگ وجود دارد، از جمله تناسخ و «وضعیت‌های میانی»... ما به عنوان مسیحی قائل به چه چیزهایی هستیم و نیستیم؟ از کجا می‌دانیم ایمان «ناب» چیست؟
- شعار کنونی «کمک مسیحی»<sup>28</sup> این است: «ما به زندگی پیش از مرگ ایمان داریم.» این ایده چگونه می‌تواند بازتاب‌دهنده ایمان ما به رستاخیز باشد؟

## استراحت

### درک مفهوم رستاخیز

۲۰ دقیقه

برای فهم کامل‌تر این موضوع، باید به پیشینه یهودی رویدادهای نخستین عید پاک نگاه کنیم.

اطلاعات زیر را به صورت فردی بخوانید.

یکی از کهن‌ترین گزارش‌های رستاخیز در نخستین نامه پولس به قرنتیان یافت می‌شود؛ نامه‌ای که گمان می‌رود در اوایل دهه ۵۰ میلادی نوشته شده باشد. پولس شهادت می‌دهد که بنابر نص صریح انجیلی که به او رسیده مسیح از عالم مردگان برخاسته، بر پطرس، بر دوازده تن از حواریون و بر بیش از ۵۰۰ شاهد دیگر نیز ظاهر شده است.

این امر روزنه‌ای بر نخستین روزهای کلیسا بر ما می‌گشاید. رویدادی شگفت‌انگیز که پیروان عیسی از آن به عنوان رستاخیز او یاد کردند، شاگردان شکست‌خورده را دگرگون ساخت و نیروی محرک مأموریت آنان شد.

حواریون با به کار بردن واژه «رستاخیز»، در واقع از ادبیات دینی خود یعنی یهودیت استفاده می‌کردند. برای آنان، رستاخیز به معنای کلی رفتن به سوی خدا نبود. به یکی از روشن‌ترین تصاویر رستاخیز در عهد عتیق در حزقیال ۱۴-۱: ۳۷ نگاه کنید.

این متن احتمالاً در زمان تبعید نوشته شده است، مدتی پس از سال ۵۸۷ پیش از میلاد، هنگامی که پناهندگان تقریباً تمام امید خود را از دست داده بودند. حزقیال تصویری زنده از بازگرداندن قوم خدا ترسیم می‌کند. از آن زمان به بعد، واژه رستاخیز به نوعی «تجسد دوباره» قوم خدا اشاره داشت. این امر زمانی رخ می‌داد که خدا آخر الامر قوم خود را می‌بخشید، «مرگ» آنان را در تبعید پایان می‌داد، دشمنان‌شان را شکست می‌داد و عصر تازه پادشاهی خدا را بر زمین موجب می‌شد. این کار، نظم کهنه و فاسد جهان را به پایان می‌رساند و همه درستکاران مرده برانگیخته می‌شدند تا در آفرینش نو سهیم شوند.

<sup>28</sup> Christian Aid

ناگهان، برخلاف همه انتظارات، حواریون بنا کردند به طرح این ادعا که این اتفاق نه برای کلّ قوم اسرائیل، بلکه برای یک نفر — عیسی — در میانه عصر حاضر رخ داده است.

به صورت گروهی درباره افکار و احساساتی که این موضوع در شما برمی انگیزد به بحث و تبادل نظر بپردازید.

### معنای رستاخیز عیسی

۱۵ دقیقه

با وجود آنچه عیسی ممکن است در زمان همراهی با حواریون گفته باشد، به نظر می رسد آنان انتظار رستاخیز او را نداشتند. در پرتو رویدادهای عید پاک، نخستین مسیحیان ناچار شدند در جهان بینی خود را بازنگری کنند. چه رخ داده بود؟ اسقف هیو مونتفیوره چنین استدلال می کند که در نظر پولس، رستاخیز عیسی به این معنا بود که:

- خدمت عیسی از سوی خدا تأیید شد (رومیان ۱:۴)
- صلیب ابزار خدا برای پایان دادن به «تبعید» کلّ آفرینش و شکست شر و مرگ است (فیلیپیان ۲:۹ به بعد؛ رومیان ۸:۱ به بعد)
- عصر نوین حاکمیت خدا، پادشاهی او، نظم کهنه را در هم شکسته است (رومیان ۶:۸ به بعد)
- کسانی که به مسیح تعلق دارند، اطمینان می یابند که آنان نیز به زندگی برخوانند خواست (اول قرنتیان ۱۵:۲۰)

هیو مونتفیوره، دفترچه مراسم پذیرش: محتوای باور مسیحی، اسپریتی، ۱۹۸۴

پرسش هایی برای گروه

- آیا هر یک از این حقایق منوط به رستاخیز جسمانی عیسی در تاریخ هستند؟
- نظر گروه درباره متألّهانی که رستاخیز را بیشتر «اسطوره» می دانند چیست؟

به بخش آماده سازی رجوع کنید.

### مردمان رستاخیز

۲۰ دقیقه

#### فعالیت گروهی

- از ما مسیحیان خواسته شده تا به قدرت عیسای مصلوب شده و زنده شده اجازه دهیم تا همراه با ما کار و زندگی کند.
- نگاهی بیندازید به واژه ها، تصاویر و تیتراهای که با خود آورده اید که منعکس کننده جهان «تبعید» است.
- برخی از مضامین برآمده از آن را بر روی برجسب بنویسید.

این برجسبها را دوباره نزد کلّ گروه بیاورید و آنها را در جایی قرار دهید که برای همه قابل دیدن باشند.  
هنگام نگاه کردن به آنها، به این فکر کنید که جلوه‌های زندگی رستاخیزی مسیح در زندگی و خدمت ما چه معانی‌ای دارد.

۵ دقیقه

### نیایش پایانی

شمعی بزرگ را در وسط روشن کنید تا نماد رستاخیز باشد. هر یک از اعضا شمع نذری خود را با شمع اصلی، یا با شمع عضوی دیگر، روشن می‌کند.

در حالی که به شکل دایره ایستاده‌اید، برخی از اعضای گروه جملات تسلی بخش کتاب مقدس را که در آغاز مراسم تدفین خوانده می‌شود، با صدای بلند می‌خوانند:

«عیسی گفت: من رستاخیز و حیات هستم، هر که به من ایمان آورد، هر چند بمیرد، زنده خواهد شد؛ و هر که زنده است و به من ایمان دارد، هرگز نخواهد مرد.» یوحنا ۲۶-۲۵: ۱۱

«خدا آنقدر جهان را دوست داشت که یگانه پسر خویش را داد تا هر آنکه به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاودان یابد.» یوحنا ۱۶: ۳

«زیرا اگر ایمان داریم که عیسی مُرد و دوباره زنده شد، به همین سان خدا آنان را که مرده‌اند نیز از طریق عیسی با او خواهد آورد. و بدین گونه تا ابد با خداوند خواهیم بود. پس یکدیگر را با این سخنان تسلی دهید.»

اول تسالونیکیان ۴: ۱۴، ۱۷-۱۸

«محبت پادشاه خداوند هرگز پایان نمی‌پذیرد، و رحمت‌های او هرگز به انتها نمی‌رسد؛ هر صبحدم تازه می‌شوند؛ عظیم است وفاداری او.» مرثی ارمیا ۲۳-۲۲: ۳

در پایان، همه با هم دعای شکرگزاری را برای یکدیگر می‌گویند.

۵ دقیقه

نگاهی به پیش‌رو: آماده‌سازی جلسه بعد

بخش سه: تکوین تعالیم مسیحیت

جلسه ۵ مسیح باز خواهد آمد

### آماده‌سازی

یکی از آموزه‌های کلیدی مسیحی این است که عیسی بازخواهد گشت تا آفرینش را تازه سازد و پادشاهی خدا را در کامل‌ترین شکل آن برپا کند. این هفته تمرکز ما بر سه انجیل نخست یعنی متی، مرقس و لوقا (که در مجموع «اناجیل هم‌نوا»<sup>29</sup>) نامیده می‌شوند) خواهد بود تا به ما در اندیشیدن دربارهٔ مضامین پادشاهی کمک کنند. در انجیل متی از این پادشاهی با عنوان «پادشاهی آسمان» یاد می‌شود؛ و در انجیل‌های مرقس و لوقا با عنوان «پادشاهی خدا». عیسی خدمت خود را با این بیانیه آغاز می‌کند: «از گناهان خویش توبه کنید، زیرا پادشاهی آسمان نزدیک است.» متی ۴:۱۷

در الهیات مسیحی، پادشاهی خدا هم با تجسد عیسی آمده و در زمان حاضر فعال است، و هم در آینده و در بازگشت پرشکوه عیسی به‌طور کامل تحقق خواهد یافت — این حقیقت در عبارت «اکنون و هنوز نه» خلاصه می‌شود. ما در دوره فترت یعنی بین این دو زندگی می‌کنیم. به برخی از نمونه‌های موجود در اناجیل فکر کنید که منعکس‌کننده مضامین ذیل هستند. می‌توانید به پیوست ۳ رجوع کنید.

پادشاهی خدا اکنون

پادشاهی خدا در آینده

<sup>29</sup> Synoptic Gospels

## حکایات تمثیلی در اناجیل هم‌نوا

عیسی در تعالیم خود به‌طور گسترده از حکایات تمثیلی بهره می‌جست.

جان درین به ما می‌گوید که حکایات تمثیلی عیسی اساساً برای تعلیم دربارهٔ پادشاهی خدا هستند. در یک دسته‌بندی آن‌ها دربارهٔ موضوعات ذیل آموزش می‌دهند:

- **شخصیت پادشاه** — محبت خدا نسبت به ناشایستگان (گوسفند گمشده، پدری با دو پسر)
- **پاسخ ما به پادشاه** — توبهٔ پسر کوچک‌تر؛ دعای مامور وصول مالیات؛ پسری که ابتدا نمی‌خواست در ناکستان کار کند اما بعداً راضی به این کار شد (متی ۲۱-۳۱: ۲۸)
- **جامعهٔ پادشاه** — آمرزنده و رحیم؛ حکایت تمثیلی شخصی که بدهی‌اش بخشیده شد اما خود بدهی شخص دیگری را مطالبه کرد (متی ۲۱-۳۵: ۱۸)؛ الگوی سامری نیکوکار (لوقا ۱۰-۳۷: ۲۵)
- **پادشاهی آینده** — اغلب با تصویر بازگشت عیسی به‌عنوان پسر انسان آسمانی و فراطبیعی: حکایت تمثیلی گندم و علف‌های هرز (متی ۲۴-۳۰: ۱۳)، حکایت تمثیلی گوسفندان و بزها (متی ۳۱-۴۶: ۲۵)، حکایت تمثیلی ضیافت بزرگ (لوقا ۱۴-۲۴: ۱۵)

این داستان‌های ساده، که ریشه در جهان روزمرهٔ شنوندگان داشتند، سرشار از معنا و اغلب تکان‌دهنده بودند و هنجارهای فرهنگی را زیر و رو می‌کردند. برای نمونه، عیسی در داستان محبت به همسایه، سامری تحقیرشده را قهرمان قرار داد. جان درین می‌گوید: «حکایات تمثیلی عیسی بیشتر شبیه آثار هنری‌اند تا گفتارهایی دربارهٔ دین؛ و مانند هر هنر دیگری، شخصیت‌ها و موقعیت‌هایشان کیفیتی جهان‌شمول دارند که هر کسی می‌تواند آن‌ها را بفهمد، زیرا با شرط اساسی انسان بودن سروکار دارند.»

در معنویت ایگناتیوسی، خواننده تشویق می‌شود تا از قوه تخیل خود در خوانش حکایت تمثیلی نهایت استفاده را بکند: خود را در دل داستان یا در میان جمعیتی که داستان را می‌شنوند تصور کند؛ صحنه‌ها، صداها، افکار و احساسات مربوط به حضور در آن را مجسم سازد؛ توجه کند که تمرکزش به چه سمت و سوی کشیده می‌شود و ببیند که خدا از طریق آن احتمالاً چه چیزی را می‌خواهد بر او آشکار کند. در این شیوه، خواندن کتاب مقدس با این پیش‌فرض است که کلام زندهٔ خداست و خدا از طریق آن با ما سخن می‌گوید.

یک حکایت تمثیلی را انتخاب کنید و آن را به شیوهٔ تخیلی و دعایی توصیف‌شده در بالا بخوانید.



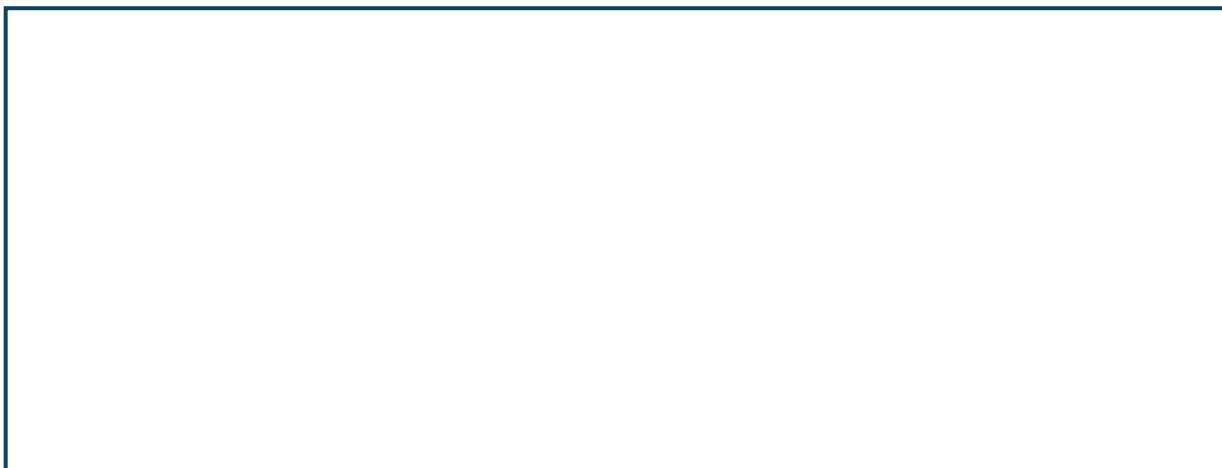
پادشاهی آینده

می‌توانید قطعات موسیقی زیر را در یوتیوب گوش دهید:

➤ بنگرید! او همراه با ابرهای فرود آینده می‌آید.<sup>30</sup>

➤ فقط می‌توانم تصور کنم.<sup>31</sup>

چه تصویری از پادشاهی آینده خدا دارید؟ می‌توانید ایده‌ها و اندیشه‌های خود را در کادر زیر توصیف کنید:



**بخوانید**

حزقیال ۱-۱۴: ۳۷

یا

اول قرن‌تین ۳۵-۵۷: ۱۵

این فرازا متضمن چه نکاتی درباره پادشاهی آینده خدا می‌باشند؟

---

<sup>30</sup> Lo he comes with clouds descending

<sup>31</sup> I can only imagine

## بخش سه: تکوین تعالیم مسیحیت

### جلسه ۵ مسیح باز خواهد آمد

اهداف: توصیف و بررسی تعلیمات عیسی درباره پادشاهی خدا

اندیشیدن درباره ماهیت پادشاهی آینده

۵ دقیقه

نیایش آغازین

۱۵ دقیقه

زمانی برای تأمل

۳۰ دقیقه

پادشاهی خدا در زمان حاضر

بر روی فیلم چارت، چند ایده در پاسخ به دو پرسش زیر را یادداشت کنید:

۱. ویژگی‌های پادشاهی خدا چیست؟
۲. نشانه‌های پادشاهی خدا در جهان امروز چیست؟

این ایده را در نظر بگیرید که: «کلیسا به عنوان نمونه آزمایشی، پایگاهی پیشرو و شاهی برای پادشاهی خدا بنا نهاده شده است» — عیسی برای توضیح این معنا از نور، نمک و خمیرمایه برای تصویرپردازی استفاده می‌کند.

نظر شما درباره این ایده چیست؟

به چند نمونه فکر کنید که در آن کلیسا به خوبی پادشاهی خدا را مجسم کرده است.

با نگاهی به یادداشت‌های فیلم چارت بگویید:

کلیسای شما چگونه می‌تواند در این دعوت — یعنی شهادت دادن به پادشاهی خدا — رشد و نمو کند؟

## استراحت

۳۰ دقیقه

پادشاهی خدا در آینده

مدتی را صرفِ تصورِ پادشاهی آینده خدا کنید.

چه افکار، احساسات و تصاویری به ذهن شما خطور می‌کنند؟

چه چیزهایی را آرام‌بخش و چه چیزهایی را گیج‌کننده یا نگران‌کننده می‌یابید؟

### فعالیت گروهی

هر گروه چند متن که در زیر مشخص شده را انتخاب کند و درباره پرسش‌های ذیل بیندیشد:

مکاشفه ۷: ۹-۱۷

لوقا ۱۴: ۱۵-۲۴

اشعیا ۳۵

اشعیا ۲: ۱-۵

حزقیال ۳۷: ۱-۱۴

اول قرن‌تین ۱۵: ۳۵-۵۷

➤ این متون متضمن چه مطالبی درباره پادشاهی آینده خدا هستند؟

➤ از چه صور خیالی استفاده شده و از آن‌ها چه استنباطی می‌توان درباره واقعیت پادشاهی آینده کرد؟

بعد از گردهمایی مجدد، درباره افکار و احساساتی که در هر گروه شکل گرفته به گفت‌وگو و تبادل نظر بپردازید.

### زیستن در «اکنون و هنوز نه»

۲۰ دقیقه

درک ما از پادشاهی خدا نحوه دینداری ما را شکل می‌دهد.

در طول تاریخ، مسیحیان گاه تأکید بیشتری بر «پادشاهی فرارسیده» داشته‌اند و گاه بر «پادشاهی در راه».

○ تأکید بر «پادشاهی فرارسیده» شبیه چه چیزی می‌تواند باشد؟

○ تأکید بر «پادشاهی در راه» شبیه چه چیزی می‌تواند باشد؟

○ نقاط قوت و محدودیت‌های هر یک از این رویکردها چیست؟

○ برای شما، زیستن هم‌زمان در «اکنون و هنوز نه» چه معنایی دارد؟

## نیایش پایانی

۱۰ دقیقه

دعای ربّانی<sup>32</sup> برای ۲۰۰۰ سال در مرکز نیایش و پرستش مسیحیان بوده است. ما هر روز دعا می‌کنیم:

ای پدرِ ما که در آسمانی،  
نام تو مقدّس باد،  
پادشاهی تو بیاید،  
ارادهٔ تو چنان‌که در آسمان است، بر روی زمین نیز جاری خواهد شد.  
نای روزانهٔ ما را امروز به ما عطا فرما.  
گناهانِ ما را بیامرز، چنان‌که ما نیز آنان را که به ما بدی می‌کنند، مورد بخشایش قرار می‌دهیم.  
ما را دچار وسوسه شیطانی نکن، بلکه از شرّ‌هایی ده.  
زیرا پادشاهی و قدرت و جلال از آنِ توست، اکنون و تا ابدالآباد.  
آمین.

مدتی را به تفکر در این واژه‌ها کنید و آنچه واقعاً برایش دعا می‌کنید.

سپس همگی با هم دعای ربّانی را بخوانید.

## نگاهی به پیش‌رو: آماده‌سازی جلسهٔ بعد

۵ دقیقه

در جلسهٔ بعد دربارهٔ روح‌القدس خواهیم اندیشید.  
در جلسهٔ آماده‌سازی، نیمی از گروه باید روح‌القدس را در عهد عتیق بررسی کند و نیمی دیگر در عهد جدید — تصمیم بگیرید هر کس در کدام گروه باشد.

---

<sup>32</sup> The Lord's Prayer

## بخش سه: تکوین تعالیم مسیحیت

### جلسه ۶ ما به روح القدس ایمان داریم

#### آماده سازی

مدتی را صرف اندیشیدن به چیزهایی کنید که در زندگی شما را نگران می کند و این نکته که چرا نگران می شوید. در صورت صلاحدید این افکار را در کادر زیر یادداشت کنید.

بخش زیر را از کتاب «پیروی از عیسی» نوشته تام رایت بخوانید:

می دانید پرتکرارترین فرمان در کتاب مقدس چیست؟

هراسان مباش. هراسان مباش. مترس. هراسان مباش...

این فرمانِ شگفت انگیز به جهانی یورش می برد که در آن ما ترس را می خوریم، می خوابیم و نفس می کشیم. از گرمای رحم وارد کیهان سرد می شویم و می ترسیم از تنها بودن، از دوست داشته نشدن، از رها شدن...

و این ها نمونه ای از ترس های بزرگ اند. ده ها ترس کوچک تر وجود دارند که یکدیگر را تقویت می کنند و از یکدیگر تغذیه می کنند... و پشت همه آن ها ترس از مرگ سایه افکنده است... پس می فهمید چرا این عمل به فرمان — «نترس» — یکی از دشوارترین کارهاست...

و رستاخیز عیسی این فرمانِ شگفت انگیز را صادر می کند: هراسان مباش؛ زیرا خدایی که جهان را آفرید، همان خدایی است که عیسی را از دنیای مردگان برخیزاند و اکنون تو را فرا می خواند که از او پیروی کنی... ایمان آوردن به این خدا یعنی ایمان آوردن به این که سرانجام همه چیز درست خواهد شد؛ و این ایمان، در نهایت، با ترس سازگار نیست. همان گونه که یوحنا در نامه خود می گوید، محبت کامل ترس را بیرون می راند (اول یوحنا ۴: ۱۸). و رستاخیز،

آشکارشدنِ محبتِ کامل است، محبتِ کاملِ خدا نسبت به ما، آفریدگانِ انسانی‌اش. از همین روست که هرچند ممکن است در هر مرحله‌ای از زندگی به کنه این حقیقت که خدا عیسی را از مردگان برخیزانید پی ببریم، اما یک عمر طول می‌کشد تا این باور در مابقی اندیشه، احساس و زندگی‌آکنده از نگرانی ما جاری و ساری شود.

ن. ت. رایت، «پیروی از عیسی: تأملات انجیلی بر شاگردی» (لندن: اسپریتی، ۱۹۹۴)

در پرسش‌های زیر تأمل کنید:

➤ ما — به‌عنوان فرد و به‌عنوان جامعه — برای آن که امید رستاخیز را از ته دل پذیرا باشیم، به چه چیزهایی نیاز داریم؟

➤ به نظر شما روح‌القدس چه نقشی در این فرایند ایفا می‌کند؟

### روح‌القدس در کتاب مقدس

نیمی از گروه باید روح‌القدس را در عهد عتیق بررسی کند و نیمی دیگر در عهد جدید.

به آیات زیر رجوع کنید و دربارهٔ این موارد یادداشت بردارید:

- نقش روح‌القدس
- نمادهای به‌کاررفته برای روح‌القدس
- رابطهٔ ضمنی روح‌القدس با خدا

گروه ۱: عهد عتیق

رایج‌ترین واژهٔ عبری برای «روح»، روآخ<sup>33</sup> است. اما روآخ معانی لفظی و ضمنی گوناگونی دارد و به همین دلیل، ترجمهٔ آن با تنها یک واژهٔ انگلیسی دشوار است.

هنگام بررسی آیات زیر، ببینید آیا می‌توانید گسترهٔ وسیع مفاهیم مرتبط با «روح» یا روآخ را تشخیص دهید:

|                                |                |                   |
|--------------------------------|----------------|-------------------|
| سفر پیدایش ۱:۲، ۲:۷، ۳۸-۹۸: ۴۱ | ایوب ۱۲-۱۳: ۲۶ | خروج ۱۴:۲۱، ۳۵:۳۱ |
| اشعیا ۱:۱.                     | تثنیه ۳۴:۹     | حزقیال ۱۰-۹: ۳۷   |
| داوران ۱۴:۶                    | زکریا ۷:۱۲     | اول سموئیل ۱۰:۶   |

#### گروه ۲: عهد جدید

|                               |                 |                 |
|-------------------------------|-----------------|-----------------|
| متی ۱:۱۸؛ ۲۰:۱۰               | رومیان ۲۶، ۹: ۸ | مرقس ۱۲، ۱۰: ۱  |
| اول قرنتیان ۴-۱۲: ۱۲          | لوقا ۱۸: ۴      | غلاطیان ۴:۶     |
| یوحنا ۳:۸، ۴:۲۴، ۱۴:۲۶، ۲۰:۲۲ | افسیان ۶-۴: ۴   | اعمال ۹:۱۷، ۲:۴ |
| دوم تسالونیکیان ۲:۱۳          |                 |                 |

<sup>33</sup> ruach

## بخش سه: تکوین تعالیم مسیحیت

### جلسه ۶ ما به روح القدس ایمان داریم

هدف: بررسی جنبه‌هایی از ایمان ما به خدا به عنوان روح القدس و تأمل درباره کار روح القدس در زندگی ما.

#### نیایش آغازین

۵ دقیقه

#### زمانی برای تأمل

۱۵ دقیقه

#### روح خدا

۱۰ دقیقه

« نام روح القدس را بردن به خودی خود سردرگمی فراوانی در پی دارد. »

فیلیپ ینسی، «دست دراز کردن به سوی خدای ناپیدا»، ژن‌دروان<sup>34</sup>، ۲۰۰۰

فیلیپ ینسی در ادامه به برخی از این مشکلات اشاره می‌کند، تازه اگر خودتان به این مشکلات فکر نکرده باشید! به همین قیاس، گزارشی از کمیسیون تعالیم کلیسای انگلستان با عنوان «ما به روح القدس ایمان داریم» چنین اظهار می‌کند:

«...همه مؤمنان مسیحی آموزش‌دیده و قطعاً همه متفکران متأله شنیده‌اند که روح‌القدس وجود دارد، اما بسیاری از مسیحیان در اندیشه و دعای خود توجه چندانی به روح‌القدس نکرده‌اند. عید ویتسان (یا پنطیکاست) به عنوان یک جشن، چندان بیش از یک یکشنبه عادی در چشم مسیحیان جلوه نکرده است...»

«ما به روح‌القدس اعتقاد داریم»<sup>35</sup>، انتشارات چرچ‌هاوس، ۱۹۹۳

در چنین شرایطی از بی‌توجهی نسبی است که احیای کاریزماتیک پر شمار قرن بیستم پدید آمدند که به گفته برخی، خود بر ابهام‌ها افزوده‌اند. (برآورد می‌شود که اکنون حدود ۵۶۰ میلیون مسیحی پنطیکاستی/کاریزماتیک در جهان وجود داشته باشند که الهام خود را از یک احیای واحد آغاز شده در سال ۱۹۰۸ می‌گیرند!)

نظر شما چیست؟ واکنش‌های خود را به نقل قول‌های بالا در گروه در میان بگذارید.

به نظر شما چه مشکلات یا دشواری‌هایی این حوزه از ایمان ما را در بر گرفته است؟

اگر نسبت به روح‌القدس قصور و کوتاهی شده، چه شواهدی دال بر آن دارید و چه دلایلی را می‌توانید برای آن برشمارید؟ آیا این شبیه دنبال نخود سیاه رفتن نیست — این سوال که روح‌القدس کیست یا چیست؟

<sup>34</sup> Philip Yancey, Reaching for the Invisible God

<sup>35</sup> We Believe in the Holy Spirit, Church House Publishing, 1993

بباید «جست‌وجوی» خود درباره روح القدس را با بررسی واژه‌ها، تصاویر و کنش‌های گوناگونی آغاز کنیم که در کتاب مقدس به روح القدس نسبت داده شده است.

### فعالیت گروهی

به دو گروه پژوهشی خود تقسیم شوید (عهد عتیق و عهد جدید). یک ارائه کوتاه برای گروه دیگر آماده کنید و نظر خود را درباره موارد زیر بیان کنید:

- واژه‌ها و ایماژهای به کاررفته برای روح القدس
- این که ایماژها و کنش‌های روح القدس ماهیتی مذکر، مؤنث یا غیرجاندار دارند
- رابطه ضمنی روح القدس با خدا
- کار یا کنش روح القدس

در پایان ارائه‌ها، نقاط پیوستگی یا گسستگی میان تصویر روح در دو عهد عتیق و جدید را استخراج کنید.

- نویسندگان عهد جدید چگونه ایده‌ها و ایماژهای موجود در عهد عتیق را بسط و گسترش می‌دهند؟
- چه چیزی در درک یا تجربه آنان از روح القدس منحصر به فرد است؟
- در مجموع، آیا روح القدس به صورت «he» (مفرد مذکر)، «she» (مفرد مؤنث) یا «it» (مفرد برای اشاره به غیر انسان) معرفی می‌شود؟

## استراحت

اهمیت فعالیت روح القدس در زندگی کلیسای نخستین در عهد جدید به روشنی دیده می‌شود، اما ماهیت دقیق روح القدس همچنان در هاله‌ای از ابهام است. عیسی اعلام کرد: «خدا روح است» (یوحنا ۴:۲۴)، مفهومی که به احتمال بسیار برای مسیحیان متقدم آشنا بود. آنان تجربه خود از روح القدس را با فعالیت خدا که در عهد عتیق ثبت شده بود یکی می‌دانستند، اما در عین حال به نظر می‌رسید به این نکته آگاه بودند که چیز تازه‌ای در حال رخ دادن است.

متألهین سدهای بعد در سخن گفتن آشکار از روح به عنوان «خدا» مردد بودند و حتی تا حدود سال ۳۸۰ میلادی این سردرگمی درباره روح القدس وجود داشت: آیا باید آن را یک فعالیت، یک خالق، یا خود خدا دانست؟ با این حال، در اواخر قرن چهارم، الوهیت کامل روح القدس در چارچوب نقش متمایز و رابطه او با پدر و پسر شکل مدون یافته‌ای به خود گرفت.

ایمان ما به روح القدس از خدایی سخن می‌گوید که شخصاً در کار زندگی مؤمنان، کلیسا و جهان است.

سنت مسیحی به‌طور کلی کار روح القدس را در سه حوزه خلاصه کرده است:

مکاشفه – شناساندن خدا به انسان‌ها

تقدیس – تغییر ماهیت انسان به شبه خدا

توانمندسازی - بخشیدن عطایای روح القدس به کلیسا

## فهم روح القدس

۱۵ دقیقه

به تنهایی به این موضوع فکر کنید که چگونه روح القدس در زندگی و کلیسای شما ایفای نقش می‌کند. (۵ دقیقه)  
شاید بد نباشد بر یکی از سه حوزه فوق‌الذکر تمرکز کنید.

چگونه ایفای نقش روح القدس را در زندگی خود توصیف می‌کنید؟

چه چیزهایی به شما کمک می‌کند تا نسبت به روح خدا پذیرا تر باشید؟

(۱۰ دقیقه)

به گروه برگردید و پاره‌ای از تأملات خود را به اشتراک بگذارید.

## نیایش پایانی

۱۰ دقیقه

تمرکز: تأمل در روح القدس با استفاده از موسیقی، شمع، تصویر یا آیات مناسب.

۵ دقیقه

نگاهی به پیش‌رو: آماده‌سازی جلسه بعد

## بخش سه: تکوین تعالیم مسیحیت

### جلسه ۷ شهادت یوحنا

#### آماده‌سازی

چند هفته پیش به اناجیل هم‌نوا — متی، مرقس و لوقا — با تأکیدشان بر پادشاهی خدا پرداختیم و نیز کاربرد حکایات تمثیلی را بررسی کردیم. اکنون توجه خود را به اناجیل یوحنا معطوف می‌کنیم. این روایت از زندگی عیسی حال‌وهوایی متفاوت با دیگر اناجیل دارد. یکی از ویژگی‌های آن، گفتارهای «من هستم» عیسی است. این گفتارها یادآور دیدار موسی با خدا است، همان که خود را با عبارت «من هستم» آشکار ساخت (خروج ۳: ۱۴). این گفتارها بر هویت الهی عیسی تأکید می‌کنند.

#### توشه‌ای از کلام

هفته پیش رو شما را ترغیب به تمرکز بر یکی از گفتارهای «من هستم» عیسی می‌کند. می‌توانید در هفته‌های آتی موارد دیگری را نیز امتحان کنید، اما برای این هفته، در آغاز هر روز، دست کم دو دقیقه این عبارت را به آرامی تکرار کنید:

#### «من رستاخیز و زندگی هستم.»

میان تکرارها مکث کنید، واژه‌ها را در ذهن خود مزمزه کنید و به عبارت اجازه دهید با شما سخن بگوید. در طول روز، بگذارید این عبارت با آنچه انجام می‌دهید دوباره به ذهنتان بازگردد.

قدیس آنتونی، گوشه‌نشین قرن چهارم، این کار را به زندگی شتر تشبیه می‌کند تا اسب. او می‌نویسد:

«شتر به اندکی غذا نیاز دارد؛ آن را در درون خود نگه می‌دارد تا به آغل بازگردد. سپس غذا را دوباره بالا می‌آورد و آن را آنقدر نشخوار می‌کند تا به استخوان‌ها و گوشتش راه یابد. اما اسب پیوسته می‌خورد و زود آنچه را خورده از دست می‌دهد. بیایید مانند اسب نباشیم که پیوسته کلام خدا را تکرار می‌کند بی‌آن که از آن اطاعت کند؛ بلکه مانند شتر باشیم که کلام خدا را تکرار می‌کند و آن را در درون خود نگه می‌دارد تا زمانی که آن را زندگی کند.»

برداشت خود را از متن فوق در کادر زیر یادداشت کنید.

|  |
|--|
|  |
|--|

## انجیل یوحنا

انجیل یوحنا را مرور و به داستان‌های درون آن را توجه کنید. کدام یک در انجیل دیگر نیز ذکر شده‌اند و کدام یک منحصر به انجیل یوحنا هستند؟ به بخشی بیندیشید که فقط در انجیل یوحنا وجود دارد — به نظر شما چرا وی آن را گنجانده است؟ نظر خود را در کادر زیر بنویسید:

دیوید فورد در مقدمه تفسیر خود می‌نویسد:

«از میان همه انجیل، یوحنا بیش از همه به فرد توجه دارد — هم در ملاقات‌هایش با عیسی و هم در تعالیمش. شبان نیکو هر یک را به نام فرا می‌خواند. زیرا عیسی برخاسته است و همان‌گونه که خدا حاضر است، او نیز حاضر است؛ رویداد خواندن درباره عیسی می‌تواند خود رویداد ملاقات با او باشد — رودررو. معنای این امر آن است که شما خود در محضر او هستید، و از سوی او مورد مهر و محبت قرار می‌گیرید، همان‌گونه که نویسنده انجیل این چنین بود، و به وفور معنا، زندگی و عشق به شکلی ژرف‌تر، وسیع‌تر و بلندتر و تا ابد دعوت می‌شوید.<sup>36</sup>»

فورد نشان می‌دهد که مضمون محوری روایت این است که «عیسی کیست». نشانه‌هایی که یوحنا ثبت می‌کند و گفتارهای موسوم به «من هستم» که می‌آورد، همگی بر هویت عیسی به مثابه «کلمه مجسم» تأکید دارند. انجیل یوحنا همچنین بیشترین توجه را به روح القدس معطوف می‌کند، فرازهایی که هفته گذشته به آن پرداختیم.

## مطالعه بیشتر

به دیگر گفتارهای «من هستم» نگاه کنید — کدام یک امروز برای شما بیشترین معنا را دارد؟

یوحنا ۶:۴۸ «من نان حیات هستم»

یوحنا ۸:۱۲ «من نور جهان هستم»

یوحنا ۱۰:۷ «من دروازه گوسفندان هستم»

<sup>36</sup> Ford DF (2021) **The Gospel of John: a theological commentary** Baker Academic, Grand Rapids

|             |                              |
|-------------|------------------------------|
| یوحنا ۱۰:۱۱ | «من شبانِ نیکو هستم»         |
| یوحنا ۱۴:۶  | «من راه و راستی و حیات هستم» |
| یوحنا ۱۵:۵  | «من تاک هستم و شما شاخه‌ها»  |



### ژرف‌تر کاویدن کتاب مقدس

در ترم نخست به شیوه‌های خواندن کتاب مقدس پرداختیم و اکنون این بحث را اندکی پیش می‌بریم. برخی روش‌های فهم کتاب مقدس در زیر آمده است:

**سبک نوشتار یا «گونه ادبی»:** تشخیص نوع ادبی مانند تاریخ، شعر، داستان، نامه، مکاشفه نحوه تفسیر ما را شکل می‌دهند.

**مطالعه زبان:** کتاب مقدس به زبان‌های عبری، آرامی و یونانی نوشته شد. بیشتر ما برای دستیابی به «بهترین ترجمه» به تلاش‌های دیگران تکیه می‌کنیم. این زبان‌ها باستانی هستند، بنابراین درباره اینکه چگونه باید به انگلیسی برگردانده شوند، تا حدی بحث و اختلاف نظر وجود دارد.

**تحلیل نسخه‌ها (متنی):** بخش‌هایی از کتاب مقدس به صورت دستی رونویسی می‌شد و در میان جوامع ایمانی توزیع می‌گردید. تحلیل متنی تلاش می‌کند قدیمی‌ترین نسخه‌ها را شناسایی کند؛ نسخه‌هایی که اصیل‌ترین و نزدیک‌ترین شکل به متن اصلی به شمار می‌آیند.

**تحلیل زمینه‌ای:** این رویکرد می‌کوشد زمینه تاریخی، اجتماعی و فرهنگی‌ای را که متن در آن نوشته شده درک کند. این کار امکان تفسیر متن را از دریچه نگاه نویسنده اصلی و شنوندگان نخستین آن فراهم می‌کند.

**تحلیل یا نقد انتقادی:** نویسندگان اناجیل بیشتر شبیه ویراستاران داستان‌ها و مطالب دیگران هستند. بهترین فرضیه موجود این است که هر دو انجیل متی و لوقا از انجیل مرقس به عنوان یکی از منابع خود استفاده کرده‌اند و تفاوت‌های میان آن‌ها به ما کمک می‌کند تا تأکیده‌های الهیاتی هر کدام را بهتر ببینیم. همچنین نظریه‌ای وجود دارد که می‌گوید منبع مستقلی برای برخی از اناجیل هم‌نوا وجود داشته است که پژوهشگران آن را «Q» می‌نامند (از واژه آلمانی Quelle به معنای «منبع»).

یوحنا از داستان‌ها به شکلی متفاوت از متی، مرقس و لوقا استفاده می‌کند؛ در واقع او بیشتر از آن‌ها به عنوان پایه‌ای برای آموزش بهره می‌برد. احتمالاً این داستان‌ها در کلیسای اولیه در موقعیت‌های خاصی مانند عبادت یا تعلیم بازگو می‌شدند. آن‌ها تا بیش از ۳۰ سال پس از وقوعشان به شکلی که امروز در اختیار داریم نوشته نشدند، و حتی در آن زمان نیز بیشتر

مردم توانایی خواندن نداشتند و همچنان برای دریافت کلام به «شنیدن» آن وابسته بودند، نه به خواندنش. این وضعیت برای اکثریت بسیار بزرگی از پیروان مسیحی در طول دو هزار سال گذشته نیز ادامه داشته است.

در نهایت، ویراستاران نیز چیزی از خودشان را در شکل نهایی متن وارد کردند؛ درست همان گونه که یک سردبیر روزنامه ممکن است در گزارشی دخل و تصرف کند و توجه را به سمت خاصی سوق دهد. این فرایند «**ویرایش انتقادی**» نامیده می‌شود.

**نقد یا تحلیل روایی:** این رویکرد در تلاش است تا ببیند که راوی چه چیزی را می‌خواهد بیان کند، شنوندگان اولیه چه برداشتی ممکن است داشته باشند، و این متن امروز چگونه با ما سخن می‌گوید—به‌ویژه از آن جهت که ما نیز با پیش‌فرض‌ها و برداشت‌های قبلی خود به سراغ متن می‌رویم.

و البته رویکردهای بیشتری هم وجود دارند! **رویکردهای علوم اجتماعی** از جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی برای درک بهتر متون استفاده می‌کنند. **نقد بلاغی** به این می‌پردازد که نویسنده چگونه مطالب را نوشته یا سامان داده است تا خواننده را متقاعد کند؛ این کار بر اساس شیوه‌های بلاغی و فنون سخنوری در دنیای باستان انجام می‌شد که برای اقناع مخاطبان در سخنرانی‌های عمومی به کار می‌رفت. همچنین رویکردهای **ایدئولوژیک** وجود دارند که متون را از دیدگاه‌های ایدئولوژیک خاص بررسی می‌کنند. طبق این دیدگاه‌ها، متن ممکن است از مواضع فکری مشخصی نوشته شده باشد که برخی خوانندگان—برای مثال فقرا یا زنان—را به حاشیه براند.

### مغز چپ در برابر مغز راست

بیشتر رویکردهای فوق از توانایی ما در یادگیری اطلاعات، تحلیل و تفکر منطقی استفاده می‌کند که ما امروزه می‌دانیم عمدتاً توسط نیمکره چپ مغز پردازش می‌شوند. در مقابل، نیمکره راست مغز از همه حواس استفاده می‌کند و توانایی تصویرسازی و تخیل را دارد و از موسیقی و شعر نیرو می‌گیرد. در طول اعصار، کلیسا این «رویکرد سمت راست مغز» نسبت به کتاب مقدس را در اشکال گوناگونی استفاده کرده است: مانند نقاشی و شیشه‌های رنگی کلیساها (و امروزه فیلم و کلیپ‌های ویدئویی)؛ نمایش‌های مذهبی؛ آئین‌های احساسی؛ خواندن آهسته و چندباره متون کتاب مقدس؛ تصور صحنه‌های کتاب مقدس و موسیقی. بنابراین در این دوره تلاش می‌کنیم شما را با یادگیری از طریق نیمکره راست مغز نیز آشنا کنیم.

**خود را جای دیگران قرار دادن:** ما از تخیل خود برای ورود از زوایای مختلف به یک حادثه در کتاب مقدس استفاده می‌کنیم. می‌توانیم خود را به جای شخصیت‌های گوناگون داستان تصور کنیم، یا مانند شنوندگان نخستین آن، یا حتی مانند فردی امروزی که هیچ تجربه‌ای از ایمان ندارد.

**درگیر کردن احساسات:** احساساتی را که هنگام مواجهه با یک بخش از کتاب مقدس در ما به وجود می‌آید تشخیص داده و نام‌گذاری می‌کنیم و سپس آن‌ها را در دعا بررسی می‌کنیم—این احساسات چه چیزی را ممکن است برای ما آشکار کنند؟

**تصویرسازی تخیلی:** به ما کمک می‌کند درباره خودمان تأمل کنیم، معمولاً در چارچوب یک صحنه از کتاب مقدس؛ برای مثال در پای صلیب یا در اتاق بالاخانه.

**تأمل مراقبه‌ای یا فکروانه:** مراقبه‌ای یعنی استفاده از یک متن کتاب مقدس به عنوان نقطه آغاز و اجازه دادن به جریان آزاد افکار؛ واعظان اغلب به همین شکل آماده می‌شوند. فکروانه یعنی تلاش برای تمرکز ذهن معمولاً بر یک کلمه یا عبارت خاص.

گوناگونی این رویکردها نشان می‌دهد که اگر فقط از یک یا دو روش استفاده شود، ممکن است از کتاب مقدس به نادرستی استفاده کنیم زیرا می‌توان متنی پیدا کرد که تقریباً هر عمل، باور یا نگرشی را توجیه کند. بنابراین باید از موارد زیر برحذر باشیم:

- بیرون کشیدن یک آیه از بافت اصلی آن که به این عمل «استنادِ تک‌آیه‌ای» گفته می‌شود
- وارد کردن برداشت‌ها و عناصر فرهنگ خودمان به درون متن کتاب مقدس
- استفاده از کتاب مقدس برای سرزنش یا متهم کردن مردم امروز، برای مثال یهودیان یا نژادهای دیگر
- خودداری از گوش دادن به برداشت‌های دیگر یا فراتر از متن

## بخش سه: تکوین تعالیم مسیحیت

### جلسه ۷ شهادت یوحنا

اهداف: توصیف و بررسی رویکردهای مختلف برای مطالعه عهد جدید

به کارگیری رویکردهای «راست مغزی» در برخی متون انجیل یوحنا

نیایش آغازین

۵ دقیقه

زمانی برای تأمل

۱۵ دقیقه

کاوش در انجیل یوحنا

۳۰ دقیقه

«... نوشته شده تا شاید ایمان آورید که عیسی مسیح، پسر خداست،  
و باشد که به یمن ایمان شما به وی، حیات داشته باشید.»  
یوحنا ۲۰:۳۱

هانس رودی وبر<sup>37</sup> (که سال‌ها مطالعات انجیلی شورای جهانی کلیساها را رهبری می‌کرد) می‌گوید انجیل یوحنا بیش از تحلیل عقلانی، به دعا و مراقبه دعوت می‌کند. این انجیل مکاشفه‌ای از عیسی است، نه صرفاً داستان یا توضیحی درباره او.

#### فعالیت گروهی

به سه گروه تقسیم شوید.

در گروه خود یک ارائه ۵ دقیقه‌ای بر اساس سه تکلیف زیر آماده کنید.

گروه ۱: اعلام پیام — یوحنا ۱۸:۱-۱

این آغاز معروف انجیل یوحنا شبیه دیگر اناجیل نیست و شاید تلاشی باشد برای جذب کسانی که در فلسفه یونانی غوطه‌ورند. لِسلی نیوبیگین در کتاب خود *اعتماد درخور*<sup>38</sup> درباره این بخش چنین می‌نویسد (ص. ۵-۴):

<sup>37</sup> Hans Ruedi Weber

<sup>38</sup> Lesslie Newbigh's 'Proper Confidence'

نویسنده انجیل چهارم با معرفی واژه لوگوس [کلمه] آغاز می‌کند؛ واژه‌ای آشنا برای خوانندگان دنیای مدیترانه شرقی، چه یونانی و چه عبری.

برای گروه نخست، این واژه به موجودیتی غایی و غیرشخصی اشاره داشت که در قلب هرگونه انسجام در کیهان قرار دارد. یک قیاس هندی برای آن می‌تواند واژه دهارما<sup>39</sup> باشد. برای گروه دوم، این واژه به خداوند زنده و شخصی اشاره داشت که به واسطه آن کیهان را آفریده و همچنان آن را نگاه می‌دارد. در این جا با خواننده ارتباط برقرار می‌شود. واژه‌ای آشناست و تقریباً می‌دانیم چه معنایی دارد. اما بلافاصله نویسنده کلماتی به کار می‌برد که هرگونه ارتباط را قطع شدن تهدید کند: «کلمه جسم گردید.» لوگوس با انسانی به نام عیسی یکی دانسته می‌شود؛ همان کسی که نویسنده قرار است داستانش را بازگو کند.

اکنون خواننده دو امکان دارد: می‌تواند کتاب را ببندد؛ زیرا نویسنده ظاهراً مزخرف می‌گوید. در جهان فکری یونانی یا یهودی هیچ راهی وجود ندارد که لوگوس با یک انسان خاص یکی دانسته شود... تا زمانی که الگوهای مرسوم اندیشه یونانی و یهودی برقرار است، این نوشته هیچ معنایی ندارد.

امکان دیگر این است که خواننده ادامه دهد و به گویندگان داستان گوش بسپارد...

تکلیف شما ارائه نسخه‌ای امروزی از این متن است تا نشان دهید عیسی مسیح برای جهان قرن بیست و یکم چه چیزی برای عرضه دارد.

## گروه ۲: خود را جای دیگران گذاشتن — یوحنا ۴: ۱-۲۶

عیسی زن سامری را کنار چاه ملاقات می‌کند. زمینه داستان به ما می‌گوید:

- یهودیان «واقعی» سامریان را بدعت‌گذار و ناپاک می‌دانستند. آنان از هم نفرت داشتند.
- یک زن و یک مرد معمولاً تنها با هم ملاقات نمی‌کنند مگر برای مقصودی شرم‌آور.
- زنی که در نیمروز و در گرمای شدید، به تنهایی برای کشیدن آب می‌آید، یعنی از زنان دیگر طرد شده است و احتمالاً ازدواج‌ها و روابط متعدد او موضوع شایعات محلی بوده است.

وظیفه شما این است که با داستان کاملاً آشنا شوید تا بتوانید آن را بازگویی کنید — منظور، بیان جان داستان است نه نقل دقیق متن. تصور کنید این داستان را برای کمک به سه گروه از مردم تعریف می‌کنید که ممکن است از آن ناراحت شوند، با این هدف که از آن بیاموزند. تلاش کنید بفهمید چرا ممکن است از آن ناراحت شوند:

حواریون نزدیک عیسی

دیگر زنان سامری

کاهنان معبد

بازگویی داستان را با این کار آغاز کنید که اعضای مختلف گروه خود را به جای این گروه‌ها قرار دهند.

<sup>39</sup> dharma

### گروه ۳: تصور روح القدس

از یکی از مجموعه آیات زیر استفاده کنید:

یوحنا ۸-۳: ۳

یوحنا ۴: ۱۴ و ۳۷-۳۹: ۷

یوحنا ۱۵-۷: ۱۶ (یوحنا اغلب منسجم‌ترین آموزه درباره روح القدس را ارائه می‌دهد).

معنا و پیام تعلیمات عیسی را برای شنوندگان آن دوره و این دوره استخراج کنید؛ درباره این نکته گفت‌وگو کنید که چگونه می‌توان روح القدس را «خوش‌آمدگفت» و نیز فکر کنید مردم چگونه احتمال دارد در این زمینه دچار کشمکش و دشواری شوند.

سپس روی کاغذ فیلیپ چارت چند کارتون ساده طراحی کنید تا برخی از این «پذیرش‌ها/کشمکش‌ها» را نشان دهد. حباب‌های گفت‌وگو و حباب‌های فکر را به آن‌ها اضافه کنید. لازم نیست اثر هنری باشد؛ هدف این است که چگونگی آمدن روح القدس را خلاصه‌وار نمایش دهد.

## استراحت

### ارائه‌ها

۲۰ دقیقه

اندیشیدنِ تخیلی یوحنا ۲۰: ۱۹-۲۳

۲۰ دقیقه

یکی از اعضای گروه می‌تواند این نوع تأمل را بر اساس تمرین‌های قدیس ایگناتیوس لویولا<sup>۴۰</sup> هدایت کند.

- همه را تشویق کنید در وضعیت راحتی بنشینند.
  - متن را آهسته بخوانید.
  - گروه را تشویق کنید چند نفس عمیق بکشند و آرام شوند؛ سپس خود را در آن اتاق تصور کنند: دیدنی‌ها و بوها، و احساساتی که ممکن است در آغازِ متن و در جریانِ داستان تجربه کنند.
  - متن را دوباره بخوانید.
  - ۵ تا ۸ دقیقه سکوت کنید.
  - با یک دعای کوتاه، به آرامی گروه را دوباره کنار هم جمع کنید.
- پس از این تمرین، در گروه‌های دو یا سه نفره بر این موضوع تمرکز کنید که «این تجربه چه حسی داشت.»

### نیایش پایانی

<sup>۴۰</sup> ایگناتیوس لویولا (۱۴۹۵-۱۵۵۶) بنیان‌گذار انجمن عیسی یا یسوعیان بود. او بر استفاده از تخیل و حواس برای تجربه عمیق‌تر از کتاب مقدس تأکید می‌کرد تا از این طریق مسیحیان را به سوی زندگی و معیارهایی شبیه‌تر به مسیح هدایت کند.

## بخش سه: تکوین تعالیم مسیحیت

### جلسه ۸ رشد کلیسای اولیه

#### آماده‌سازی

##### مروری بر عهد جدید

عهد جدید شامل انواع گوناگونی از نوشته‌هاست که می‌توان آن‌ها را به‌طور خلاصه چنین دسته‌بندی کرد:

- نخستین نوشته‌ها – رساله‌ها، نامه‌هایی که به کلیساها در جوامع پراکنده (دیاسپورا) نوشته شده‌اند.
- انجیل‌ها – روایت‌هایی از زندگی عیسی.
- اعمال رسولان – گزارشی از رشد و گسترش کلیسای اولیه.
- مکاشفه – رؤیایی عرفانی که بر قدیس یوحنا آشکار شد.

این روایت‌ها برای افرادی مشخص، در مکان‌هایی مشخص، در زمان‌های مشخص و با اهداف مشخص نوشته شده‌اند. خواندن رساله‌ها شبیه آن است که نیمی از یک مکالمه تلفنی را گوش بدهیم؛ مکالمه‌ای که در آن باید حدس بزنیم در آن سوی خط چه گفته شده است. با این حال، این کتاب‌ها الهیات و تعالیم مسیحی را شکل داده‌اند و همچنان نیز می‌کنند. هنگامی که متون عهد جدید را تفسیر می‌کنیم، می‌توانیم بیندیشیم که چه چیزهایی ویژه خوانندگان اولیه بوده و چه چیزهایی برای همه شاگردان در همه زمان‌ها کاربرد دارد — و ممکن است در این باره به نتایج متفاوتی برسیم.

این هفته توجه خود را به کتاب «اعمال رسولان» معطوف می‌کنیم؛ کتابی که مطالبی دربارهٔ مردم، فرهنگ و مسائلی که کلیسای اولیه با آن روبه‌رو بوده، و نیز دربارهٔ شکل‌گیری آموزه‌های مسیحی به ما می‌گوید.

کتاب سیرهٔ رسولان را ورق بزنید و به برخی از داستان‌ها، اشخاص و اماکن ذکر شده در آن توجه کنید.

خلاصه‌ای از برخی رویدادهای مهم در رشد کلیسای مسیحی را تهیه و آن را در کادر زیر یادداشت نمایید.

پروژه کتاب مقدس – ویدئوی «مروری بر کتاب اعمال رسولان» را تماشا کنید

اعمال رسولان باب ۲ را بخوانید.

زمانی را صرف تأمل بر رویدادهای مندرج در این متن بکنید.

چه کلمات، عبارات یا افکاری به ذهن شما خطور می‌کند؟

پیام‌های اصلی این بخش برای کلیسای امروز چیست؟



وقتی اصطلاح «کلیسای اولیه» را می‌شنویم، شاید به‌سادگی تصور کنیم که تنها یک الگوی واحد برای «کلیسا بودن» وجود داشته است. اما چنین نیست. قُرنتس... فیلیپی... سمیرنا... لائودیکیه... هر کدام مکان‌هایی متفاوت بودند با کلیساهایی که شیوه‌های خاص خود را داشتند. در سراسر دوران عهد جدید، کلیسا همان‌قدر متنوع و گوناگون بود که کلیسای امروز.

در استفاده از عهد جدید به عنوان منبع تعالیم مسیحی، دو مسئله برای ما وجود دارد. نخست، ماهیت خود عهد جدید است: این کتاب اساساً به عنوان یک مجموعه واحد و با هدف مشخص تدوین الهیات نوشته نشده است. بلکه مجموعه‌ای از نوشته‌هاست که برخی از آن‌ها مانند انجیل لوقا برای تکمیل کاستی‌های پیشین نگاشته شده‌اند (مقایسه کنید با لوقا - ۱: ۴ و سیره ۴-۱: ۱). افزون بر این، بسیاری از این نوشته‌ها از زمینه‌ها و موقعیت‌های بسیار متفاوتی برخاسته‌اند یا حتی در آن زمینه‌ها و موقعیت‌های بسیار متفاوتی نوشته شده‌اند و برخوردهای بسیار متفاوتی از «مسیح برخاسته از مرگ» را بیان می‌کنند.

مسئله دوم زبان و فرهنگ است. این دو به طور لاینفکی به هم پیوند خورده‌اند: زبان فرهنگ ما را شکل می‌دهد و فرهنگ ما نیز زبان ما را شکل می‌دهد — بنابراین اگر چیزی را به زبان دیگری ترجمه کنیم، ممکن است همه چیز تغییر کند.

نمونه‌ای از این موضوع، واژه انگلیسی «talent» است. این واژه چه معنایی دارد؟ بریتانیا «آن را دارد» — اما آن چیست؟ در فرهنگ امروزی ما، این واژه به معنای مهارت است، ترجیحاً مهارتی که قابل عرضه در بازار باشد. اما در ترجمه نسخه کینگ جیمز (KJV) این واژه به معنای یک شمش بزرگ نقره بوده است (مقایسه کنید با خروج ۲۵:۳۹ و متی ۲۵:۱۵). در واقع واژه انگلیسی «talent» از همین ترجمه KJV آمده است (یا دقیق‌تر بگوییم از ترانویسی آن — یعنی نوشتن واژه‌ای از زبانی با خط متفاوت به خط زبان خود). واژه یونانی «talanton» صرفاً به یک واحد بزرگ پولی اشاره دارد. اما واعظان در طول زمان این مثل را به استفاده از مهارت‌ها و مواهب در راه خداوند تعبیر کرده‌اند، به گونه‌ای که واژه «talent» به همین معنا در زبان رایج تبدیل شده است.

### وحدت و تنوع در عهد جدید

پروفسور جیمز دان<sup>41</sup> در کتابی با همین عنوان (انتشارات اس‌سی‌ام در سال ۱۹۷۷ و بعدها تجدید چاپ شده) چنین اظهار می‌دارد:

«... وقتی می‌پرسیم... چه چیزی هم عامل وحدت و هم وجه ممیز مسیحیت قرن اول است، رشته وحدت بخش بارها و بارها به مسیح و تنها مسیح محدود می‌شود. به محض آنکه از آن فراتر می‌رویم و می‌کوشیم آن را در قالب کلمات یا عمل بسط دهیم، تنوع به همان اندازه وحدت برجسته می‌شود. و هرچه بیشتر تلاش کنیم چیزهایی به آن بیفزاییم، بیشتر خود را در میان مشاجرات و مجادلات گرفتار می‌کنیم.» (ص. ۳۷۱ به بعد)

در کلیسای اولیه، در زمینه اجتماعی و فرهنگی پیرامون نخستین مؤمنان، شکاف‌های بزرگی وجود داشت، از جمله:

- آیا آنان یهودی بودند یا غیریهودی؟
- اگر یهودی بودند، آیا پیرو سنت‌های محافظه کارانه بودند یا لیبرال‌تر (فریسیان یا صدوقیان)؟
- اگر غیریهودی بودند، آیا پیرو سنت‌های غربی فلسفه یونانی و رومی بودند یا پیرو سنت‌های شرقی ادیان سیری و التقاط گرایی دینی؟
- آیا برده بودند یا آزاد؟
- رومی بودند یا یونانی؟
- مرد بودند یا زن؟

<sup>41</sup> James Dunn

با توجه به این پیچیدگی، چندان نمی‌بایست از تنوع موجود در عهد جدید شگفت‌زده شد، و بنابراین هنگام استفاده از آن برای تدوین یا تشریح تعالیم مسیحی باید با دقت بسیار عمل کنیم.

دان برخی ویژگی‌های مشترک مسیحیت عهد جدید را چنین برمی‌شمارد:

- یک «پیشنهاد» مشترک متشکل از بخشش، نجات و روح‌القدس
- توحید
- سنتی مشترک درباره عیسی
- استفاده از کتب مقدس یهود، با این دیدگاه که مسیحیت تحقق وعده‌های اسرائیل است
- تعمید به نام عیسی
- وعده غذایی مشترک برای یادبود او
- تجربه شخصی از روح‌القدس
- محبت به همسایه به عنوان نشانه محبت به خدا
- احتمال قریب‌الوقوع بودن پارتوسیا (بازگشت دوم مسیح)

اما او دوباره تأکید می‌کند که رشته اصلی وحدت‌بخش، مسیح مصلوب و برخاسته از مرگ بود.

به‌طور خلاصه، نحله‌های کاریزماتیک، کاتولیک، انجیلی محافظه‌کار، لیبرال و جنبش‌های نوگرای کلیسایی را می‌توان در لابلای صفحات عهد جدید یافت.

## زبان

عهد جدید به گونه‌ای از زبان یونانی نوشته شده است که به آن «یونانی متداول» گفته می‌شود؛ نوعی یونانی ساده‌شده که همان‌قدر با زبان یونانی افلاطون و ارسطو تفاوت دارد که انگلیسی امروزی با زبان شکسپیر متفاوت است. این یونانی متداول، زبان روزمره امپراتوری روم بود. بنابراین، به محض آنکه کتاب مقدس را به زبان خود ترجمه می‌کنیم، نه تنها وارد کار ترجمه می‌شویم، بلکه تفسیر را نیز آغاز کرده‌ایم. این امر به این معناست که ناخواسته شروع می‌کنیم به ساختن پیش‌فرض‌های الهیاتی و فرهنگی خودمان درباره متن؛ و فارغ از اینکه تا چه اندازه از این امر بخواهیم احتراز کنیم، این پیش‌فرض‌ها را به درون متن منتقل می‌کنیم.

علاوه بر این، یونانی عهد جدید، زبان عیسی و شاگردان نخستین او نبود—یونانی موجود در عهد جدید خود در واقع ترجمه‌ای است، هم از نظر زبان و هم از نظر فرهنگ. عیسی و شاگردانش به زبان آرامی سخن می‌گفتند. آرامی زبان امپراتوری آشوریان بود که از حدود ۷۰۰ تا ۳۲۰ پیش از میلاد بر خاور نزدیک تسلط داشتند.

زبان آرامی در کتاب مقدس نیز دیده می‌شود؛ بخش‌هایی از عزرا و دانیال به آرامی نوشته شده‌اند و چند واژه از آن نیز در عهد جدید باقی مانده است. نوشته‌ای که در ضیافت پلُسَصَر بر دیوار ظاهر شد نیز به آرامی بود. در میان طومارهای بحرالْمَیّت—که بقایای کتابخانه یک فرقه یهودی متعلق به حدود آغاز عصر میلادی هستند—آثار فراوانی به زبان آرامی وجود دارد. این متون تازه همچنین درباره زبان آرامی فلسطینی - از همان نوعی عیسی و شاگردانش به آن تکلم می‌کردند - بهترین مثال‌ها و شواهد را در اختیار ما قرار می‌دهند.

از آنجا که یهودیان به زبان آرامی سخن می‌گفتند و آشنایی با زبان عبری دیگر رایج نبود، در کنیسه‌ها این رسم پدید آمد که هنگام خواندن متون مقدس عبری، بازگویی یا ترجمه‌ای از آن به زبان آرامی نیز ارائه شود که به آن «ترگوم<sup>42</sup>» می‌گفتند. به مرور زمان، مجموعه گسترده‌ای از این ترگوم‌ها برای تورات و بخش‌های دیگر کتاب مقدس تدوین شد. این‌ها صرفاً ترجمه نبودند، بلکه حاوی بخش زیادی از تفسیر سنتی یهود از کتاب مقدس بودند.

با وجود اینکه عیسی به زبان آرامی سخن می‌گفت، اناجیل به زبان یونانی نوشته شده‌اند و فقط در موارد نادری خود واژه‌های آرامی نقل شده‌اند. اگر به ارجاعات زیر نگاه کنید، واژه‌هایی را خواهید یافت که از زبان اصلی عیسی در عهد جدید ما باقی مانده است.

### ترجمه انگلیسی

### واژگان آرامی

### منبع

مرقس ۵:۴۱

مرقس ۷:۳۴

مرقس ۱۴:۳۶

رومیان ۸:۱۵

غلاطیان ۴:۶

اول قرن‌تین ۱۶:۲۲ (برای دیدن واژه آرامی

نیاز به نسخه کینگ جیمز دارید!)\*

و یک واژه عبری در مرقس ۷:۱۱

\* واژه اصلی تقریباً به‌طور قطع در متن اولیه پولس دو واژه بوده است (فقط یک متن باستانی آن را به صورت یک واژه نوشته است، که در آرامی امکان‌پذیر است). اما این دو واژه کدام‌اند؟ اگر حرف «a» سوم از واژه اول به واژه دوم منتقل شود (maran atha)، معنا از زمان آینده به زمان گذشته تغییر می‌کند؛ هر دو معنا درست‌اند، اما بسیار متفاوت از هم. اگر فرض کنیم این عبارت پشت متن مکاشفه ۲۲:۲۰ درج شده است، تقریباً به یقین زمان آینده مد نظر است؛ در این صورت این عبارت یک دعا است، نه بیانی از یک واقعیت.

<sup>42</sup> Targum

## بخش سه: تکوین تعالیم مسیحیت

### جلسه ۸ رشد کلیسای اولیه

**اهداف:** بررسی نحوه ترجمه «خبر خوش درباره عیسی» در روزگار حواریون و پس از آنان

بررسی چیزهایی که ممکن از دست‌شان داده باشیم و چیزهایی که ممکن است به دست‌شان آورده باشیم

اندیشیدن به اینکه این موضوع چگونه بر زندگی و مأموریت ما و کلیسای این دوره و زمانه تأثیر می‌گذارد

۵ دقیقه

نیایش

۱۵ دقیقه

زمانی برای تأمل

۳۰ دقیقه

بررسی اعمال رسولان

- درباره نویسنده کتاب «اعمال رسولان» چه می‌دانیم و هدف وی از نوشتن آن چه بود؟
- نگاهی سریع به کتاب «اعمال رسولان» بیندازید و فهرستی از برخی داستان‌های آن تهیه کنید.
- کدام یک از داستان‌ها توجه شما را به خود جلب کرد و چرا؟

استیون تراویس در کتاب «آشنایی مقدماتی با عهد جدید»<sup>43</sup> می‌گوید کتاب «اعمال رسولان» به شش بخش تقسیم می‌شود:

۶:۷ – ۱:۱ کلیسای اولیه در اورشلیم

۹:۳۱ – ۶:۸ رشد کلیسا در سامره و فراتر از آن

۱۲:۲۴ – ۹:۳۲ نخستین بشارت به غیریهودیان در فلسطین و سوریه

۱۶:۵ – ۱۲:۲۵ سفرهای تبلیغی پولس به قبرس و آسیای صغیر

۱۹:۲۰ – ۱۶:۶ پولس خبر خوش را به اروپا می‌برد

۲۸:۳۱ – ۱۹:۲۱ آخرین سفر پولس به روم

در گروه‌های دو نفره، درباره برخی از مبلغان متقدم مسیحی تحقیق کنید:

پطرس ۱۷-۱۴، ۸-۱: ۲

استیفان ۵۱-۵۶، ۷، ۱-۶: ۶

<sup>43</sup> Stephen Travis's Starting with the New Testament

فیلیپس ۳۸-۴۰، ۳۲-۲۶: ۸، ۵-۴: ۸

شائول ۱۹-۲۲، ۸-۳: ۹، ۳: ۸

لیدی ۴۰، ۱۵-۱۲: ۱۶ (تاسیس کلیسای فیلیپی)

هر گروه گزارش کوتاهی درباره شخصیت مورد بررسی ارائه دهد.

به طور خلاصه، نکات زیر حائز اهمیت اند:

۱. تا به این زمان تقریباً همه مبلغان هنوز یهودی هستند.
۲. رشد خدمت و ماموریت کلیسا همیشه طبق برنامه پیش نمی‌رود.
۳. میان یهودیان نیز تفاوت‌هایی وجود داشت: یهودیان یونانی‌زبان، بومی و سامری (بدعت‌گذار)
۴. نشانه‌هایی از تنش درباره پذیرش غریبه‌ها در کلیسا در حال شکل‌گیری بود؛ موضوعی که در ادامه بیشتر بررسی می‌کنیم.

## استراحت

رشد و گسترش کلیسا

۳۰ دقیقه

### فعالیت گروهی

#### گروه ۱ — مطالعه اعمال رسولان فصل ۱۰

این داستان را ابتدا از دیدگاه پطرس و سپس از دیدگاه کرنیلیوس بررسی کنید. تجربیات، احساسات و درک آنها قبل، حین و بعد از دیدارشان چگونه می‌توانسته باشد؟

#### گروه ۲ — مطالعه اعمال رسولان ۱۲: ۱-۱۵

این روایت را از دو دیدگاه مسیحیان یهودی و مسیحیان غریبه‌ها بررسی کنید.

برای مسیحیان یهودی ممکن است بخواهید به این آیات توجه کنید:

پیدایش ۱۴-۹: ۱۷، یوشع ۹-۲: ۵، متی ۲۰-۱۷: ۵

برای مسیحیان غریبه‌ها ممکن است بخواهید به این آیات توجه کنید:

تثیه ۱۲-۱۸: ۱۰، ارمیا ۳۴-۳۱: ۳۱، متی ۱۲-۷: ۱۲ و غلاطیان ۵-۱: ۳، ۱۲: ۵

جمع‌بندی

هر گروه می‌تواند دربارهٔ یافته‌های خود اظهار نظر کند.

### مناسبت موضوع با زمانهٔ ما

۲۰ دقیقه

برخی از موارد افتراقی که کلیسا امروزه با آن روبروست کدامند؟

از چه نظر این رخدادهای «تصمیم‌گیری» با آنچه در کتاب اعمال رسولان دربارهٔ ماموریت یا جنبش‌های کلیسا آمده تشابه یا تفاوت دارند؟

### نیایش پایانی

۵ دقیقه

ای عیسی خداوند، که دعا کردی همهٔ ما یکی باشیم،  
از تو برای وحدت مسیحیان دعا می‌کنیم،  
بر اساس ارادهٔ تو،  
بر اساس امکانات تو.

باشد که روح تو ما را قادر سازد  
رنج حاصل از تفرقه را تجربه کنیم،  
گناه خود را ببینیم  
و به امیدی فراتر از هر امیدی دل ببندیم.  
آمین.  
نوشتۀ «جامعهٔ راه نو»<sup>44</sup>

نگاهی به پیش‌رو: آماده‌سازی جلسهٔ بعد

۵ دقیقه

---

<sup>44</sup> Chemin Neuf Community

## بخش سه: تکوین تعالیم مسیحیت

### جلسه ۹ پولس، انجیل زنده

#### آماده سازی

##### از سائول تا پولس

سائول از خانواده‌ای یهودی بود که در شهر طرسوس، واقع در جنوب شرقی ترکیه امروزی، زندگی می‌کردند. خانواده او در کار ساخت چادر بودند، احتمالاً برای ارتش روم. طرسوس شهری یونانی زبان بود، اما از نظر فرهنگی بیشتر رنگ و بوی شرقی داشت. سائول شهروند روم بود؛ احتمالاً آن را از پدرش به ارث برده بود که ممکن است خود شهروندی روم را به دست آورده یا در ازای خدماتش به امپراتوری روم به او اعطا شده باشد. او در اورشلیم نزد خاخام گمالیئیل تعلیم دید و از فرقه فریسیان بود.

##### اعمال رسولان ۲۲-۱: ۹ را بخوانید

مدتی را صرف تأمل در این داستان کنید.

سائول بعدها به پولس شهرت یافت؛ نامی که از واژه‌ای لاتینی به معنای «کوچک» مشتق شده است. ممکن است او برای ماموریت خود در میان غیریهودیان، نامش را به شکلی رومی‌تر تغییر داده باشد؛ یا شاید این نام یک لقب بوده، یا اینکه بسته به موقعیت از نام‌های متفاوتی استفاده می‌کرده است.

پس از ایمان آوردن پولس، او مدتی را با شاگردان در انطاکیه و اورشلیم گذراند، پیش از آنکه به میان یهودیان آواره در سراسر امپراتوری روم فرستاده شود. پولس سفرهای بسیاری کرد و به نظر می‌رسد در آغاز، در هر شهری که وارد می‌شده، تمرکز خود را بر موعظه کردن یهودیان محلی می‌گذاشته است؛ سپس در همان مکان‌ها کلیساهایی تأسیس می‌کرد که از پیروان یهودی و غیریهودی تشکیل می‌شدند. پولس بارها به کلیساهایی که خود بنا نهاده بود بازمی‌گشت و از طریق نامه‌هایش با آنها در ارتباط می‌ماند. در دیدارها و نامه‌هایش، پولس اغلب به مشکلاتی می‌پرداخت که در این کلیساهای تازه تأسیس و پیچیده به وجود می‌آمد. همه نامه‌های او تا امروز باقی نمانده‌اند، بنابراین آنچه در اختیار داریم تنها تصویری کوتاه از برخی مسائل و چالش‌هایی است که این جوامع با آنها دست و پنجه نرم می‌کردند.

##### پولس و نامه‌هایش

لطفاً پیوست ۴ برگرفته از «آشنایی مقدماتی با عهد جدید» صفحات ۲۳۱-۲۳۰ را بخوانید.

##### نامه نخست پولس به قرنتیان

پروژه کتاب مقدس - ویدیوی مروری بر «اول قرنتیان» را تماشا کنید.

##### دیدار پولس

ما صرفاً به‌عنوان افراد جدا از هم به سراغ کتاب مقدس نمی‌رویم، بلکه به‌عنوان اعضای کلیسای محلی خود نیز آن را می‌خوانیم. اگر پولس به کلیسای شما می‌آمد، به نظر شما چه چیزهایی را برای نوشتن می‌یافت؟ از چه چیزهایی به وجد می‌آمد و چه چیزهایی را به چالش می‌کشید؟

از این موارد به وجد می‌آمد...

این موارد را به چالش می‌کشید...



می‌توانید پیوست ۵ با عنوان «درگیری در قرن‌تس» را در صفحات ۲۳۳-۲۳۲ مطالعه کنید.

## بخش سه: تکوین تعالیم مسیحیت

### جلسه ۹ پولس، انجیل زنده

اهداف: توصیفِ مأموریتِ پولس رسول در جامعهٔ مسیحی قرنِس، تشخیصِ خدمتِ شبانی و تعلیمی او و به‌کارگیریِ آن در این زمانه

بازنگریِ این‌که «کتاب مقدس برای ما چه حکمی دارد» و سهیم شدن در انجیل

نیایش آغازین ۵ دقیقه

زمانی برای تأمل ۱۰ دقیقه

#### پولس و کلیسای قرنِس — ۴۰ دقیقه

شاید بدانید که هر دو کتاب مقدس «خبر خوش» و کتاب مقدس «اورشلیم» برای کمک در خواندن دربردارنده سرفصل‌هایی هستند. این تقسیم‌بندیِ اول قرنِتیا بر اساسی آن‌هاست:

|                                                   |                 |
|---------------------------------------------------|-----------------|
| مقدمه و برکات                                     | ۱-۹:            |
| تفرقه در کلیسا                                    | ۱۰-۱۶:          |
| حکمتِ راستینِ مسیحِ مصلوب و حکمتِ دروغین          | ۱۷-۲:           |
| خدمتِ مشترک                                       | ۱۷-۳:           |
| خادمان، نه خودبزرگ‌بینان                          | ۱۸-۴:           |
| بی‌اخلاقی در کلیسا                                | ۱۲-۲۰: ۱-۱۳: ۵: |
| شکایات حقوقی در میانِ مسیحیان                     | ۱۱-۶:           |
| ازدواج، پرهیز و زیستن مطابق فرمان خدا             | ۱-۴۰: ۷:        |
| خوردنِ خوراکِ تقدیم‌شده به بت‌ها و برادرانِ ضعیف  | ۱-۱۳: ۸:        |
| حقوق و وظایفِ پولس به‌عنوان رسول                  | ۱-۲۷: ۹:        |
| هشدارها و درس‌هایی از تاریخ اسرائیل               | ۱-۱۱: ۱۰:       |
| رفتارِ زنان در عبادت (همچنین ۳۳-۳۵: ۱۴ را ببینید) | ۲-۱۶: ۱۱:       |
| شام خداوند: خصیصه و شکل                           | ۱۷-۳۴: ۱۱:      |

۱۲-۱-۳۱ عطایای از روح القدس و تمثیل بدن

۱۴-۱-۴۰ سرود محبت

۱۴-۱-۴۰ سامان‌دهی عطایای روح القدس

۱۵-۱-۵۸ رستاخیز مردگان

۱۶-۱-۲۴ جمع‌آوری کمک برای هم‌کیشان مسیحی و سلام و تحیت

### فعالیت گروهی

به لیستی از موارد وجدآمیز یا چالش‌برانگیز که در بخش آماده‌سازی تهیه کردید و بعد از آن به لیست مربوط به اول قرن‌تین نگاهی بیندازید - مواردی که در هر دو لیست به آن‌ها اشاره شده را انتخاب کنید. سپس به چند گروه تقسیم شوید تا بر روی هر یک از آنها تمرکز کنید.

- تعالیم پولس و دیگر دیدگاه‌های مسیحی در خصوص هر مورد را بررسی کنید.
- یافته‌های خود را با کل گروه در میان بگذارید.

## استراحت

۳۵ دقیقه

بازتفسیر تعالیم کتاب مقدس

ما همه چنین فرض می‌کنیم که برخی از بخش‌های کتاب مقدس قرار نیست به‌طور تحکم‌آمیز در زندگی شخصی و زندگی کلیسای ما به کار گرفته شوند. به‌ویژه برخی مطالب موجود در عهد عتیق، ما دیگر حیوان قربانی نمی‌کنیم، لباس‌های دوخته شده با بیش از یک نوع پارچه را می‌پوشیم، و اگر در خانه‌هایمان به کپک بر بخوریم سراغ کشیش نمی‌رویم. در خصوص برخی مطالب عهد جدید نیز همین‌طور، ما زنان را مجبور به پوشیدن کلاه در کلیسا نمی‌کنیم، و به‌طور کلی نسبت به ازدواج مجدد افراد مطلقه دیدگاهی آزادتر داریم. همچنین امروزه بسیاری از ما به برخی از متون پولس نگاه متفاوتی داریم (متون زیر عمدتاً از ترجمه «خبر خوش» گرفته شده، مگر آنجا که خلاف آن ذکر شده باشد).

مدتی را به صورت فردی صرف خواندن نمونه‌های زیر کنید.

۷:۲۱ «آیا برده بودی وقتی که خدا تو را خواند؟ خب، مهم نیست... در همان وضعی که هنگام خوانده شدن بودی باقی بمان.»

لغو برده‌داری - که هنوز به‌طور کامل از لغو نشده است - امروز یکی از اقدامات بنیادین مسیحی به شمار می‌آید. البته «بذر» لغو برده‌داری (و همچنین آزادی زنان) را می‌توان در آیتی مانند غلاطیان ۲۸-۲۷: ۳ یافت.

۷:۱ «مرد خوب است که ازدواج نکند» یا در ترجمه کتاب مقدس نسخه اورشلیم «مرد خوب است که به زن دست نزند.»

اگر همه قرار بود خوب عمل کنند و نه ازدواج کنند و نه رابطه‌ای داشته باشند، نسل بشر از بین می‌رفت. برخی معتقدند پولس انتظار پایان نزدیک جهان یا بازگشت دوباره مسیح را داشته است؛ بنابراین در چنین شرایطی شاید بهتر بود کسی ازدواج نمی‌کرد (نگاه کنید به ۷:۲۹)، البته ممکن است دلایل شخصی دیگری نیز برای این دیدگاه او وجود داشته باشد.

۹ و ۱۱: «برای زن شرم‌آور است که سر خود را بتراشد یا موهایش را کوتاه کند» (و در ۱۱:۱۴ موی بلند برای مرد ننگ است) زیرا زن برای مرد آفریده شده است.»

این سخنان به‌وضوح به معنای اجتماعی نحوه آرایش موی زنان در زمان پولس مربوط است. با این حال، بسیاری امروز می‌گویند که اصولاً این موضوع ربطی به مرد ندارد!

۳۴-۳۵: ۱۴ «زنان باید در اجتماعات خاموش باشند. اجازه ندارند سخن بگویند، همان‌گونه که شریعت یهود می‌گوید، آنها نباید مسئولیت رهبری داشته باشند. اگر می‌خواهند چیزی بیاموزند، در خانه از شوهران خود بپرسند.» به آیات مشابه نیز نگاه کنید: اول تیموتائوس ۱۱-۱۰: ۲ و همچنین درباره اطاعت زنان از شوهرانشان. (در اول پطرس ۳:۶، افسسیان ۳۳-۲۱: ۵، کولسیان ۳:۱۸).

شرایط به ویژه در دنیای مسیحی غرب تغییر کرده است! اما آیا هنوز راهی وجود دارد که بتوان این متون را همچنان به‌عنوان «کلام خداوند» معنا کرد؟

۹:۶ «کسانی که فاسدند، یا بت می‌پرستند، یا زناکارند، یا همجنس‌گرای منحرف... دزد، طمع‌کار، میگسار، بدگو.» در ترجمه کتاب مقدس نسخه اورشلیم واژه «سودومیت‌ها» به کار رفته است، که به متجاوزان جنسی مهمان‌ستیز اشاره دارد. ترجمه نسخه استاندارد تجدید نظر شده جدید کتاب مقدس از عبارت «فاحشه‌های مرد و سودومیت‌ها» استفاده می‌کند.

### چه چیزهایی ما را در تفسیر کتاب مقدس راهنمایی می‌کند؟

در مثال‌های فوق، هر یک از موارد زیر چه نقشی در تفسیر دارند؟

- تحلیل متنی و ترجمه
- نقد (یا تحلیل) منبع، شکل و ویرایش
- تحلیل زمینه‌ای
- تغییرات فرهنگی در ارزش‌ها و هنجارها (برای مثال: در دسترس بودن روش‌های پیشگیری از بارداری)
- تغییرات اقتصادی، مانند اینکه زنان بتوانند عهده‌دار امرار معاش خود باشند
- نقاط کور پولس
- نقاط کور ما
- توازن الهیاتی میان شریعت، انجیل و آزادی — چه چیزی ضروری است و چه چیزی ضروری نیست؟

۱۰ دقیقه

اکنون نگاه شما به کتاب مقدس چگونه است؟

کتاب مقدس در نظر شما چگونه است؟

در زیر چند تصویر پیشنهادی آمده است — کدام یک مفید هستند؟ آیا می‌توانید تصویر بهتری ارائه دهید؟

- نقشه
- نقاشی دیواری
- جعبه ابزار
- چشمهٔ آب نوشیدنی
- آینه
- مقررات استفاده از بزرگراه‌ها
- کتاب دستور آشپزی
- نت موسیقی
- قطب‌نما
- بازجو

دعای پایانی

## بخش سه: تکوین تعالیم مسیحیت

### جلسه ۱۰ ایمان، کلیسا و جهان

#### آماده‌سازی

ما اکنون به جلسه پایانی دوره «سیری در ایمان» رسیده‌ایم و تلاش خواهیم کرد برخی از نکات آموخته‌های خود را به هم گره بزنیم. اما قبل از آن کمی درباره کلیسا فکر خواهیم کرد.

تعالیم (هر آنچه ما درباره چیزی باور داریم) مربوط به کلیسا اصطلاحاً *إکسیولوژی* نامیده می‌شود؛ اصطلاحی که از واژه یونانی *ekklesia* گرفته شده است. در یونان باستان، *ekklesia* به معنای مجمع شهروندان یک دولت-شهر خاص بود. این واژه از دو بخش تشکیل شده است: *ek* به معنای «از میان» و *kaleo* به معنای «فراخواندن» است؛ به طور خلاصه، به معنای اجتماعی از مردمی است که از میان گروهی به سمت گروهی دیگر فراخوانده شده‌اند.

چند فراز از آیات زیر را بخوانید و به حرف‌شان درباره کلیسا تأمل کنید.

➤ اعمال رسولان ۴۷-۴۲: ۲

➤ افسسیان ۲۲-۱۱: ۲

➤ افسسیان ۱۶-۱: ۴

➤ کولسیان ۱۷-۱۲: ۳

➤ اول پطرس ۱۰-۴: ۲

افکار خود را در کادر زیر یادداشت کنید.

به گفته آلیستر مک گرث<sup>45</sup>، اتفاق نظر درباره کلیسا در پنج قرن نخست تاریخ مسیحیت شامل عناصر زیر بوده است:

<sup>45</sup> McGrath A (2001) **Christian Theology: an introduction** Blackwell Publishing Oxford

1. کلیسا جامعه‌ای روحانی است که به عنوان قوم خدا در جهان، جایگزین اسرائیل می‌شود.
2. همهٔ مسیحیان در مسیح یکی می‌شوند، با وجود تفاوت در خاستگاه‌ها و پیشینه‌هایشان.
3. کلیسا گنجینهٔ تعالیم واقعی مسیحی است.
4. کلیسا مؤمنان سراسر جهان را گرد هم می‌آورد تا آنان بتوانند در ایمان و پارسایی رشد کنند.

آیا از نظر شما چیزی در این فهرست کم است؟

عناصر اساسی کلیسا از دیدگاه شما چه چیزهایی هستند؟

در بیشتر اکسیولوژی متاخر، هرگونه جدایی میان امور «دنیوی» و «مقدس» رد می‌شود. خدا همان قدر در جهان حضور دارد که در کلیسا.

ایگناتیوس انطاکیه اعلام کرد: «هر جا که مسیح هست، همان جا کلیسای کاتولیک هم هست.»

### آیین‌های مقدس کلیسا

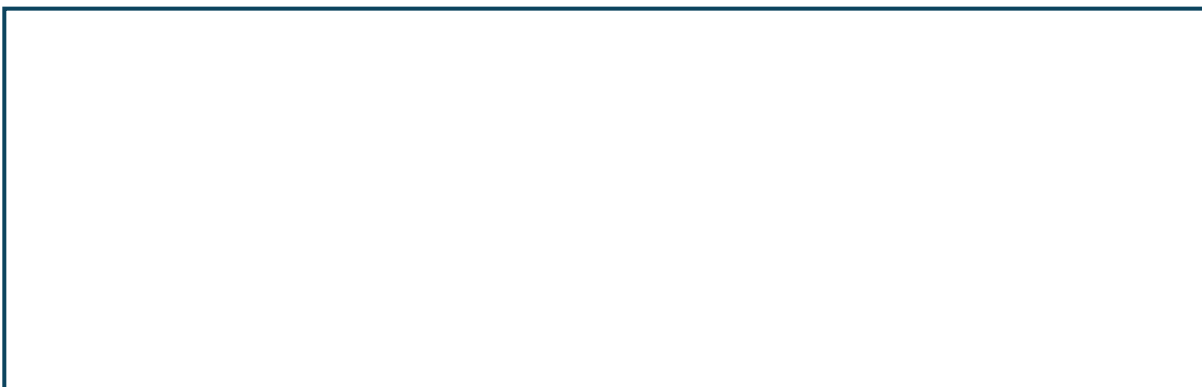
از یک منظر آیین مقدس یعنی «نشانه‌ای دیدنی از فیضی نادیدنی». دو آیین مقدسی که در کلیسای انگلیکانی به رسمیت شناخته می‌شوند عبارت‌اند از:

- عشاء ربانی — که با نام‌های قُدّاس، شام خداوند، یا عشاء مقدس نیز شناخته می‌شود.
- تعمید

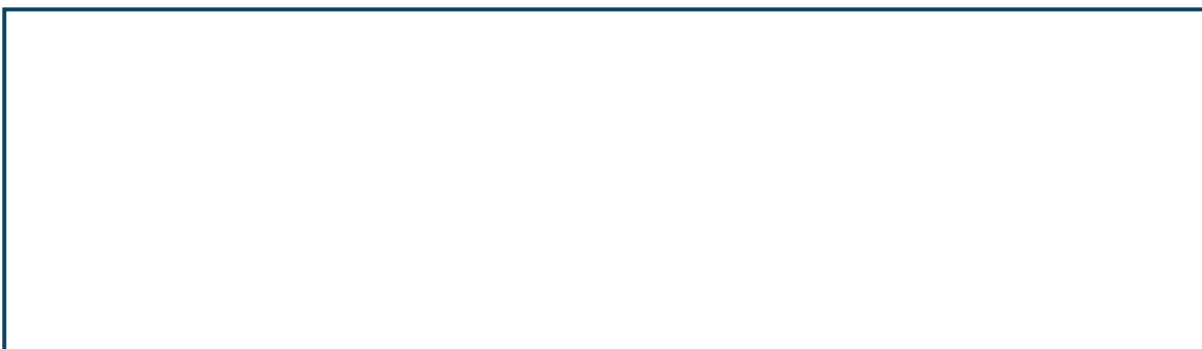
این آیین‌های مقدس برای شما چه معنایی دارند؟



عشای ربانی در کلیسای شما چه نقشی دارد؟



تجربه شما از عشای ربانی چیست؟



گرد آمده و فرستاده شده

بار دیگر به به واژه یونانی *ekklesia* برمی گردیم. در معنای آن این احساس وجود دارد که کلیسا هم مکانی برای گردهم آمدن است و هم مکانی برای فرستاده شدن. گرد آمدن برای عبادت، دعا، زندگی به عنوان جامعه‌ای از شاگردی متقابل جایی که در آن ایمان رشد می‌کند و مواهب آشکار می‌شوند. همچنین مکانی است که از آنجا مؤمنان فرستاده می‌شوند تا ایمان خود را در جهان بیرون به کار گیرند.

متی ۱۳-۱۶: ۵ را بخوانید.

این آیات به شما چه می‌گویند؟



#### اعتقاداتنامه‌ها

اورتودکسی (راست‌آیینی) کلیسا در اعتقاداتنامه‌ها بیان شده است. نگاهی به اعتقاداتنامه‌ها در پیوست ۶ ببیندازید. ممکن است برخی از آن‌ها برای شما کمتر آشنا باشند.

آیا در طول دوره «سیری در ایمان»، درک شما از این اعتقاداتنامه‌ها تغییر کرده است؟

## بخش سه: تکوین تعالیم مسیحیت

### جلسه ۱۰ ایمان، کلیسا و جهان

اهداف: درک معنای شاگردی

تأمل دربارهٔ کلیسا به عنوان مکانی برای گرد آمدن و فرستاده شدن.

#### نیایش آغازین

ای عیسی، وقتی فرضیات ما به چالش کشیده می‌شوند یا روایات ما دگرگون می‌گردند، به ما کمک کن در میان این ناراحتی بمانیم و برای رسیدن به درک بهتر، عمیق‌تر کندوکاو کنیم.

وقتی احساسات ما شدید می‌شوند، به ما کمک کن نفس بکشیم، و باشد که همین نفس فضایی ایجاد کند تا بتوانیم گوش دهیم — حتی اگر موافق نباشیم. آمین.

(برگرفته از جامعهٔ گرمیلا - تأملات عید ظهور مسیح، ژانویه ۲۰۲۲)

۱۵ دقیقه

#### زمانی برای تأمل

۱۵ دقیقه

#### نشانه‌های شاگردی

از ما مسیحیان خواسته شده تا شاگرد باشیم — پیروان عیسی که همواره در طلب یافتن حقایق بیشتری درباره وی هستند، بیشتر به او تأسی کنند، و به دیگران کمک کنند تا او را بیشتر بشناسند.

با هم، روی یک فیلیپ‌چارت فهرستی تهیه کنید از عناصر کلیدی که می‌تواند نشانه‌های یک شاگرد مسیحی در زمان حاضر باشد. سپس تلاش کنید آن‌ها را در ۷ نشانه خلاصه کنید.

۱۰ دقیقه

#### هزینهٔ شاگردی

با هم بخوانید: مرقس ۳۸-۳۱: ۸

«آنگاه شروع کرد به تعلیم دادن آنان که «پسرانسان» باید رنج بسیار بکشد و از سوی مشایخ، سران کاهنان و کاتبان طرد شود و کشته گردد و پس از سه روز دوباره برخیزد. او این سخنان را آشکارا می‌گفت. پس پطرس او را به کناری برد و زیان به ملامت او گشود. اما او برگشت و با نگاه به حواریونش، پطرس را سرزنش کرد و گفت: «از من دور شو، ای شیطان! زیرا تونه به امور الهی بلکه به امور انسانی می‌اندیشی.»

سپس جمعیت را همراه با حواریون خود فراخواند و به آنان گفت: «اگر کسی می‌خواهد از پیروان من باشد، باید خود را انکار کند، صلیب خود را بردارد و در پی من باشد. زیرا هر که بخواهد جان خود را حفظ کند، آن را از دست

خواهد داد؛ اما هر که جان خود را به خاطر من و به خاطر انجیل از دست بدهد، آن را نجات خواهد داد. انسان را چه سود اگر تمام جهان را به چنگ آورد ولی جان خود را از دست بدهد؟ انسان چه چیزی می‌تواند در عوض جان خویش بدهد؟ هر که در این نسل زناکار و گناهکار از من و از سخنان من شرم داشته باشد، «پسر انسان» نیز وقتی با جلال پدر خود همراه با فرشتگان مقدس می‌آید از او شرم خواهد داشت.»

پس از تأمل دربارهٔ این آیات، آیا چیزی هست که بخواهید به نشانه‌های شاگردی اضافه کنید؟

## استراحت

محبوب، گرد آمده و فرستاده شده

۲۰ دقیقه

نویسندهٔ کاتولیک رومی هنری نوون<sup>46</sup> در تأملات خود بر لوقا ۲۰-۱۲: ۶ شاهد نوعی پویایی روحانی می‌باشد.



این پویایی با سکوت آغاز می‌شود — تمرین‌های روزانهٔ عبادی که ما را به قلب خدا نزدیک می‌کنند و به ما این امکان را می‌دهند که صرفاً «محبوب» باشیم. این همان پایه و اساس وجود ما است.

همزمان که ما در تجربهٔ خود به عنوان «محبوب» خدا رشد می‌کنیم، به سوی جامعه کشیده می‌شویم. نوون می‌گوید جامعهٔ عبادی جایی است که «سکوت با سکوت ملاقات می‌کند.» جامعه‌ای که در آن همه امنیت خود را در همین «محبوب» بودن می‌یابند و آزادند تا به دیگران در جامعهٔ دینی محبت و خدمت کنند — جایی برای شاگردی متقابل. نوون می‌گوید از همین مکان است که ما برای خدمت در جهان، با جهان و برای جهان آماده و فرستاده می‌شویم.

➤ زمانی را صرف تأمل در این ایده کنید.

➤ چه افکاری به ذهن شما خطور می‌کند؟

فرجام نیک

۱۰ دقیقه

در حالی که به پایان دورهٔ «سیری در ایمان» می‌رسیم، زمانی را صرف تفکر دربارهٔ معنای این دوره خواهیم کرد. به این پرسش‌ها فکر کنید:

➤ مهم‌ترین برکاتی که از این دوره دریافت کرده‌اید چه بوده‌اند؟

<sup>46</sup> Nouwen H (with Christianson MJ, Laird RJ) (2011) **Spiritual Direction** SPCK

➤ مهم‌ترین چالش‌هایی که با آن‌ها روبه‌رو شده‌اید چه بوده‌اند؟

۱۵ دقیقه

### تأملی در دوره «سیری در ایمان»

به هر نفر سه تکه کاغذ کوچک داده می‌شود.

یک شمع در وسط روشن کنید.

### لحظه‌های جلال شما چه بوده است؟

نمونه‌ای از برکتی که دریافت کرده‌اید را روی آن تکه کاغذ بنویسید.

وقتی همه اعضای گروه نوشتند، به نوبت برکت خود را با دیگران به اشتراک بگذارید. کاغذها را کنار شمع قرار دهید.

همه با هم بگویند - «ای پدر آسمانی، از تو سپاسگزاریم.»

### چه چیزی شما را به درد سر انداخته است؟

نام چیزی که بیش از همه شما را به چالش کشیده بر روی تکه کاغذ دیگری بنویسید.

چالش خود را با دیگران به اشتراک بگذارید، مگر اینکه آن چالش خیلی شخصی باشد.

کاغذها را کنار شمع قرار دهید.

همه با هم بگویند - «ای عیسی خداوند، به ما آرامش عطا کن.»

### به چه چیزی امیدوار هستید؟

نام امید یا رؤیایی که در شما شکل گرفته بر روی تکه کاغذ دیگری بنویسید.

امیدهای خود را درباره آینده با دیگران در میان بگذارید.

کاغذها را کنار شمع قرار دهید.

همه با هم بگویند - «ای روح القدس، برکت خود را بر ما ارزانی دار.»

آمین

## پیوست ۱

تثلیث مقدس - پدر ا. ج. تامبوراج

(هند، متولد ۱۹۳۹)



سبز رنگ آفرینندگی و باروری است. قرمز رنگ فعالیت است. آبی رنگ دریا و آسمان است و نماد راز و جاودانگی. زرد [زعفرانی] در سنت هندی رنگی فرخنده و شاد به شمار می آید.

دست برافراشته (آبایا مودرا) نماد حفاظت در هنر و رقص هندی است. این دست مظهر پدر است و پیامش «مترس» می باشد. ماهی بر چشم همیشه بیدار خدا دلالت دارد، زیرا پلک های ماهی هرگز بسته نمی شود.

دست رو به پایین (وارادا مودرا) مظهر مسیح است. این ژست در پیکره سازی و رقص هندی مرسوم است. گفته می شود خداوند دوستان خود را فرا می خواند تا برای پناه گرفتن زیر قوس پای او پنهان شوند. زخم سرخ به ما یادآوری می کند که «خداوند برخاسته» نشان های رهایی بخش تصلیب را بر خود دارد.

دست سرخ نماد آتش تطهیرکننده، یعنی روح القدس است. خط مارپیچ نشان دهنده باد است و هر سه شخص تثلیث را در یگانگی به هم پیوند می دهد. آتش و باد نماد قدرت اند.



پدر جان باتیستا جولیان  
آمریکا



ویلیام بلیک  
تولید/ نشر برای نخستین بار در حدود  
۱۷۸۷ - ۱۸۱۸

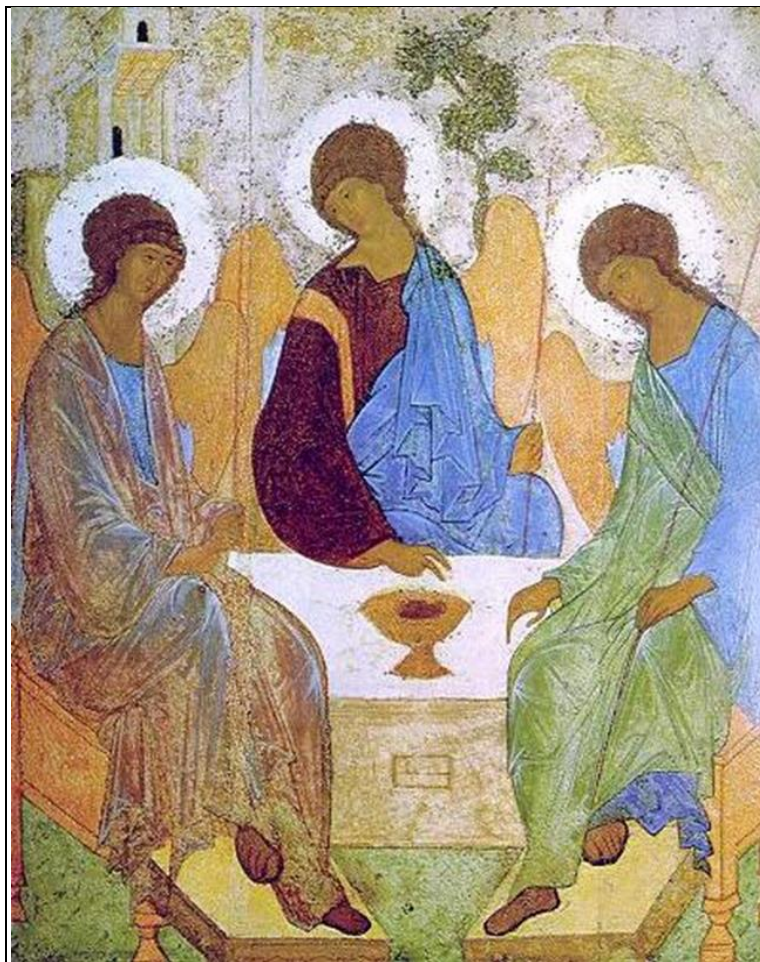


پریخوریسیس (رقص الهی)



گرهٔ تثلیث سلتیک

تثلیث مقدس اثر آندری روبلف در اوایل قرن پانزدهم برای صومعه تثلیث سن سیرگی در روسیه نقاشی شد. این اثر اکنون در گالری ترتیاکوف مسکو نگهداری می‌شود.



سه چهره یکسان‌اند و جامه‌هایی آبی بر تن دارند — رنگ الوهیت — اما هر یک چیزی بر تن دارد که از هویت خاص خود سخن می‌گوید.

### روح القدس

جامه سبز مظهر زندگی نو است، با برگ‌هایی که تازه رو به آسمان گشوده شده‌اند.

روح القدس، میز را لمس می‌کند — و بدین‌سان زندگی الهی خدا را به زمین پیوند می‌دهد. «ای خداوند، تو به راستی قدوسی، سرچشمه همه قدوسیت. بگذار روح تو بیاید تا همه چیز را مقدس گردانند.»

بر این لمس و معنای آن برای زندگی این جهان تأمل کنید.

پشت این پیکره کوهی دیده می‌شود، اماکنی که مردم اغلب خدا را در آنجا ملاقات می‌کردند؛ نقاطی که به نظر می‌رسد آسمان و زمین به هم می‌رسند.

موسی خدا را بر بلندای کوهها ملاقات کرد. چهره عیسی در حال دعا در بالای کوه متلألی شد.

به تجربه‌های خود از «قله کوه» بیندیشید، آن زمان‌هایی که احساس کرده‌اید بسیار به خدا نزدیک بوده‌اید؛ زمانی که احساس کرده‌اید چهره‌تان متلألی و سرشار روح القدس شده است.

ایلیا خدا را نه در زلزله، نه در باد و نه در آتش یافت؛ بلکه در سکوت کوه، صدای خدا ژرفای وجودش را فرا گرفت.

چه زمانی از حضور این سکون پویا که همان روح القدس درون شماس است آگاه بوده‌اید؟

روح القدس اندکی خم شده است — نگاه ما را به سوی پیکره مرکزی می‌کشاند — که نمایانگر مسیح است.

### مسیح

این پیکره جامه‌ای قهوه‌ای بر تن دارد که از خاک و انسانیت او سخن می‌گوید.  
نوار طلایی نشانه پادشاهی است.

بر نوع پادشاهی‌ای که در اینجا به تصویر کشیده شده تأمل کنید...

پیکره مسیح دو انگشت خود را بر میز نهاده است — بدین گونه هم بر طبیعت الهی و هم بر سرشت انسانی خویش تأکید می‌کند. او به جامی پر از شراب اشاره می‌کند.  
این بیانگر چیست؟

پشت این پیکره، درختی به چشم می‌خورد. این می‌تواند بلوط ممرا باشد که سه مهمان فرشته‌گون زیر آن آرام گرفتند.  
مهمان‌نوازی ابراهیم و سارا با عطای یک پسر به ایشان پاداش داده شد.  
این داستان درباره اهمیت مهمان‌نوازی چه چیزی به ما می‌گوید؟

این درخت همچنین می‌تواند نمایانگر صلیب باشد — درختی که «پسر» بر آن جان داد. درخت مرگ که به درخت زندگی بدل می‌شود — درختی که به سبب نافرمانی آدم و حوا نصیب بشر شد، اما به واسطه اطاعت عیسی به ما بازگردانده شد.

بر تناقض صلیب تأمل کنید:

- جایی که مرگ و زندگی رودرروی یکدیگر قرار می‌گیرند.
- جایی که مرگ جای خود را به رستاخیز و حیات جاودان می‌دهد.

همچنین ممکن است این درخت، درخت حیات مذکور در «مکاشفه باشد» که دوازده نوع میوه دارد — هر یک برای یک ماه سال — و برگ‌هایش برای شفای ملت‌ها است.  
وعده‌ای که در اینجا نهفته و در انتظار تحقق خویش است چیست؟

پیکره مسیح به نوبه خود به سوی پیکره سمت چپ خم می‌شود — و نگاه ما نیز به آن سو کشیده می‌شود.

### پدر

پیکره‌ای آرام و استوار در ذات خویش.  
جامه آبی تقریباً زیر ردایی درخشان و اثری پنهان شده است، برای آن که آفریننده است و مخلوقات انسانی نمی‌توانند او را ببینند.  
هر دو دستش عصا را گرفته‌اند — تمام اقتدار در آسمان و زمین از آن پدر است.

چه نوع اقتداری را در این پیکره می‌بینید؟

پشت این پیکره خانه‌ای است، سکونت‌گاه خدا.

«در خانه پدر من عمارات بسیاری است - می‌روم تا برای شما جایی مهیا کنم...»

در این سخنان عیسی، چه وعده‌ای برای شما مقرر شده است؟

«هر که مرا دوست بدارد، کلام مرا نگاه خواهد داشت، و پدرم او را دوست خواهد داشت؛ و نزد او خواهیم آمد و منزل

خویش را با او خواهیم ساخت.»

عیسی در اینجا چه وعده‌ای می‌دهد؟

**جایگاه شما در این شمایل کجاست؟**

نگاه پدر به فضای میان پیکره‌ها متمایل است — شاید به سوی شما.

دعوت نهفته در این نگاه چیست؟

جام بر لبه میز پیشکش شده است.

نشستن بر سر این میز چه احساسی می‌تواند داشته باشد؟

## پیوست ۳

برگرفته فصل ۶ کتاب «مقدمه‌ای بر عهد جدید» اثر جان درین

### پادشاهی خدا چیست؟

پادشاهی خدا موضوع اصلی تعالیم عیسی در اناجیل متی، مرقس و لوقاست. این مفهوم، که به شیوه‌های گوناگون بیان شده، برای نسل‌ها هسته اصلی آرمان‌های دینی یهودیان بوده است. در زمان عیسی، از دید مردم زمان آن فرا رسیده بود که وعده‌های کتب مقدس عبری درباره جایگاه اسرائیل در مقدرات خدا، به شکلی شگرف تحقق یابد: رومیان منفور برای همیشه از سرزمین‌شان رانده شوند و مردم از فصل تازه‌ای از آزادهای سیاسی و دینی و حق تعیین سرنوشت بهره‌مند گردند.

از این رو تعجبی ندارد که وقتی عیسی پس از تعمید و دست و پنجه نرم کردن با وسوس شیطان به عنوان پیامبری سیار ظاهر شد و اعلام کرد: «زمان به کمال رسیده و پادشاهی خدا نزدیک است» (مرقس ۱: ۱۵)، مردم از هر قشری به سخنان او علاقه نشان دادند. این همان چیزی بود که انتظارش را می‌کشیدند: پادشاهی تازه خدا که سرانجام پادشاهی کهن روم را درهم شکند. افزون بر این، آنان کاملاً انتظار داشتند که خود قوم یهود، تحت رهبری مسیح موعود، نقشی برجسته در این پادشاهی آینده ایفا کند.

از آغاز تاریخ اسرائیل، خدا همواره به عنوان «پادشاه» قوم شناخته می‌شد (مزامیر ۱۰: ۱۴۶؛ ۱: ۹۹؛ ۱۰: ۹۶). کتاب مقدس عبری اعلام می‌کند که تمام جهان از آن خداست، زیرا خدا آن را آفریده است؛ و اسرائیل به عنوان یک قوم به خدا تعلق دارد، زیرا خدا نیاکان آنان را از بردگی مصر رهانیده و به سرزمینی نو رهنمون ساخته است. هنگامی که یکی دو قرن بعد خواستند شاول را به عنوان پادشاه خود برگزینند، برخی مخالفت کردند، زیرا باور داشتند که خدا تنها پادشاه حقیقی است که قوم یهود می‌تواند داشته باشد (اول سموئیل ۱۸-۸). بعدها، با پادشاهی داوود در اورشلیم، این دو اندیشه به هم پیوست: داوود و اخلافش حاکمان بحق قوم بودند، زیرا خدا آنان را برگزیده بود (دوم سموئیل ۱۷-۷). وظیفه آنان اجرای اراده خدا بود تا پادشاهی آینده تمامی از معیارهای شریعت الهی باشد. در واقعیت، داستان در اغلب موارد به این سادگی‌ها نبود. هنگامی که پادشاهی جانشین پادشاه دیگر می‌شد، به طرز دردناکی پرواضح بود که آنها تنها مجذوب قدرت و کامیابی خویش بودند و در نتیجه آرمان‌های نخستین رفته‌رفته رنگ باخت.

این آرمان‌ها از صحنه سیاست عملی محو شدند، هرچند هرگز به طور کامل از میان نرفتند؛ بلکه به امیدی برای آینده بدل شدند؛ امید به زمانی که خدا خود وارد عمل شود، امور را سامان دهد و پادشاهی سرشار از عدالت و پارسایی را برقرار سازد. زکریا یکی از پیامبرانی بود که مشتاقانه چشم به فرارسیدن آن روز داشت؛ روزی که در آن «خداوند پادشاه تمام زمین خواهد شد» (زکریا ۹: ۱۴). در زمان عیسی، انتظار بسیاری وجود داشت که آمدن مسیح، سرآغاز این پادشاهی باشد.

### پادشاهی خدا

اما عیسی از «پادشاهی خدا» چه منظوری داشت؟ امروز واژه «پادشاهی» معمولاً به یک دولت یا قلمروی اشاره دارد که هر چند در واقعیت تحت فرمان پادشاه نباشد اما با این حال گونه‌ای از یک موجودیت سیاسی می‌باشد. در دنیای باستان، اوضاع چندان متفاوت از این نبود، و تردیدی نیست که کاملاً قابل فهم است که هم‌عصران عیسی گمان کنند او از تأسیس دولتی نو سخن می‌گوید که بر خلاف دیگر کشورهای اطراف، به نوعی تحت فرمان شخص خدا باشد.

اما این برداشت، آشکارا با تعالیم عیسی درباره پادشاهی خدا ناسازگار است. از همان بدو امر، کاملاً مبرهن است که او می‌بایستی به طریقی از این عبارت استفاده کرده باشد. اگر او از دولتی نو سخن می‌گفت، باید خود را عامل یک دودمان سیاسی

تازه می‌دانست، در واقع یک غیور یا «زیلوت»<sup>47</sup>. اما سخنان و اعمالش چنین برداشتی را رد می‌کرد. پس عیسی واقعا از چه چیزی سخن می‌گفت؟ برخی مسیحیان چنین نتیجه گرفته‌اند که، بر خلاف برخی شواهد که حکم به نتیجه خلاف می‌دهد، عیسی دغدغه تأسیس جامعه‌ای داشته که تحت حاکمیت خدا باشد، متمایز از دیگر جوامعی که آدمیان فانی معمولی بر آن‌ها حکم می‌رانند.

در قرون وسطی، بسیاری از متألهان، به پیروی از آگوستین قدیس، بر این باور بودند که پادشاهی مورد نظر عیسی در واقع همان جامعه سازمان‌یافته‌ای است که از آن به کلیسا یاد می‌شود. در دوران مسیحیت، این اندیشه که کلیسا جانشین مشروع امپراتوری روم است با مأموریتی سیاسی برای گسترش قلمرو خود، انگیزه‌ای شد برای کاوش غربی‌ها در دیگر نقاط عالم، و نقش خود را در پیدایش استعمار ایفا نمود. حتی امروز، یافتن رهبران مسیحی که «پادشاهی» را مترادف «کلیسا» می‌دانند چندان کار دشواری نیست، در حالی که تعداد بسیار بیشتری حاضرند تا از کلیسا طوری سخن به میان آورند که گویی نوعی مانیفست سیاسی است. در اینجا نظر ما این است که استعمال عیسی از عبارت «پادشاهی خدا» نمی‌تواند صرفاً محدود به این موارد شود، بلکه فراگیرتر از همه آن‌هاست. تعریف مناسب آن این است: «شیوه انجام دادن امور توسط خدا».

این پادشاهی از ارزش‌ها و معیارهایی آغاز می‌شود که بیش از همه منعکس‌کننده ذات خود خداست. هرچند عیسی با تشریح اهمیت آن، به طور قطع نشان می‌دهد که چگونه این ارزش‌ها می‌توانند در موقعیت‌های گوناگون زندگی به طور عملی به کار روند. بنابراین می‌توان انتظار داشت که الگوهایی برای تأثیر شاگردی بر سیاست، اقتصاد و دیگر واقعیات ملموس اجتماعی ارائه شود. اما معنای «پادشاهی خدا» به این‌ها محدود نیست؛ بلکه گسترده‌تر و ژرف‌تر است: گسترده‌تر، زیرا شیوه‌ای از بودن است که همه شئون زندگی — خصوصی و عمومی — را دربر می‌گیرد؛ و ژرف‌تر، زیرا نه تنها به امور مادی بلکه به واقعیات روحانی نیز می‌پردازد و برای آنانی که خود را وقف آن کرده‌اند، درکی نواز آزادی و عدالت حقیقی و تجربه تازه‌ای از حضور خدا در زندگی‌شان را به ارمغان می‌آورد.

### شیوه‌ای نو برای بودن

...ما دلیل موجهی برای این فرض داریم که عیسی بیشتر از «پادشاهی خدا»، از «شاهی خدا» سخن می‌گفت. تعبیر «شاهی» به سبک و شیوه عمل خدا اشاره دارد، و به الگویی که خدا برای دیگران قرار می‌دهد. این کمک می‌کند بفهمیم چرا عیسی بیش از هر چیز نگران کیفیت زندگی انسانی و ماهیت روابط معنادار بود، و نگرش‌های مبتنی بر قدرت و کنترل را رد می‌کرد و به جای آن عشق، پذیرش و خدمت متقابل را برمی‌گزید. این ویژگی‌ها، به نظر او، باید زندگی شاگردانش را شکل دهند، چراکه ریشه آن‌ها را در ذات خود خدا می‌پنداشت.

این نکته به روشن شدن برخی سخنان غامض‌تر عیسی کمک شایانی می‌کند. مثلاً او به فریسیان گفت: «پادشاهی خدا به گونه‌ای نمی‌آید که دیده شود... زیرا پادشاهی خدا در درون شماست» (لوقا ۲۱، ۲۰: ۱۷). در جایی دیگر به شاگردانش گفت: «هر که پادشاهی خدا را چون کودکی نپذیرد، هرگز به آن داخل نخواهد شد» (مرقس ۱۵: ۱۰). سخن گفتن از یک قلمرو سیاسی در درون زندگی تک تک افراد بی‌معناست؛ هیچ معنایی در این سخن نیست که انسان می‌تواند یک دولتی را «دریافت کند» یا می‌تواند آن را در «درون خود» داشته باشد. اما عیسی می‌گفت از لحظه‌ای که خدا به عنوان حاکم در زندگی کسی شناخته شود، «پادشاهی خدا» واقعاً آغاز شده است. او می‌توانست بگوید این پادشاهی هم‌اکنون «در میان» شنوندگانش است، زیرا خود او حاضر بود و کاملاً به کاویدن در و عمل کردن به ارزش‌ها و معیارهایی که خدا بیان کرده متعهد بود.

<sup>47</sup> زیلوت‌ها فرقه‌ای از یهودیت در دوره باستان بودند که سودای برپایی حکومت دینی یهودی در جهان را داشتند و تا سال ۷۰ بعد از میلاد در برابر رومیان ایستادگی کردند.

به همین ترتیب، عیسی «وارد شدن به پادشاهی» را با «وارد شدن به حیات» مقایسه کرد (مرقس ۴۷-۴۳: ۹)، (متی ۴۶-۳۴: ۲۵)، (مرقس ۲۳-۱۷: ۱۰).

داستان معروف پسری که از خانه گریخت نیز بر این حقیقت تأکید دارد که عضویت در پادشاهی یعنی سهیم شدن در زندگی خانوادگی خدا و تجربه او به عنوان پدری مهربان (لوقا ۳۲-۱۱: ۱۵).

در عین حال، نباید پادشاهی را صرفاً به رابطه‌ای درونی و فردی بین مردم و خدا فروکاست چراکه سخنان بسیاری در انجیل وجود دارد که نشان می‌دهد در نظر عیسی پادشاهی خدا صرفاً یک فرمانروایی درونی خدا در زندگی پیروانش نیست بلکه به نوعی از واقعیت عینی نیز اشاره دارد. برای مثال، او از مردمی سخن می‌گوید که «از مشرق و مغرب، از شمال و جنوب خواهند آمد و در پادشاهی خدا بر سر میز خواهند نشست» (لوقا ۱۳: ۲۹). عیسی در شام آخر به حواریون گفت: «از این پس از میوه تاک نخواهم نوشید تا پادشاهی خدا بیاید» (لوقا ۲۲: ۱۸). متی نیز از قول او می‌نویسد که پیروانش «پادشاهی‌ای را به ارث خواهند برد که... از بنیاد جهان مهیا شده است.» (متی ۲۵: ۳۴).

بنابراین عیسی به نظر می‌رسد که ایده پادشاهی خدا را حداقل از دو منظر درک کرده باشد: از یک طرف، به مثابه راهنمایی در زندگی افرادی که پیروان او خواهند بود، و از طرف دیگر، به مثابه چیزی که خدا در کل عالم عرضه خواهد کرد.

عیسی همچنین یقین راسخی داشت که خدا نه تنها در زندگی تک‌تک افراد، بلکه در امور عمومی ملت‌ها و امپراتوری‌ها نیز به گونه‌ای مستقیم و قاطع عمل خواهد کرد (مرقس ۱۳).

(جان درین)

## پیوست ۴

برگرفته از فصل ۶ کتاب «آشنایی مقدماتی با عهد جدید» اثر استیون تراویس (انتشارات لاین)

**«محبّت من به همه شما در عیسی مسیح»:** نامه‌های پولس

«کاش می‌توانستم در این دشواری‌های کنونی با شما همراه باشم. در حال حاضر، این امر ناممکن است. اما از فکر شما غافل نشده‌ام و این مشاوره را می‌نویسم به این امید که تا زمانی که بتوانم بار دیگر در کنار تان باشم یاری‌تان کند...»

شاید برای شما اتفاق افتاده باشد تا نامه‌ای را این چنین آغاز کنید. یکی از دلایلی که ما نامه می‌نویسیم این است که به دوستان خود چیزهایی را بگوییم که اگر در کنارشان بودیم می‌گفتیم.

نخستین مسیحیان نیز به همین دلیل نامه می‌نوشتند. پس از نزدیک به دو هزار سال، بخش‌هایی از نامه‌های پولس رسول همانند اولین باری که برای مسیحیان ترکیه، یونان و روم نوشته شده‌اند واقعی و مرتبط هستند. و این نامه‌های به همراه نامه‌هایی دیگر از رهبران مسیحی در کتاب «اعمال رسولان» در عهد جدید گردآوری شده است.

با هر ملاکی که در نظر بگیرید، پولس مردی شگفت‌انگیز بود. تربیتش از اوی یک یهودی دیندار ساخت، معلم شریعت یهود شد و پیروان عیسی را آزار داد تا آن‌که در راه دمشق با «مسیح برخاسته از مرگ» ملاقات کرد. این داستان در اعمال رسولان ۹ بازگو شده است و می‌بایست بین سالهای ۳۲ و ۳۵ میلادی رخ داده باشد - یعنی در بازه زمانی تا ۳ سال بعد از رستاخیز عیسی. از آن پس، او مبلّغی بی‌پروا برای کیش تازه‌اش شد.

جزئیات بسیاری از کارهای تبلیغیش ثبت نشده است. سفرهای تبلیغیش در اعمال ۱۲۸-۱۳ دوره‌ای در حدود ۴۶ تا ۶۲ میلادی را پوشش می‌دهد. در آن سالیان سفرهای طول و دراز، او دست‌کم ۱۵ هزار کیلومتر سفر کرد. بیشتر مواقع گرسنگی و تشنگی بر وی غالب بود. در معرض خطرِ راهزنان قرار گرفت. به زندان افتاد و از دست کسانی که از پیامش نفرت داشتند یا او را خطری برای حکومت می‌دیدند به باد تازیانه گرفته شد. چند باری نیز کشتی‌شکستگی را تجربه کرد.

با این همه، چندین کلیسا در بسیاری از شهرهای مهم ترکیه و یونان بنیان نهاد. به‌عنوان یکی از اندیشمندان بزرگ کلیسای نخستین، به مسیحیان نوایمان کمک کرد تا معنای مرگ و رستاخیز عیسی را دریابند و ایمانشان را با زندگی روزمره پیوند دهند. او نشان داد که پیام واعظی فلسطینی<sup>48</sup> می‌تواند از مرزهای نژاد و فرهنگ فراتر رود و به جهان چندفرهنگی یونان و روم راه یابد.

پولس برای مسیحیان متعلق به کلیساهای سراسر امپراتوری روم نامه نوشت. عهد جدید نامه‌های پولس به رومیان، قرنتیان، غلاطیان، افسسیان، فیلیپیان، کولسیان و تسالونیکیان، و نیز نامه‌های او به رهبران کلیسا یعنی تیموتاؤس، تیتوس و فلیمون را حفظ کرده است.

<sup>48</sup> توضیح ویراستار: در واقع سرزمین یهودیه تنها از سال ۷۰ میلادی به بعد به فلسطین نامیده شد - عیسی واعظ یهودیه یا یهودی بود.

بیشتر نامه‌های پولس<sup>49</sup> خطاب به کلیساهایی بود که خود او در جاهایی نظیر قرن‌تس، تسالونیک و فیلیپی بنیان نهاده بود. دو نامه — به رومیان و کولسی — دربردارندهٔ تعلیم و راهنمایی به کلیساهایی است که دیگران آن‌ها را تأسیس کرده بودند. نامه‌های کوتاه به تیموتائوس، تیتوس و فلیمون خطاب به رهبران خاص کلیساست.

### خواندن نامه‌های پولس

به محض خواندن نامه‌های پولس درمی‌یابید که از بسیاری جهات مهم شبیه دیگر نامه‌ها هستند. روشن‌ترین نکته این است که آن‌ها تنها یک سوی مکاتبه یا گفت‌وگو میان پولس و کلیسای خاص را نشان می‌دهند. شما نامه‌های شخصی دیگری را می‌خوانید که پاره‌ای از آن‌ها بسیار تند و آتشین هستند!

گاهی پولس به روشنی می‌گوید که نامه‌اش در پاسخ به نامه‌ای است که کلیسا برایش فرستاده است (نگاه کنید به اول قرن‌تس). اما ما فقط می‌توانیم با خواندن میان‌سطور پاسخ پولس حدس بزنیم که آن نامه کلیسا چه محتوایی داشته است. این کار می‌تواند سرگرم‌کننده باشد، هرچند گاهی دلسردکننده نیز هست!

با این حال، می‌توانیم مطمئن باشیم که پولس صرفاً برای پر کردن وقت خود نامه نمی‌نوشت. او اغلب به این دلیل با کلیساها نامه‌نگاری می‌کرد که به نوعی نیاز به اصلاح داشتند. این تعجب‌آور نیست، زیرا همهٔ آن‌ها به تازگی مسیحی شده بودند.

گاه پولس به کلیسای می‌نوشت که پیام اساسی انجیل مسیح را به غلط فهمیده بود. برای نمونه، او نامهٔ غلاطیان را نوشت، زیرا مردم در کلیساهای استان رومی غلاطیه (در ترکیهٔ امروزی) باور داشتند که تنها با اطاعت از تمام شریعت یهود می‌توان پیرو عیسی شد. بر عکس، پولس بر این باور داشت که عیسی با مرگ و رستخیز خود آزادی را برای ما به ارمغان آورده است. ما صرفاً با دریافت حیات نواز او به عنوان عطیه، در زمره قوم او درمی‌آییم

یهودیان رابطهٔ خود با خدا را از طریق نگاه‌داشتن شریعت ابراز می‌کردند. این شریعت شامل ده فرمان بود که خدا به موسی داد، و نیز مقررات دیگری دربارهٔ ختنه و آماده‌سازی غذا. برخی از مسیحیان یهودی بر این باور بودند که مسیحیان غیریهودی تنها در صورتی می‌توانند واقعاً نزد خدا پذیرفته شوند که همهٔ این مقررات را رعایت کنند.

گاهی پولس به مسیحیانی می‌نوشت که در خطر آمیختن حقیقت مربوط به مسیح با اندیشه‌های رایج جهان پیرامون خود بودند. کلیسای کولسی — کولسیان — نامه‌ای از او دریافت کرد که در آن نشان می‌داد مسیح چگونه هرآنچه را که برای شناخت خدا ضروری است برای ما آشکار می‌سازد.

در زمان‌های دیگر، او برای اصلاح برداشت‌های نادرست دربارهٔ رفتار مسیحی می‌نوشت. برای نمونه، کلیسای قرن‌تس پر بود از افرادی که به نام «آزادی مسیحی» ادعا می‌کردند هر نوع رفتاری نزد خدا پذیرفتنی است. بنابراین پولس در نامهٔ دوم خود به قرن‌تس استدلال کرد که رابطهٔ ما با عیسی ایجاب می‌کند که آئینه تمام‌نمایی از شخصیت او را در زندگی خود باشیم.

<sup>49</sup> توضیح ویراستار: نکته حائز اهمیت این که نظر استیون تراویس در اینجا درباره نامه‌هایی از پولس است که جملگی متخصصان عهد جدید بر سر آن اتفاق نظر ندارند. برای نمونه، بسیاری بر این باورند که نامه‌ای که خطاب به افسسیان است را پولس ننوخته است. هر دانشجوی عهد جدید بایستی خود در این باره تصمیم‌گیری بکند.

هرگاه نامه‌ای از عهد جدید را می‌خوانیم، لازم است کمی «میانِ سطور» را بخوانیم و پرسیم چه شرایطی باعث شده نویسنده بخواهد بر این حقایق خاص تأکید بورزد. شاید این کار دشوار به نظر برسد، اما اندکی تخیل و گفت‌وگو با دوستان می‌تواند آن را بسیار جذاب سازد.

### خواندن نامه‌های عهد جدید در روزگار ما

با آن‌که نامه‌های عهد جدید نزدیک به دو هزار سال قدمت دارند، فهم برخی بخش‌های آن‌ها و ربطشان به زندگی خود ما کار راحتی است. برای مثال، وقتی بخش مشهور مربوط به محبت در اول قرن‌تین ۱۳ را می‌خوانیم، مشکلی ما در فهم معنای آن نیست. چالش اصلی در عمل کردن به خواسته‌های آن نهفته است.

#### خوانش آزاردهنده

«بیشتر مردم از آن بخش‌هایی از کتاب مقدس به تنگ می‌آیند که آن‌ها را نمی‌فهمند؛ اما در مورد من، همیشه متوجه شده‌ام که آن بخش‌هایی از کتاب مقدس که بیش از همه آزارم می‌دهند، همان‌هایی هستند که آن‌ها را می‌فهمم.»

مارک تواین

اما بخش‌های دیگری از نامه‌ها را نمی‌توان به راحتی به زندگی خودمان ربط داد. ما در حال حاضر در شرایط بسیاری متفاوتی زندگی می‌کنیم. مثلاً برخی نامه‌ها رهنمون‌هایی است درباره اینکه بردگان و برده‌داران مسیحی چگونه رفتاری باید داشته باشند. این تعالیم در جامعه‌ای که در آن برده‌داری امری عادی بود و قرار نبود به این زودی‌ها لغو شود امری ضروری تلقی می‌شد. اما این دستورها چه معنایی دارند به ویژه در جوامعی که سرانجام از پیام مسیحی آموخته‌اند برده‌داری کرامت انسانی را تباه می‌کند؟...

تنها پس از دیدن اصول اساسی پیشنهادی در عهد جدید است که ما می‌توانیم از ذهن خدادادی خود بهره ببریم و از آن برای رسیدن به اصولی که بایستی در موقعیتی خاص به کار گرفته شوند یاری بگیریم. عهد جدید مانند نقشه‌ای نیست که برای هر وضعیتی ممکن ما دستورالعمل‌های جزئی بدهد؛ بلکه مانند قطب‌نماست که ما را به سوی جهت درست راهنمایی می‌کند.

## پیوست ۵

### «کشمکش در قُرنَتس» اثر والتر هولن وِگر

از صفحات ۸-۱۱، روایت شده از دیدگاه یک مدیر (برده) در بانکِ محلّی قُرنَتس<sup>50</sup>

یراستوس را دیدم که در حال ترک حیاطِ ویلائی بود که جلسهٔ مسیحیان در آن برگزار می‌شد و او را دیدم که با طوماری به زیر بغل برگشت. از آنجا که در آغازِ جلسه خوش و بش گرمی با من کرده بود، جرئت یافتم ماجرا را از او بپرسم. جواب داد: «خب، می‌بینی، مسیحیان اساساً با دیگر انجمن‌های دینی قُرنَتس فرق دارند. مسیحیان برای بردگان و آزادان مراسم جداگانه برگزار نمی‌کنند؛ کاری که برای بردگانِ تحصیل کرده ناراحت‌کننده می‌بود، چون نمی‌دانستند واقعاً به کدام گروه تعلق دارند.» این را عمداً گفت، چون می‌دانست من هم یکی از آنها هستم. پرسیدم: «اما این آمیختگی فرهنگی‌ها و منزلت اجتماعی مشکلات مالی و روانی ایجاد نمی‌کند؟» پاسخ داد: «قطعاً می‌کند، همان‌طور که خودت در همین جلسه می‌بینی. و آنچه شنیده‌ای تنها اختلاف موجود در جامعهٔ مسیحی نیست. تو حتماً می‌دانی که من، به‌عنوان رئیس ادارهٔ امورِ عمومی قُرنَتس، باید در ضیافت‌ها و مراسمات بسیاری شرکت کنم؛ جشن‌هایی که در آن‌ها گوشتی سرو می‌شود که از معابد آمده و با آداب و تشریفات خاص به بت‌ها تقدیم شده است. مطمئناً از این امر آگاهی که اگر در این ضیافت‌ها شرکت نکنم، باید از شغلم کناره‌گیری کنم. با این حال، نظر من این است که برای یک مسیحی همه‌چیز مجاز است، از جمله شرکت در ضیافت‌های کاری و شام‌های سیاسی که در آن‌ها قراردادهای و توافقات سیاسی مهم شکل می‌گیرند.»

تِرتیوس حرفِ یراستوس را قطع کرد. «اعتراضِ کلوئه فقط به گوشتی که به بت‌ها تقدیم شده نیست. او می‌گوید روسپیانِ قُرنَتسی هم در این ضیافت‌ها حضور دارند — روسپیانِ تجاری و سیاسی.»

پرسیدم: «منظورت روسپییانی است که برای بُردن برخی قراردادهای به کار گرفته می‌شوند؟» به سبب کارم در بانک می‌دانستم چنین چیزهایی وجود دارد.

یراستوس گفت: «نظری ندارم.» وی افزود: «انتظار می‌رود با این روسپیان جامی به سلامتی بنوشی، اما تعهد دیگری در کار نیست.» این موضوع برایش خجل‌آور بود، اما در ضمن گفت: «انتقادهایی را که کلوئه از ما می‌کند خیلی جدی نگیر. این زن تا حدی افراطی طرفدارِ آزادی زنان، خانواده‌ای ندارد که به او احساسی اهمیت یا خواستنی بودن بدهد؛ فقط پیروانش، کارگرانِ خارجی اسکله و بردگان، هستند که به او احساسی ارزش می‌دهند.»

مشخص بود که این نشانهٔ پایانِ گفت‌وگوست. حالا یراستوس با طوماری که در دستش بود قدمی به پیش نهاد، و سپس آن را گشود. یک مسیحی کنار او ایستاد در حالی که مشعلی به دست داشت. گایوس او را معرفی کرد: «همان‌گونه که پولس وقتی اینجا در قُرنَتس بود نامه‌ای به رومیان نوشت — قطعاً یادتان هست چگونه شبانه‌روز کار می‌کرد — اکنون نیز از افسوس پاسخی مفصل برای ما نوشته است. چندین یکشنبه بخش‌هایی از پاسخ او را خوانده‌ایم و امروز، به گمانم، به یکی از مهم‌ترین و آموزنده‌ترین بخش‌ها می‌رسیم. لطفاً بخوان، یراستوس.»

### اجتماع شهروندانِ خدا

دو مشعل‌دار به یراستوس نزدیک‌تر شدند و سکوتی مطلق حیاط را فرا گرفت. یراستوس چنین زبان به سخن گشود: «زیرا مسیح همچون یک بدن است با اعضا و اندام‌های بسیار که با همهٔ کثرت‌شان، یک بدن را تشکیل می‌دهند. زیرا به راستی ما همگی به‌وسیلهٔ یک تعمید در یک روح، وارد یک بدن شدیم - خواه یهودی باشیم» — و اینجا نگاهی به کریسپوس انداخت

<sup>50</sup> نسخه مفصل‌تر این متن را می‌توانید در این آدرس بیابید: <http://www.warc.ch/miu/rw004/holl.html>

— «یا یونانی» مکث کرد، گویی می‌خواست بگوید: «مانند من — خواه برده باشیم» و وقتی این واژه را بر زبان آورد، یارانِ کلوئه و کارگرانِ اسکله دست‌ها را بالا بردند و با صدایِ رعدآسا فریاد زدند: «هیلویا، کریوس یسوس!» سپس فریاد به شکلِ فوگ یا سرودی درآمد: «هَیله... هَیله... هیلویا! عیسی خداوند است! هَیله... هَیله... هیلویا! عیسی خداوند است!» و سرانجام همه، و نه فقط بردگان، فریاد زدند: «عیسی خداوند است!»

اراستوس ادامه داد: «حق با شماست، اما گوش کنید که چگونه ادامه می‌دهد: خواه برده باشیم یا آزاد...» - اکنون سکوتی سنگین حاکم شد، زیرا مسیحیانِ آزادزاد یا آزادشده با وقاری برتر ایستاده بودند. «...همگی در یک روح‌القدس غسل تعمید شده‌ایم.» جماعت پاسخ داد: «آمین، هیلویا.»

اما کلوئه دوباره برخاست: «و زنان چه؟ آیا زنان را فراموش کرده؟»

اراستوس نگاهی به دست‌نوشته کرد: «نمی‌بینم که از زنان نام برده باشد.»

زن دیگری، فیبی از بندر کنکریه، برخاست. او آرام و شمرده گفت: «لازم نیست از زنان نام ببرد. ما اینجا هستیم. در عبادت شرکت می‌کنیم. در یک روح‌القدس تعمید شده‌ایم. هیچ‌کس نمی‌تواند این را انکار کند.» برخی مردان اطرافم آه عمیقی کشیدند، اما چیزی نگفتند.

اراستوس ادامه داد: «بدن یک عضو نیست، بلکه اعضای بسیار دارد. تصور کنید پا چنین بگوید: «از آنجا که من دست نیستم، من به بدن تعلق ندارم،» در صورتی که معه‌ذا به بدن تعلق دارد. تصور کنید گوش چنین بگوید: «از آنجا که من چشم نیستم، من به بدن تعلق ندارم،» هر چند در واقع به بدن تعلق دارد. اگر بدن جملگی چشم بود، چگونه می‌توانست بشنود؟ اگر بدن جملگی گوش بود، چگونه می‌تواند بو بکشد؟ اما حقیقت امر این است که خدا هر عضو و اندامی را در جای مخصوص خود در بدن قرار داده است، به همان نحوی که خواسته است. اگر همه اعضای بدن عملکرد یکسانی داشتند، بدن به مثابه یک کل چگونه می‌توانست عملکرد خود را داشته باشد؟ به همین خاطر است که اندام‌های بسیاری وجود دارند اما در نهایت یک بدن وجود دارد.»

«چشم به دست نمی‌تواند بگوید: «من به تو نیازی ندارم» کما اینکه سر نمی‌تواند به پا بگوید: «من به تو نیازی ندارم.» بلکه کاملاً برعکس: این اعضا و جوارح بدن که ظاهراً از دیگر اعضا و جوارح ضعیف‌ترند وجودشان کاملاً ضروری و حیاتی است» - و در اینجا متوجه شدم که چگونه یکی از کارگران اسکله دست از جویدن برداشت و دانه انگوری که تازه در دهانش گذاشته بود را به بیرون تف کرد. - «و آنانی را که کمتر شریف می‌پنداریم احترام ویژه‌ای به ایشان می‌شود. به بخش‌های ناپسندمان نسبت به بخش‌های عادی احترام بیشتری گزارده می‌شود. بخش‌های قابل احترام به آن نیازی ندارند.»

برده‌ای که پیش‌تر انگور را تف کرده بود فریاد زد: «آمین! حقا که اگر این چنین است، پس اراستوس بهتر است پولی را که برای سنگ‌فرش خیابان اصلی قرن‌تس داده، به ما بردگان بدهد؛ زیرا محترمان به آن نیاز ندارند، اما ما ضعیفان می‌توانیم خوب از آن استفاده کنیم.» اراستوس مکث کرد. برایش دردناک بود که زندگی سیاسی‌اش، که خود به من گفته بود مستلزم سازش و توافق بود، در کلیسا به بحث گذاشته شود.

## پیوست ۶

### سه اعتقادنامه

#### اعتقادنامه حواریون

من ایمان دارم به خدای پدرِ قادرِ مطلق،  
آفرینندهٔ آسمان و زمین.

و ایمان دارم به عیسی مسیح، یگانه پسرِ او، خداوندِ ما،  
که مادرش از روح القدس آبستن شد،  
از مریم باکره زاده شد،  
در زمانِ پونتئوس پیلاتس رنج کشید،  
مصلوب شد، مُرد و دفن گردید؛  
به دیارِ مردگان فرود آمد.  
در روزِ سوم برخاست؛  
به آسمان عروج کرد،  
و در دستِ راستِ پدر نشست است،  
و باز خواهد آمد تا زندگان و مردگان را داوری کند.

و ایمان دارم به روح القدس،  
کلیسای مقدس کاتولیک،  
جماعتِ قدیسان،  
آمزشِ گناهان،  
رستاخیزِ بدن،  
و حیاتِ جاودان.

#### اعتقادنامهٔ نیکیه

ما ایمان داریم به یک خدا،  
پدرِ قادرِ مطلق،  
آفرینندهٔ آسمان و زمین،  
همهٔ آنچه از  
دیدنی‌ها و نادیدنی‌ها.

و به یک خداوند، عیسی مسیح،  
یگانه پسرِ خدا،  
ازلی زاده شده از پدر،  
خدا از خدا، نور از نور،

خدایِ حقیقی از خدایِ حقیقی،  
 زاده‌شده، نه آفریده‌شده،  
 هم‌ذات با پدر؛  
 که به واسطهٔ او همه چیز آفریده شد.  
 او برای ما و برای نجاتِ ما از آسمان فرود آمد،  
 از روح القدس و مریم باکره جسم گرفت  
 و انسان شد.  
 به خاطرِ ما در زمانِ پونتئوس پیلاتس مصلوب شد؛  
 رنج کشید و دفن گردید.  
 در روزِ سوم دوباره برخاست  
 طبق آنچه در کتب مقدس آمده است؛  
 به آسمان عروج کرد  
 و در دستِ راستِ پدر نشسته است.  
 و باز در جلال خواهد آمد تا زندگان و مردگان را داوری کند،  
 و پادشاهی او را پایانی نخواهد بود.

و ایمان داریم به روح القدس،  
 خداوند و بخشندهٔ حیات،  
 که از پدر و پسر منبعث می‌شود،  
 و با پدر و پسر پرستیده و تمجید می‌گردد.  
 و به وسیلهٔ انبیا سخن گفته است.  
 و ایمان داریم به یک کلیسای مقدس کاتولیک و حواری.  
 و یک تعمید را برای آموزشِ گناهان می‌پذیریم.  
 و در انتظار رستایشِ مردگان  
 و حیاتِ جهانِ آینده هستیم. آمین

**اعتقادنامهٔ آتاناسیوسی (برگرفته از کتابِ دعایِ همگانی، ۱۶۶۲)**

هر که خواهانِ نجات است، پیش از هر چیز لازم است تا دین مسیحیت را نگاه دارد. دینی که به جز افرادی که آن را کامل و ناب نگاه دارند: بدون شک، برای همیشه هلاک خواهند شد. و دین مسیحیت اینگونه است: اینکه ما یک خدا را در تثلیث و تثلیث را در یگانگی می‌پرستیم؛ بی آن که اشخاص را درهم آمیزیم یا ذات را تقسیم کنیم. زیرا شخصِ پدر یکی است، شخصِ پسر دیگری، و شخصِ روح القدس دیگری؛ اما الوهیتِ پدر و پسر و روح القدس یکی است: جلالی یکسان، شکوه ابدی برای هر سه. هر آنگونه که پدر هست، پسر نیز همان گونه است: و روح القدس نیز همان گونه. پدر آفریده نشده است، پسر آفریده نشده است، و روح القدس آفریده نشده است. پدر لایتناهی، پسر لایتناهی: و روح القدس لایتناهی. پدر ازلی، پسر ازلی: و روح القدس ازلی. با این حال آنان سه ازلی نیستند: بلکه یک ازلی هستند. همان گونه که سه لایتناهی نیستند، همان گونه که سه آفریده نشده نیستند: بلکه یک آفریده نشده و یک لایتناهی هستند. پس به همین صورت پدر قادر مطلق، پسر قادر مطلق: و روح القدس قادر مطلق. ولیکن آنان سه قادر مطلق نیستند: بلکه یک قادر مطلق اند. پس پدر خداست، پسر خداست: و روح القدس خداست. ولیکن آنان سه خدا نیستند: بلکه یک خدا هستند. پس به همین صورت پدر پروردگار است، پسر پروردگار: و روح القدس پروردگار. ولیکن نه سه پروردگار: بلکه یک پروردگار. پس همان گونه که درستی مسیحیت

ما را ناگزیر کرده تا خداوندی و پروردگاری هر یک از به صورت جداگانه تصدیق کنیم؛ به همان صورت توسط دین مسیحیت منع شده‌ایم: از گفتن اینکه سه خدا وجود دارد، یا سه پروردگار. پدر از هیچ کس نیست، نه آفریده و نه زاده شده؛ پسر تنها از پدر است، نه آفریده و نه ساخته شده، بلکه زاده شده؛ روح القدس از پدر و پسر است، نه آفریده، نه ساخته و نه زاده شده، بلکه منبعث شده. پس یک پدر است، نه سه پدر؛ یک پسر است، نه سه پسر؛ و یک روح القدس است، نه سه روح القدس. و در این تثلیث هیچ یک پیش تر یا پس تر، بزرگ تر یا کوچک تر از دیگری نیست؛ بلکه هر سه شخص با هم ازلی و برابرند. پس در همه چیز، همان گونه که گفته شد: باید یگانگی در تثلیث و تثلیث در یگانگی پرستیده شود. هر که خواهان نجات است، باید چنین درباره تثلیث بیندیشد. و افزون بر این، برای نجات جاودان لازم است که: تجسد خداوند ما عیسی مسیح را به درستی ایمان آورد. زیرا ایمان راستین این است که باور کنیم و اقرار نماییم که: خداوند ما عیسی مسیح، پسر خدا، هم خداست و هم انسان؛ خدا از ذات پدر، پیش از همه جهانیان زاده شده؛ و انسان از ذات مادر، در جهان زاده شده؛ خدای کامل و انسان کامل: از روحی معقول و جسمی انسانی که به حیات خود ادامه می‌دهد: برابر با خدا چراکه الوهیت او را لمس کرده است: و پایین تر از پدر، چرا که انسانیت خویش را لمس کرده است. کسی که هرچند خدا و انسان است: لیکن دوتا نیست، بلکه مسیح است: یکی، نه از طریق تبدیل الوهیت به جسم: بلکه از طریق بردن انسانیت به ذات خدا: روی هم رفته یکی، نه از طریق درهم ریختگی ذات: بلکه از طریق یگانگی فرد. همان گونه که روح معقول و جسم یک انسان است: به همان ترتیب خدا و انسان یک مسیح است. کسی که برای نجات ما رنج کشید، به دوزخ فرود آمد، و در روز سوم از میان مردگان برخاست؛ به آسمان صعود کرد و در دست راست پدر مطلق نشسته است: و از آنجا باز خواهد آمد تا زندگان و مردگان را داوری کند. در آمدن او همه انسان ها با بدن های خود برخوانند خاست: و پاسخگوی اعمال خویش خواهند بود؛ نیکوکاران به حیات جاودان خواهند رفت و بدکاران به آتش جاودان. این است دین مسیحیت؛ که اگر کسی آن را صادقانه باور نکند، نجات نخواهد یافت.

## پیوست ۷

### تأملاتی درباره «آبا» برگرفته از کتاب «الهیات عهد جدید» اثر یواخیم یرمیااس و ر.ت. فرانس

این همه ما را با حقیقی بسیار مهم روبرو می‌سازد. ما حتی یک نمونه سرآغ نداریم که در آن خدا در یهودیت با نام «آبا» خطاب شده باشد اما عیسی همیشه خدا را در عبادات خویش به این روش خطاب قرار می‌داد. تنها مورد استثنا لابه‌ای است که از صلیب سر داده شد (مرقس ۱۵.۳۴ و متی ۲۷.۴۶) و دلیل آن ماهیت نقل‌قول بودنش است.

برای این سکوت چشمگیر در ادبیات عبادی یهودیت دلیل زبان‌شناختی وجود است. در اصل، آبا یک صدایی شبیه قان و قون نوزاد است، بنابراین صرف نمی‌شود و پسوند نمی‌گیرد. «وقتی کودکی مزه‌گندم را تجربه می‌کند (یعنی وقتی از شیر گرفته می‌شود)، یاد می‌گیرد تا کلمات آبا و اِما (یعنی اولین صداهایی که کودک قان و قون می‌کند) را ادا کند. آبا که در اصل شکل ندایی داشت، در زبان آرامی فلسطینی جایگاه قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد، حتی قبل از دوره عهد جدید. این کلمه، صورت ندایی آبی را در آرامی سلطنتی و عبری عهد عتیقی در همه جا پس زد، و حتی جای آن را در بیانات و اظهارات نیز گرفت؛ مضافاً، جای واژه تاکیدی آبا را نیز گرفت و تا حد بسیاری جای خود را به عنوان اصطلاحی برای «پدرش» و «پدرمان» تثبیت کرد. در زمان عیسی، آبا کاربرد بسیار وسیع‌تری در حرف زدن فرزندان خردسال پیدا کرده بود. در آن زمان حتی فرزندان بزرگسال، پسران و نیز دختران، پدر خود را آبا خطاب می‌کردند. داستان هتین‌ها-نهبا (صفحات ۶۵ به بعد) که به دوران پیشا-مسیحیت برمی‌گردد، نمونه‌ای است از نحوه خطاب قرار گرفتن افراد محترم به غیر از پدر. یک منبع مسیحی-یهودی جدیدالکشفی چنین می‌گوید که این خصوصیت ویژه زبان عبری است که نام «پسر» را می‌توان بر روی برده وفادار و درستکار و نام «پدر» را بر ارباب و سرور نهاد. میدرش (تفسیر قدیمی از کتب مقدس عبری) این گونه این نکته را تایید می‌کند: «همان گونه که حواریون پسر خوانده می‌شوند، به همان سیاق ارباب پدر خوانده می‌شود.» در خانه خاخام گمالیئیل دوم (در حدود سال ۹۰ بعد از میلاد) حتی تبی برده «آبا تبی» خوانده می‌شد.

اگر این فضا را در مورد آبا در نظر بگیریم، مشخص خواهد شد چرا یهودیت فلسطینی از عبارت آبا برای خطاب قرار دادن خدا استفاده نمی‌کند. آبا واژه‌ای است که کودکان از آن استفاده می‌کنند، در زبان روزمره مورد استعمال قرار می‌گیرد و اصطلاحی برای نشان دادن کرنش و احترام است. از منظر قریحه و احساسات همعصران عیسی خطاب قرار دادن خداوند با این واژه آشنا می‌بایست توهین‌آمیز و حتی غیرقابل‌تصور بوده باشد.

عیسی جسارت استفاده از آبا برای خطاب قرار دادن خدا را داشت. این آبا صدای واقعی عیسی بود.

نوآوری کامل و منحصر به فرد آبا به مثابه عنوانی که عیسی در نیایش‌هایش از آن برای خطاب قرار دادن خدا استفاده می‌کرد نشان می‌دهد که این واژه کنه رابطه عیسی با خدا را بیان می‌کند. او با خدا به سان کودک با پدرش سخن می‌گفت: با خاطری جمع و آسوده، و البته همزمان با رعایت احترام و از روی فرمانبرداری.

شایسته است در این جا هشدار نسبت به دو سوءتفاهم داده شود. اول، این حقیقت که آبا در اصل کلمه ندایی مورد استفاده کودکان بود هر از چندگاهی به این فرض اشتباه انجامیده که عیسی در خطاب قرار دادن خدا با عنوان «پدر» زبان کودک خردسالی را به کار برده است؛ حتی خود من هم در گذشته چنین برداشتی داشتم. معهذاً، این کشف که حتی در دوره ماقبل عهد جدید، پسران و دختران بزرگسال پدرانشان را آبا خطاب می‌کردند، راه را برای هر گونه محدودیت اینچنینی می‌بندد. دوم، این حقیقت که لفظ آبا بیانگر آگاهی نسبت به نقش پسری است نباید ما را به این نتیجه اشتباه بکشاند که با جزئیات فراوان خود عیسی را به مسیح‌شناسی «پسر خدا» نسبت دهیم، برای نمونه این ایده زندگی قبل از تولد، خیلی زود در کلیسای نخستین بسط و گسترش یافت. این تفسیر بیش از حد از لفظ آبا با کاربرد روزمره آن همخوانی ندارد.

عیسی *آتا* را لفظی مقدس قلمداد می‌کرد. هنگامی که به حواریون تعلیم می‌دهد که «هیچ مردی را روی زمین پدر خود نخوانید، زیرا که شما یک پدر دارید که در آسمان است» (متی ۲۳.۹)، او بی شک منظورش این نیست که آنان را از خطاب دادن پدران جسمانی خود با نام «پدر» منع کند. بلکه او به سنت خطاب قرار دادن افراد سرشناس، به ویژه افراد سالخورده که آنها را با لفظ *آتا* می‌خوانند نظر دارد. حواریون از این امر بر حذر داشته می‌شوند چرا که باعث استفاده نابجا از این لفظ می‌شود. او در نظر داشت تا شرافت نام «پدر» را تنها برای خدا حفظ کند. این منع نشان می‌دهد تا چه اندازه عیسی احساس می‌کرد که عنوان *آتا* بایستی محترم شمرده شود.

*آتا* به مثابه عنوانی برای خدا مظهر نهایت رازآلودگی ماموریت عیسی است. او به این مساله آگاه بود که اجازه دارد تا وحی خدا را ابلاغ کند چرا که خدا خود را به مثابه پدر بر وی شناسانده بود. (متی ۱۱.۲۷)

اجماع نظر کلی در این باره وجود دارد که خطاب قرار دادن خدا با عنوان «پدر» هم عادت مرسوم عیسی در نیایش (تنها مورد استثنا در سنت انجیلی در مرقس ۱۵:۳۴) بود و هم مختص او بود، و در رسومات پارسایی یهودیت آن دوران جایی نداشت. در اینجا ما به طور منحصربه‌فردی فقط در اناجیل، عبارت آرامی *آتا* به همراه با معادل یونانی آن داریم. مجادله مشهور ی. یرمیا که مدعی است خطاب قرار دادن خدا با عنوان *آتا* در ادبیات یهودیت بی‌سابقه بوده است و نشان از حس خاصی از صمیمیت با خدا دارد، همچنان به قوت خود باقی است، هر چند با پافشاری واعظان که اصرار دارند این اصطلاح آشنا مترادف واژه «ددی» در زبان انگلیسی است این بحث در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. استدلال جی. بار که «آتا ددی نیست» با استقبال خوبی مواجه شده است چرا که در این رابطه ویژه هیچ چیز بچگانه‌ای وجود ندارد (این عبارت همچنین، برای مثال، توسط مریدان برای خطاب کردن خاخام خود به کار می‌رفت)، اما این منظور نظر یرمیا نبود. این عبارت دربردارنده صمیمیت آمیخته با احترام پسر است که در یک خانواده پدرسالار زندگی می‌کند. و در این معنا، استفاده عیسی از این شکل از خطاب دادن خدا بسیار چشمگیر و بی‌سابقه بود تا اینکه بعدها پیروانش نیز به تأسی از او از آن استفاده کردند: پولس *آتا* را نشانه‌ای از یک رابطه شگفت‌انگیز و تا آن زمان ناپسند بین فرد مؤمن و خدا می‌داند. (رومان ۸:۱۵؛ غلاطیان ۴:۶)

درخواست عیسی از پدرش بر این دو فرض توأمان استوار است که از یک سو «همه چیز برای تو ممکن است» و از سوی دیگر خدا مشیتی دارد که بایستی پذیرفته شود نه اینکه با دعا تغییر یابد. این آمیزه‌ایست از دو باور که به همه عبادات، آن پویایی رمزآلود را می‌دهد، و هرگونه «راه حل سریع» را نقش بر آب می‌کند. خواننده‌ای که ۲۵-۲۲: ۱۱ را به یاد دارد، از این امر آگاه خواهد بود که همه شرایط برای نیایش موثر برقرار بوده است و بنابراین رستگاری عیسی ممکن شده است. اما ما و حتی عیسی به عنوان پسر خدا نباید چنین فرض کنیم که خدا که «می‌تواند» هر حاجتی را برآورده کند الزاماً این کار را خواهد کرد. چنین برمی‌آید که دعا و نیایش متضمن تغییر خواست خدا نیست بلکه جستجوی ماست برای یافتن راهی در جهت همراهی شدن با مشیت خداوند. جایی که خواست ما با هدف خداوند همسو نیست، این خواست ماست که بایستی رها شود.

## واژه‌نامه

**کفّاره (Atonement)** به‌طور تحت‌اللفظی یعنی «یکی‌شدن» (at-one-ment). این واژه معمولاً در قالب «نظریه‌های کفّاره» به کار می‌رود و به بررسی کارآمدی مرگ مسیح در نجات بشریت می‌پردازد.

**مسیح‌شناسی (Christology)** مطالعه شخص و کار مسیح.

**ذاتی (Constitutive)** واژه‌ای مشابه و گاه هم‌معنا با نظریه‌های «عینی». این اصطلاح در مباحث معاصر درباره مرگ مسیح، رفته‌رفته در حال جایگزین شدن با واژه «عینی» شده چراکه ظریف‌تر و انعطاف‌پذیرتر تلقی می‌شود. این نظریه‌ها تأکید می‌کنند که مسیح کاری برای ما انجام داده است که امکان نجات را فراهم می‌سازد.

**تقاص (Expiation)** در اصطلاح مسیح‌شناسی به این معناست که مرگ مسیح علت رنجش خدا، یعنی گناه ما، را از میان برمی‌دارد. (نگاه کنید به: فرونشاندن خشم)

**اگزیستانسیالیست (Existentialist)** مکتبی فکری که در دهه ۱۹۴۰ با متفکرانی چون ژان پل سارتر مشهور شد. در این دیدگاه، جهان بی‌معناست و هر فرد تنهاست و کاملاً مسئول اعمال خویش است؛ اعمالی که به واسطه آنها شخصیت خود را می‌سازد و وجود خویش را تعریف و خلق می‌کند. از اگزیستانسیالیست‌های مسیحی برجسته می‌توان پل تیلیش و جان مک‌کواری را نام برد.

**محکمه‌ای (Forensic)** نظریه‌های کفّاره که ادبیات خود را از دادگاه‌های حقوقی روم وام گرفته است، در مقابل مثلاً زبان بازار (نگاه کنید به: فدیّه).

**گنوسی (Gnostic)** از واژه یونانی «گنوسیس» به معنای «دانش». بدعتی شبه‌مسیحی که برخی (اغلب خیال‌پردازانه) تعالیم مربوط به عیسی را با دوگانه‌انگاری ایرانی و گاه با تصویرپردازی‌های یهودی، یا در اغلب موارد، با یهودستیزی، درهم می‌آمیخت. نمونه آن مارسیون (درگذشته حدود ۱۶۰ میلادی) که معتقد بود یهوه همان شیطان است و کل عهد عتیق اهریمنی است — حتی بخش‌هایی که در عهد جدید آمده‌اند — بنابراین آنها را حذف کرد [و گمان می‌کنم تنها در حدی از عهد جدید باقی ماند که همه مطالب آن پشت یک اسکناس پنج‌پوندی جا شود!].

**تجسد (Incarnation)** به معنای «به‌جسم‌درآمدن» خدای پسر؛ شخص دوم تثلیث ازی (که پیش از نخستین کریسمس، و حتی پیش از آفرینش، وجود داشته است).

**لوگوس (Logos)** واژه‌ای یونانی به معنای «کلمه، اندیشه، اصل راهنما» که پسوند «-شناسی» -ology / از آن گرفته شده است. در مرکز الهیات یوحنا قرار دارد.

**عینی (Objective)** نظریه‌های کفّاره که بر این نکته تأکید دارند که «صلیب مسیح» تغییری واقعی در خدا و/یا در انسان پدید آورده است؛ مثلاً خدا از خشم بازایستاده و انسان از گناه یا تقصیر رهاشده شده است. این زبان امروز تا حدی کهنه تلقی می‌شود، اما هنوز می‌تواند سودمند باشد.

**نمایانگر (Illustrative)** واژه‌ای مشابه و گاه هم‌معنا با نظریه‌های «ذهنی». این اصطلاح در مباحث معاصر درباره مرگ مسیح به جای «ذهنی» به کار می‌رود و ظریف‌تر و انعطاف‌پذیرتر است. این نظریه‌ها می‌گویند مسیح/صلیب چیزی را نمایان می‌کند که حقیقتی ازی و مربوط به ذات خداست و این مکاشفه خود ماهیتی رهایی‌بخش دارد.

**پست‌مدرن (Post-modern)** (به ساختارگرایی هم نگاه کنید) به‌طور کلی، اندیشهٔ انسانی از عصرِ روشنگریِ اروپایی (حدود نیمهٔ قرن ۱۸) تا اواخرِ قرن ۲۰ که مبتنی بر علمِ مشاهدات بود مانند قوانین نیوتن، «مدرن» تلقی می‌شود. نگرشِ رایج می‌گوید «به‌طور علمی اثبات‌شده»؛ هنوز حقایقِ مطلق وجود دارند، اما علمی‌اند نه دینی یا فلسفی. پست‌مدرنیته بیشتر بر علمِ پس از انیشتین و نظریه‌های زبانی و اجتماعی ساختارگرا تکیه دارد و وجودِ هرگونه حقیقتِ ثابت را انکار می‌کند. این دنیایی است که در آن زندگی می‌کنیم. (هرچند برخی از ما هنوز فرزندانِ دنیای روشنگری/مدرنیته‌ایم!).

**فرونشاندنِ خشم (Propitiation)** در اصطلاحِ مسیح‌شناسی یعنی مرگِ مسیحِ خشمِ خدای پدر را نسبت به گناهانِ ما آرام می‌کند، از طریقِ تقدیمِ قربانیِ پذیرفتنی.

**بازخریدن / رهایی (Redemption)** زبانی برگرفته از بازارهای برده‌فروشی؛ بازخریدن از بردگی با پرداختِ بهای بازار.

**بازنما (Representative)** نظریه‌هایی از کفاره که می‌کوشند تصویرپردازی‌های کتاب‌مقدس از جانشینی را بدون رویکردِ جانشینیِ کیفری (نگاه کنید به: جانشینی) تبیین کنند. این دیدگاه‌ها بر این نکته تأکید دارند که مسیحِ بازنمایی از اسرائیل/بشریت/آفرینش در برابرِ خدا بود و از نمونه‌های زندگیِ معاصر الهام می‌گیرند (مثلاً متأله آلمانی، ولفهارت پاننبرگ، از مرگِ بازنمای یک سرباز به نیابت از ملت یا جامعه‌اش سخن می‌گوید).

**نجات (Salvation)** از واژهٔ لاتینی به معنای «شفا» گرفته شده و به سوی وحدت و یکپارچگی اشاره دارد؛ اما در گذر زمان رنگ‌وبوی «نجات‌دادن» نیز به خود گرفته است. این دو قطب، دامنهٔ معنایی این واژه را شکل می‌دهند.

**ساختارگرایی (Structuralism)** سنگ‌بنای پست‌مدرنیسم. بر «دلیخواهی بودنِ نشانه‌های زبانی» اصرار دارد و زبان را «هوس‌باز و دمدمی» (به‌گفتهٔ دریدا) می‌داند؛ نتیجهٔ آن، ناممکن بودنِ معانی ثابت برای هر متن است. بودریار استدلال می‌کرد که جامعهٔ مدرن در دامِ نظام‌های نشانه‌ای مصنوعی گرفتار شده که خود بی‌معنا هستند و صرفاً نظام‌های اعتقادی پدیدآورندگان‌شان (معمولاً قدرت‌های سرکوبگر) را بازتولید می‌کنند؛ از این‌رو ضرورتِ «**واسازی/ساختارشکنی**» متون برای آزادسازیِ اندیشه مطرح می‌شود.

**ذهنی (Subjective)** نظریه‌های کفاره که می‌گویند مرگِ مسیح تنها اثری الهام‌بخش دارد؛ تغییری جز در خودِ ما رخ نمی‌دهد، اما آرمان‌های ما والاتر می‌شود. نمونهٔ صلیب، عشق و تعهد را در انسان برمی‌انگیزد. این نوع ادبیات امروز تا حدی کهنه تلقی می‌شود، ولی هنوز می‌تواند مفید واقع شود.

**جانشینی (Substitutionary)** نظریه‌های کفاره که بر این تأکید دارند که مسیح به‌جای ما مُرد. معمولاً به‌صورت «جانشینی کیفری» فهمیده می‌شود؛ یعنی مسیح مجازاتِ گناهانِ ما را بر دوش خود کشید و بدین‌سان خشمِ عادلانهٔ خدا را از بشریتِ گناهکار دور نگه داشت. این دیدگاهِ شکلی از نظریهٔ عینی کفاره است، اما امروزه — دست‌کم در شکلی کیفری آن — به‌سببِ اینکه نا عادلانه به نظر می‌رسند، با نقدهای جدی روبه‌روست.

کلیهٔ حقوق محفوظ است. هیچ بخشی از این اثر بدون اجازهٔ کتبی واحدهای آموزش اسقف‌نشینِ انگلیکنِ دری، لستر و ساوث‌ول و ناتینگهام، نباید به هیچ شکلی بازتولید، ذخیره یا منتقل شود؛ چه به‌صورت الکترونیکی، مکانیکی، فتوکپی، ضبط، یا هر روشِ دیگر.